نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال پانزدهم – شماره ۶۵۹ – یک شنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۹۱ – ۸ صفحه – ۵۰۰ تومان

واکنش اعضای شورای بوشهر به انتقاد استاندار

درخواست عذرخواهی و مناظره با استاندار

صفحه۷

جهان بخش: اعتبارات شهرداری بوشهر را متوقف می کنیم







معضل جدی بیکاری در بوشهر

در غفلت و بی‌توجهی مدیران استان بوشهر، دولت احمدی نژاد، جوانان هرمزگانی را هم بومی عسلویه کرد

فراخوان سرمایه گذاری مشارکتی به روش B.O.T جهت شهربازی

شهرداری بندر بوشهر در نظر دارد احداث پروژه شهر بازی به روش سرمایه گذاری مشارکتی B.O.T به افراد واجد شرایط حقیقی و حقوقی که سابقه کار در این امور دارند واگذار نماید .

لذا کلیه متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد و کسب اطلاعات بیشتر به دفتر سرمایه گذاری و مشارکت شهرداری بندر بوشهر واقع در میدان امام جنب بانک ملی ساختمان پزشکان مهرگان طبقه دوم واحد ۲۰۶ مراجعه نمایند .

آخرین مهلت جهت تکمیل و تحویل فرم شرکت در فراخوان حداکثر ۱۰ روز پس از انتشار آگهی می باشد .

جناب آقای مهندس راستاد
مدیر کل محترم بنادر و دریا نوردی استان بوشهر

با کمال تاسف و تاثر در گذشت والده گرامی به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از پیشگاه حضرت احدیت برای آن عزیز سفر کرده غفران و رحمت واسعه الهی و برای سایر بازماندگان صبر جزیل و طول عمر عزت مسئلت می نمائیم.

"هیئت رئیسه،هیئت نمایندگان و کارکنان
اتاق بازرگانی و صنایع و معادن بندر بوشهر"

جناب آقای دکتر علی پولادی

انتخاب شما را به عنوان پژوهشگر برتر کشور، که نشان از شایستگی علمی و دانش جنابعالی دارد، مایه سرور و شادمانی جامعه علمی استان بوشهر و علاقمندان به سرافرازی این منطقه محروم اما استعداد پرور گردید. ضمن تبریک این موفقیت علمی، امیدواریم شاهد موفقیت روزافزون جنابعالی در آسمان علم و دانش باشیم.

«هفته نامه نسیم جنوب»

پخش مواد غذایی احسان

بورس خرید و فروش مواد غذایی برنج- رب- قند- شکر - حبوبات- خشکبار به صورت نقد.

تلفن:۰۹۱۷۲۳۵۹۸۱۸ – ۰۹۱۷۲۳۵۹۸۳۵

فروش زمین

فروش زمین واقع در بخش ۲ کوی رایانی با موقعیت عالی و قیمت مناسب با اسناد مالکیت معتبر تفکیک شده با مساحت های مناسب

تلفن:۰۹۱۷۱۷۳۲۳۵۰ – اشرفی

مجتمع تجاری سیوند به یک حسابدار مسلط به امور حسابداری بازرگانی با سابقه کار حداقل ۱۰ سال در دوشیفت کاری با پایه حقوق ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ریال و بیمه تامین اجتماعی نیازمندیم.

تلفن:۰۵۶۵۱۲۲-۳۵۳۵۱۷۷

معرفی دارندگان گواهی نامه های دریانوردی (عرشه و موتور) جهت اشتغال در یکی از شرکت های فعال در استان بوشهر با حقوق و مزایای مناسب

رسته عرشه (نامحدود): فرمانده و افسر دوم
رسته عرشه (کمتر از ۳۰۰۰ تن): فرمانده
رسته عرشه (کمتر از۵۰۰ تن): افسر دوم
رسته موتور(نامحدود): سرمهندس، مهندس دوم، سوم و چهارم.
رسته موتور(محدود): سرمهندس، مهندس دوم، سوم (کمتر از ۳۰۰۰ کیلو وات)، اویلر/ موتوریست.
سایر موارد: مکانیک ماهر موتورهای دیزل، تکنسین برق، تراشکار، افسرالکترونیک درجه ۲،plc man

جهت ثبت نام با موسسه آموزش کشتیرانی دریای دور با شماره ۵۵۵۲۹۴۹-۰۷۷۱ تماس حاصل فرمایید.

آگهی مناقصه عمومی– نوبت اول

اداره کل بیمه خدمات درمانی استان بوشهر در نظر دارد انجام امور نقلیه اداری خود را در داخل شهر بوشهر و سایر شهرستان ها به شرح جدول ذیل از طریق مناقصه عمومی به شرکت های واجد شرایط دارای کد حمل و نقل واگذار نماید. لذا متقاضیان می توانند از تاریخ درج آگهی نوبت اول و دوم جهت دریافت اوراق مناقصه به نشانی بوشهر، خیابان امام(ره)، خیابان فاطمیه، اداره کل بیمه خدمات درمانی استان بوشهر، واحد امور اداری مراجعه و پیشنهاد های خود را حداکثر تا تاریخ ۹۱/۲/۲۳ به این اداره کل تحویل نمایند.

-هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه بوده و این اداره کل در رد یا قبول هر یک از این پیشنهادات واصله مختار است.

- تاریخ انتشار نوبت اول ۹۱/۲/۳
- تاریخ انتشار نوبت دوم۹۱/۲/۱۰
- آخرین مهلت فروش اسناد ۹۱/۲/۱۳
- تاریخ بازگشایی پاکات ۹۱/۲/۲۴ ساعت ۱۰ صبح
- مکان: اداره کل بیمه خدمات درمانی استان بوشهر

شهرستان	نوع خودرو	تعداد
بوشهر	پژو پارس، پژو ۴۰۵، سمند lx مدل ۱۳۸۹ به بالا	۲دستگاه
دشتستان	پژو پارس، پژو ۴۰۵، سمند lx مدل ۱۳۸۹ به بالا	۱دستگاه
دشتی	پژو پارس، پژو ۴۰۵، سمند lx مدل ۱۳۸۹ به بالا	۱دستگاه
کنگان	پژو پارس، پژو ۴۰۵، سمند lx مدل ۱۳۸۹ به بالا	۱دستگاه
گناوه	پژو پارس، پژو ۴۰۵، سمند lx مدل ۱۳۸۹ به بالا	۱دستگاه

روابط عمومی اداره کل بیمه خدمات درمانی استان بوشهر

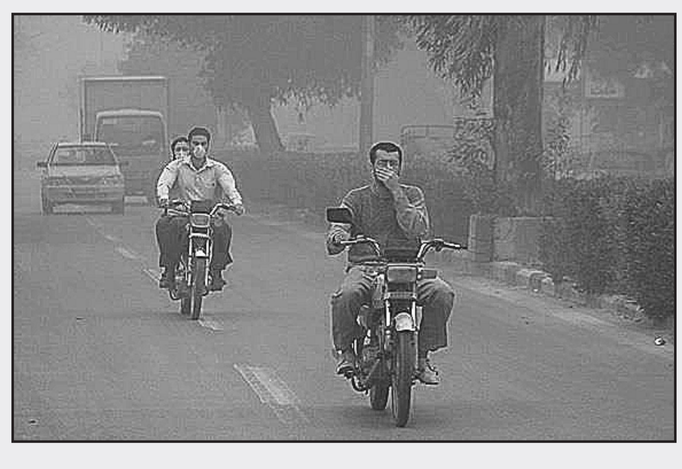
آیین اختتامیه «کارگاه فهم معماری ایران از پنجره بوشهر»

بزرگترین کارگاه معماری کشور به پایان راه رسید



«کارگاه فهم معماری ایران از پنجره بوشهر» به کار خود را پایان داد و هیأت داوران برگزیدگان خود را معرفی کردند.
به گزارش «ستاد خبری کارگاه فهم معماری ایران از پنجره بوشهر»، هفتمین دوره از سری کارگاه های معماری دبیرخانه رویدادهای معماری به پایان رسید.
مراسم اختتامیه «کارگاه فهم معماری ایران از پنجره بوشهر»، با حضور حمیدرضا سپهری، وحید قاسمی، دکتر مهدی حجت، ناصر نوروززاده چگینی، محمدرضا رحیم زاده، هایده لاله و جمعی از اساتید و معماران کشور روز گذشته در بوشهر برگزار شد.
در این مراسم، وحید قاسمی دبیر کارگاه بر ضرورت برگزاری چنین کارگاه هایی و تاثیر آن بر اوضاع نابه سامان شهرهای ایران تاکید کرد.
حمایت مقامات بوشهری، لازمه کارگاه بود
دبیر «کارگاه فهم معماری ایران از پنجره بوشهر»، در ابتدا با اشاره به حمایت بوشهریان از کارگاه بیان کرد: کارگاه با همه لحظات تلخ و شیرین آن به پایان رسید. اگر کارگاه به انتهای راه نزدیک شده، به دلیل حمایت های مسئولان و مقامات بوشهری است. آنها آنقدر مهربان و مشتاق بودند که بذر شوق را در ما نیز می کاشتند.
وی در ادامه از نوشاد رکنی، نصری اشرفی، شادمهر راستین، پیروز کلانتری و همه مهمانان ویژه «کارگاه فهم معماری ایران از پنجره بوشهر» برای حضور در کارگاه هفتم قدردانی کرد.
وحید قاسمی افزود: همکاران ۱۲۰ نفره دبیرخانه از هیچ تلاشی برای برگزاری هر چه بهتر کارگاه دریغ نکردند. مشارکت دوستان از همه استان های کشور از جمله خراسان جنوبی، گلستان، خوزستان، اصفهان و تهران شامل حال کارگاه شد. من به نمایندگی از آنها اینجا هستم.
کارگاه به ما درس زندگی آموخت
دبیر «کارگاه فهم معماری ایران از پنجره بوشهر» جمع ۳۰۰ نفره دانشجویان را مهمترین اتفاق این کارگاه خواند و عنوان داشت: مهمترین نکته کارگاه، گردهم آیی ۶ روزه دانشجویان بود که فرصتی را برای بهتر فکر کردن ایجاد کرد. دیدن سختی های فراوان و تحمل کردن در این کارگاه، به شرکت کنندگان ما درس زندگی آموخت که برای من مهمترین اتفاق است. جوانان ما باید به قامت سرزمین خود قد بکشند چرا که ارزششان بیش از این است.
وی در پایان تاکید کرد: شرکت کنندگان باید خبرهای خوب کارگاه را به استان های خود ببرند و از فرهنگی که حلقه گمشده این روزهای ماست حرف بزنند. من امیدوارم هر قصور و کوتاهی را بر ما ببخشید.
در ادامه مراسم اختتامیه «کارگاه فهم معماری ایران از پنجره بوشهر»، مهندس مسعود نصوحی مدیرعامل منطقه اقتصادی پارس و معاون عمرانی استانداری بوشهر اظهار داشت: از همه اساتید گرانقدر که با همکاری یکدیگر توانستند این کارگاه را برگزار کنند تشکر می کنم. من دوست داشتم که از ابتدا در کارگاه شرکت کنم اما به دلیل مشغله فراوان تنها در جریان گزارش های آن قرار گرفتم.
وی افزود: این کارگاه برای اولین بار در استان بوشهر برگزار شد و امیدوارم نتایج آن بر فرهنگ بوشهر و معماری تاریخی این شهر تاثیرگذار باشد.
در ادامه این مراسم، حمیدرضا سپهری، مدیر مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران از همه افراد حاضر در کارگاه و آیت الله صفایی بوشهری، نماینده ولی فقیه در استان بوشهر تقدیر و تشکر کرد.
«کارگاه فهم معماری ایران از پنجره بوشهر» برگزیدگان خود را شناخت
در آیین اختتامیه، برگزیدگان «کارگاه فهم معماری ایران از پنجره بوشهر» معرفی شدند و تندیس کارگاه به آنان اهدا شد.
نفرات اول تا سوم هفتمین دوره از سری کارگاه های دبیرخانه رویدادهای معماری به شرح زیر می باشند:
رتبه اول: کوشا خدابنده لو، آیدین ورزی، امیرحسین هاشمی.
رتبه دوم: محمد حسینی، امید خسروی راد، شهاب شرافت.
رتبه سوم: رضا ناصری پورتکلو، طیبه سعیدی گراغانی، احمد علی نامداریان.
همچنین در این مراسم از سمیرا تفضل، مسیح داوری، خاطره مروج، راحیل ندومی، دنیاا کبرزاده و خدیجه آذرباد تقدیر شد.

آلودگی بوشهر، ٤ برابر استاندارد جهانی



معاون محیط انسانی اداره کل حفاظت محیط زیست استان بوشهر گفت: ایستگاه ثابت سنجش آلودگی هوا در بوشهر نشان دهنده بالا بودن آلودگی بیش از چهار برابری استاندارد بهداشت جهانی به علت پدیده گرد و غبار معلق در هواست.
محمود رضایی افزود: اکنون میزان آلودگی هوا در بوشهر ۶۵۰میکروگرم بر مترمکعب است که استاندارد بهداشت جهانی آن ۱۵۰ میکروگرم بر متر مکعب است. وی اظهارداشت: پدیده گرد و غبار از روز چهارشنبه هفته گذشته آسمان استان بوشهر را در برگرفته است .
رضایی اضافه کرد: میزان آلودگی هوا در شهر بوشهر روز نخست ورود این پدیده ۵۰۰ میکروگرم بر متر مکعب بود. معاون محیط انسانی اداره کل حفاظت محیط زیست استان بوشهر ادامه داد: میزان آلودگی هوا در روز پنجشنبه هفته گذشته نیز به ۹۵۰ میکروگرم بر متر مکعب رسید که این رقم بیش از شش برابر استاندارد بهداشت جهانی است. وی یادآورشد: روز گذشته نیز آلودگی هوا در بوشهر حدود ۷۰۰ میکروگرم بر متر مکعب بود./منبع:ایرنا

راه اندازی سامانه ملی پورتال پژوهشی در دانشگاه علوم‌پزشکی بوشهر

سامانه ملی پژوهشی کشور در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر راه اندازی شد. مدیر امور تحقیقات و اطلاع‌رسانی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار داشت: این سامانه با هدف پوشش همه نیازهای جامعه پژوهشی کشور طراحی شده که در استان بوشهر پس از استان‌های آذربایجان غربی، لرستان و هرمزگان به همت معاونت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و معاونت تحقیقات دانشگاه راه‌اندازی و مورد بهره‌برداری قرار گرفت.
مریم روانی‌پور افزود: در ساختار این پورتال، بانک‌های اطلاعاتی نظیر بانک اطلاعات جامعه پژوهشی، بانک اطلاعات دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، نشریات، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌های دانشجویی، طرح‌های تحقیقاتی و دیگر موارد در نظر گرفته شده است.
وی افزود: علاقه‌مندان می‌توانند برای دسترسی به این سامانه از طریق سایت دانشگاه علوم پزشکی بوشهر با آدرس www.bpums.ac.ir با مراجعه به لینک پورتال اطلاعات پژوهشی کشور از این سامانه استفاده کنند.

معضل جدی بیکاری در بوشهر

در غفلت و بی‌توجهی مدیران استان بوشهر، دولت احمدی نژاد، جوانان هرمزگانی را هم بومی عسلویه کرد



در حالیکه چندین سال از مصوبه هیئت دولت مبنی بر استخدام ۵۰ درصد نیروی بومی استان بوشهر در پارس جنوبی می‌گذرد و این مصوبه هنوز عملی نشده، هیئت دولت در سفر به هرمزگان، جوانان این استان را نیز به عنوان بومی منطقه عسلویه در این مصوبه سهیم کرد.
به گزارش خبرنگار مهر، در سفر سال ۸۴ هیئت دولت به استان بوشهر مصوبه‌ای مبنی بر استخدام ۵۰ درصدی نیروی بومی استان بوشهر به تصویب رسید که عملی‌شدن این مصوبه می‌توانست بسیاری از مشکلات اشتغال در بین جوانان بوشهری را از بین ببرد.
با وجود گذشت سالها از این مصوبه هنوز هم شاهد تحقق کامل این مصوبه در پارس جنوبی نیستم و جوانان بیکار زیادی در استان بوشهر در پی استخدام در پایتخت انرژی ایران هستند.
هیئت دولت در سفر هفته گذشته خود به استان هرمزگان، مصوبه‌ای داشت که جوانان استان هرمزگان را نیز بومی منطقه عسلویه محسوب کرده و می‌توانند از سهمیه ۵۰ درصد نیروی بومی پارس جنوبی استفاده کنند.
در این مصوبه که با عنوان خبر خوش برای هرمزگانی‌ها منتشر شد، ساکنان هرمزگان که تا شعاع ۱۰۰ کیلومتری شهر عسلویه زندگی می کنند، برای اشتغال در صنایع این بخش به عنوان بومی قلمداد خواهند شد.

استفاده بهینه نمایندگان هرمزگان از سفر هیئت دولت

نماینده شهرستان‌های دیر، کنگان و جم در مجلس شورای اسلامی در ارتباط با این مصوبه هیئت دولت به خبرنگار مهر گفت: مدیران اجرایی هرمزگان از فرصت موجود مبنی بر سفر هیئت دولت نهایت استفاده را کرده و توانستند این مصوبه را از هیئت دولت بگیرند.
عسکر جلالیان در پاسخ به این سوال که نمایندگان استان هرمزگان مدعی شده‌اند که پروژه عسلویه از منابع فرا استانی و ملی است از این رو برای رعایت عدالت باید همه مردم مناطق همجوار از امتیازات آن از جمله اشتغال برخوردار باشند، اظهار داشت: هر طرحی دارای یک سری وجوهات ملی و یک سری وجوهات منطقه‌ای است، پروژه پارس جنوبی نیز به همین شکل است که هم وجوه منطقه‌ای و هم وجوه ملی آن را باید ببینیم.
وی با بیان وجوه ملی آن اضافه کرد: درآمدهای آن، جذب سرمایه و سرمایه گذاری آن، تامین امنیت، برنامه‌ریزی و کارهای پیشرفته که باید در این پروژه طراحی شود، از جمله بحث‌های ملی آن است.

شاخصه‌های مهم در تصویب این مصوبه

عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی با اشاره به سه شاخه مهم از فرصت‌های به دست آمده برای مسئولان استان هرمزگان اظهار داشت: حضور هیئت دولت در استان هرمزگان، دوران نقل و انتقال مجلس و غفلت و بی‌توجهی مدیران استان بوشهر، فرصتی برای استان هرمزگان به منظور تعرض به حریم بوشهر بود.
جلالیان خواستار تغییر در این مصوبه و اصلاح آن شد و ادامه داد: هرجا که پروژه مادر و پایه‌ای ایجاد می‌شود، اشتغال آن، حق نیروهای بومی آنجاست.
وی اضافه کرد: افرادی که در کنار این پروژه‌ها هستند و زندگی می‌کنند، طبیعی است که مضرات و خطرات این پروژه‌ها بیشتر برای آنها خطرآفرین است در نتیجه باید بسیاری از منافع این پروژه‌ها به طور مستقیم عاید آن ها شود.
نماینده شهرستان‌های دیر، کنگان و جم در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: یکی از وجوهات نگاه جهاد اقتصادی به منطقه، بحث اشتغال است تا جوانان این منطقه بتوانند زندگی خود را بگذرانند.
وی با اشاره به سخنان رئیس جمهور مبنی بر " آنها که در کنار پارس جنوبی قرار دارند در برخورداری از منافع پارس جنوبی در اولویت هستند" بیان کرد: قانون تصویب شده نیز می گوید ۵۰ درصد از ظرفیت اشتغال این پروژه ها باید در اختیار نیروهای استان بوشهر قرار بگیرد.
عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی ادامه داد: این مصوبه‌ها برای استان‌هایی مانند خوزستان که نفت و گاز در اختیار دارند نیز وجود دارد و استان دیگری در این امر با آنها شریک نیست.
وی افزود: با وجود همه آمارهای منتشر شده در زمینه اشتغال، هنوز حجم بیکاری در استان و به خصوص در قسمت دیر، کنگان، عسلویه و جم بالاست و نیازمند توجه جدی‌تری است.

استاندار بوشهر برای دفاع از حق مردم وارد عمل شود

جلالیان در ادامه بیان داشت: بنده به عنوان یکی از نمایندگان استان بوشهر، مسرانه از استاندار بوشهر درخواست دارم که برای دفاع از حقوق مردم استان رسماً با هیئت دولت برای تغییر این مصوبه مکاتبه داشته باشد.
وی از تلاش خود برای دنبال کردن این موضوع خبر داد و اظهار داشت: چه نماینده مردم در مجلس باشم و چه نماینده نباشم، هر جایی که احساس کنم می‌توانم، در راستای تامین منافع مردم با تمام قدرت ورود می‌کنم.
نماینده شهرستان‌های دیر، کنگان و جم در مجلس شورای اسلامی عنوان کرد: در مورد این موضوع هم با معاون رئیس جمهور و هم با نمایندگان هرمزگان صحبت و اعتراض کرده‌ام.
وی در پایان اذعان داشت: این مصوبه را مدیریت استان هرمزگان به هیئت دولت پیشنهاد داده و آن را اخذ کرده است.

جوانان استان فارس در انتظار کسب سهمیه بومی عسلویه

این مصوبه در حالی به تصویب رسیده که شش ماه پیش نمایندگان استان فارس و هرمزگان در هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به رئیس جمهور خواستار تصویب چنین مصوبه ای شده بودند و این سهمیه برای استان هرمزگان در سفر هیئت دولت به این استان عملی شد.
و حالا بیم آن می‌رود که در صورت سفر هیئت دولت به استان فارس، جوانان این استان نیز بومی استان بوشهر محسوب شده و در استخدام ۵۰ درصد نیروی بومی در منطقه پارس جنوبی سهیم شوند.
جوانان بیکار بوشهری همچنان چشم‌انتظار عملی شدن مصوبه هیئت دولت برای استخدام در پارس جنوبی هستند ولی با این روند روز به روز از آن دورتر می‌شوند.

خشک شدن نخل های برخی مناطق دشتستان بخاطر محدودیت در آب



لیمر گزارش داد: نخلداران روستاهای منطقه آبپخش و سعدآباد دشتستان در حالی سال زراعی ۹۰ را پشت سر گذاشتند که محصولاتشان کیلویی ۳۵۰ الی ۴۰۰ تومان به فروش رفت و تنها هزینه داشت و برداشت را پوشش داد و عملاً هیچ گونه درآمدی کسب ننمودند بماند اینکه اکثر باغداران هنوز همین چندرغاز را هم دریافت نکرده اند. در حالی که چشم امید کشاورزان به سال زراعی جدید و گشایشی در بازار قیمتها بود، سازمان جهاد کشاورزی کار ساخت و پوشش کانال اصلی آبیاری باغات روستای دشتی شبانکاره و بنارآزادگان را به پیمانکار واگذار نموده و در اوج نیاز باغات به آب ، پیمانکار آب را بر مردم بسته و کار خود را شروع نمود. این در حالی است که کار ساخت کانال یکسال به طول انجامید.
شرکت بهره برداری از شبکه های آبیاری و زهکشی آبپخش نیز در طول یکسال زمان پیشرفت پروژه هیچ گونه تدبیری جهت آبیاری باغات پایین دست این دو روستا ننموده و با خیال راحت نظاره گر وضع موجود بوده و نخلداران نیز در عین ناباوری شاهد از بین رفتن نخلها و ذره ذره آب شدن حاصل زحمات عمرشان بودند ولی هیچ کاری از دستشان بر نمی آمد.
اگر چه تعدادی از باغداران عمده، میلیونها تومان هزینه نموده و با تراکتور، آب از زهکشها و رودخانه ها تلمبه نموده و باغات خود را آبیاری نمودند ولی با توجه به تعداد زیاد نخیلات، کمبود آب و گرانی آن ، نیاز آبی نخیلات برطرف نشده و آن شد که نباید می شد!
نوروز سال ۱۳۹۱ در حالی فرا رسید که باغداران روستاهای دشتی شبانکاره و بنارآزادگان داغدار بودند زیرا ۷۰ الی ۹۰ درصد نخیلات این دو روستا ثمر نزده و هیچ گونه اسپات(دُولی) بالا نیاورده تا امید باغداران نا امید گردید.
حالا این کشاورزان صبور و زحمتکش مانده اند و مخارج سنگین زندگی که با احتساب ضرر و زیان سال زراعی ۱۳۹۰ از تأمین و تهیه خوراک و پوشاک خود نیز ناتوان بوده و تنها مِمَر زندگیشان شده ما به التفاوت هزینه های آب و برق از یارانه ها ست.
سؤالی که این باغداران دارند این است که چه کسی باید تاوان این ضرر و زیان را بدهد و اداره امور زندگی ایشان را چگونه باید تدبیر نمایند؟ نماینده باغداران این دو روستا معتقدند ،شرکت بهره برداری با یک تدبیر ساده و هزینه کم می توانست این نقیصه را جبران نموده و جلوی ضرر و وزیان هنگفت حاصله را با پمپاژ آب در زهکشها و برداشت آب در پایین دست ، بگیرد که این کار را انجام نداد.

۲۰ میلیون ریال پول گم شده در کنگان به صاحبش برگشت

یکی از اهالی کنگان پس از گذشت چند روز از گم‌شدن کیفش، ۲۰ میلیون ریال پول آن را پس گرفت. به گزارش خبرنگار مهر، چند روز پیش و در پی گم شدن ۲۰ میلیون ریال که متعلق به یکی از کارکنان فرمانداری شهرستان کنگان بود، یابنده پول، وجه پیدا شده را تمام و کمال به صاحب آن تحویل داد. ابراهیم طاهرزاده که این پول را پیدا کرده بود به خبرنگار مهر گفت: چند روز پیش برای انجام کاری به بانک ملی کنگان مراجعه کردم و زمانی که از خودرو پیاده شدم، متوجه مقدار زیادی پول شدم که در زیر و اطراف موتورسیکلت پارک شده جلوی بانک ریخته بود و مقداری از پولها نیز در جوی آب افتاده بود.
وی ادامه داد: سریعا پول‌ها را جمع کردم و وارد بانک شدم. بدون تامل به سراغ رئیس بانک رفتم و ماجرا را تعریف کردم که با دستور رئیس شعبه، یکی از کارکنان بانک، پول‌ها را شمارش کرد که حدود دو میلیون تومان بود.
این فرد که راننده کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان کنگان است، اضافه کرد: پس از صورت جلسه و امضا، رئیس بانک از من درخواست کرد که موضوع را همه جا مطرح نکنم زیرا امکان سوء استفاده بود.
طاهرزاده افزود: دیروز از بانک ملی تماسی مبنی بر پیدا شدن صاحب پول با من گرفته شد که بنده نیز سریعا خود را به بانک رساندم. مشخص شد که پول‌ها متعلق به یکی از کارکنان فرمانداری شهرستان کنگان است.
طاهرزاده در پاسخ به سئوال خبرنگار مهر که می‌توانستید پول‌ها را بردارید، چرا این کار را نکردید، اظهار داشت: بنده فردی مقید به احکام دین هستم و معتقدم که این پول متعلق به کسی است که برای آن زحمت کشیده و برداشتن آن پول کاری ناپسند و حرام است.
وی اضافه کرد: صاحب پول پس از پیدا شدن آن، قصد دادن مژدگانی به بنده را داشت ولی من نپذیرفتم زیرا این کار را بنا به وظیفه انسانی و نهایتا در راه کسب رضایت خداوند متعال انجام دادم.
صاحب پول نیز در این ارتباط به خبرنگار مهر گفت: من خیلی خوش‌شانس بودم که انسان شریفی مثل آقای طاهرزاده وجه گم شده من را پیدا کرد و ممکن بود اگر شخص دیگری این پول را پیدا می‌کرد، به هیچ عنوان آن را به بانک تحویل ندهد. مهدی رهبری‌فر عنوان کرد: پس از پیدا شدن پول، وقتی به آقای طاهرزاده گفتم: میخواهم به شما مژدگانی بدهم، وی در پاسخ گفت: وظیفه انسانی خود را انجام دادم. وی ادامه داد: در پایان می خواستم از طریق این رسانه خبری از آقای طاهرزاده و رئیس بانک ملی تشکر کنم و از خداوند برای آنها بهترین‌ها را آرزو دارم. رهبری فر ادامه داد: خداوند را شاکرم که هنوز انسان‌های این چنینی وجود دارند، انسان‌هایی که شرافت و انسانیت برای آنها از همه چیز بالاتر است.

آیت الله صفایی بوشهری: بسیاری از کارگران بوشهری از نحوه پرداخت حقوق خود ناراضی‌اند

نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر گفت: بسیاری از کارگران استان بوشهر از نحوه پرداخت حقوق خود ناراضی‌اند.
به گزارش خبرنگار مهر، آیت‌الله غلامعلی صفایی‌بوشهری در خطبه‌های نماز جمعه بوشهر همچنین به روز هوای پاک اشاره کرد و بیان داشت: گرد و غبارهایی که از کشورهای مجاور وارد کشور می‌شود چند سالی است که مناطق غربی و جنوب کشور را در بر گرفته است و هر از چندگاهی شاهد حضور گرد و غبار در این مناطق هستیم که باید چاره‌ای برای رفع این مشکل اندیشیده شود.



آیت الله صفایی بوشهری به مضرات ورود گرد و غبار اشاره کرد و اضافه کرد: اگر این مشکل، یک مشکل منطقه‌ای است که باید با تشکیل یک اتاق فکر راه‌حل آن پیدا شود و اگر یک مسئله ملی است نیز باید راهکارهای علمی حل آن انجام شود.
وی به ظرفیت‌های بالای استان بوشهر در اشتغال و کارآفرینی اشاره کرد و اظهار داشت: امیدواریم با تلاش و همفکری مسئولان شاهد ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتری برای جوانان استان باشیم.
خطیب جمعه بوشهر به نقش کارگران در رشد اقتصادی کشور اشاره کرد و افزود: مشکلات اقتصادی زیادی برای کارگران در استان به علت عدم پرداخت بموقع حقوق انها ایجاد شده است که امیدواریم این مشکلات به طور کامل حل شود.
وی خواستار پرداخت بموقع حقوق کارگران توسط کارفرمایان شد و ادامه داد: پرداخت بموقع حقوق کارگران باعث رونق کارها خواهد شد و علاوه بر پرداخت بموقع حقوق کارگران باید تسهیلات بیشتری شامل کارگران شود.

حسین‌آبادی شهردار برازجان :

٤٠ بلوار و میدان برازجان گل‌کاری و چمن‌کاری شد



شهردار برازجان گفت: طی سال گذشته ۴۰ بلوار و میدان در برازجان گل‌کاری و چمن‌کاری شد. کریم حسین‌آبادی در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار داشت: در سال گذشته بیش از ۴۰ نقطه از جمله میادین و بلوارهای شهر برازجان چمن‌کاری و گل‌کاری شد که در انجام آن از ۶۰ هزار نشای گل در فضاهای سبز شهری استفاده شد.
وی ادامه داد: کار گلکاری میادین کارگر، کوثر، نور، کشاورز، گلستان، معلم، کریم ، مجاهد و بلوارهای جنت، الفتح، کمربندی، جمهوری اسلامی ، فرهنگیان، مزارعی و همچنین مثلثی کلانتری ۱۲، سراشیبی فاز ۳آزادی، فضای سبز جنب دیوار سپاه، مثلثی‌های گنجی و بلوار دهقاید اجرا شد.
شهردار براجان اضافه کرد: چمن‌کاری نیز در فاز۲ پارک مادر، ابتدای بلوار معلم، فضای سبز حاشیه اداره برق، لکه‌گیری پارک بوستان، لچکی خیابان شهید مطهری، واکاری چمن خیام ۱و۲ و مثلثی گنجی، انجام شد.
وی افزود: در کاشت چمن پارک روبروی پمپ بنزین ، کاشت پارک چرخاب، میدان غضنفر سلطنه برازجانی، مثلثی‌های بلوار سعادت، بلوار امام خامنه ای (مدظله العالی) ، واکاری حاشیه امیرکبیر، فاز یک امام (ره) ، پارک گرمسیری و واکاری حسینیه اعظم به اتمام رسیده است.
حسین‌آبادی ضمن تقدیر از فعالیت پرسنل در سال گذشته و آرزوی توفیق در سال جدید ابراز داشت: افراد موفق همواره در راستای نیل به هدفی خاص در تلاش هستند و اگر برنامه تدوین شده‌ای در اختیار نداشته باشیم، با وجود فعالیت‌های مستمر انجام شده، در پایان ملاکی برای ارزیابی موفقیت خود نخواهیم داشت.

بیماری‌های قلبی مهمترین عامل مرگ و میر در کنگان

رئیس شبکه بهداشت و درمان شهرستان کنگان گفت: بیماری‌های قلبی عروق مهمترین عامل مرگ و میر در کنگان طی سال گذشته بود. زینب حسینی در گفتگو با خبرنگار مهر، با ترسیم سیمای مرگ در شهرستان‌های مختلف، سرطان‌ها، بیماری‌های قلبی و عروقی و بیماری‌های دوران تولد را از مهمترین عوامل مرگ و میر در سال ۹۰عنوان کرد.
وی در ادامه به بیان شاخصه مرگ و میر در شهرستان کنگان پرداخت و اظهار داشت: در سالی که گذشت، بیماری‌های قلبی و عروقی، عامل اصلی مرگ و میر در شهرستان کنگان بود.
رئیس شبکه بهداشت و درمان شهرستان کنگان اضافه کرد: از عوامل موثر در تشدید و شیوع این بیماری می‌توان به رژیم غذایی نامناسب، پرچرب و غیر استاندارد و عدم تحرک و ورزش اشاره کرد. وی راهکار مقابله با این بیماری را اطلاع رسانی و آموزش دهی به عموم مردم دانست و افزود: پس از نیازسنجی آموزشی در این باره، بیماری‌های قلب و عروق در اولویت آموزشی بهداشت و درمان کنگان قرار گرفت.
حسینی ادامه داد: متاسفانه در بسیاری از شهرستان‌ها از جمله کنگان، شیوه زندگی صحیح، سالم و مطابق با برنامه سلامت در میان خانوارها رعایت نمی‌شود که این موضوع نیازمند فرهنگ‌سازی و اجرای برنامه‌های آموزشی است که در اولویت‌های این شبکه قرار دارد.

منتقد

حقوقمان به ریال شده و خرجمان به دلار

عابدین عابدی زاده



این روزها در هر محفلی که می روم سخن ازحکایت نازیبای گرانی است، دوستی می گفت یاد آن روزها به خیر که نان را به راحتی و با قدم های محکم و استوار می خریدم و به سمت منزل می بردم، ولی اکنون تا چشمم به نانوایی می افتد قلبم تند تند میزند و قبل از آنکه تصمیم بگیرم در صف بایستم، جیب هایم را وارسی می کنم. بازم یادش به خیر، با ۱۰۰ تومن چند تا نون گرم می گرفتم و چند تا هم بشکن می زدم تا می رسیدم به خونه، ولی الان باید چند صد تومن باشه تا بتونم یه دونه نون داغ بگیرم. سبزی، میوه و گوشت و ما بقی کالاها که دیگر جای خود دارد، جزء کالاهای تجملاتی شده (بسنده می کنم به دیدن تصاویرشان)، کرایه تاکسی نیز داستان غریبی دارد، بازم این روزها کفش هایم را به مانند سم اسب نعل می کنم و پیاده وری را بر تاکسی ترجیح می دهم (دستور اکید پزشکه: پیاده روی و ورزش برای سلامتی خیلی عالیه) نیت من هم همین است، به دستور پزشک احترام میگذارم. بگذریم، خوش تراز این ایام، ایامی ندیدم، رقص قیمت ها و گرانی، زبانم لال فریاد می زند، رقص و جولان قیمت های سبد کالای خانواده که دیگر خیلی ناموزن شده!! خجالت هم نمی کشد. راستی تا یادم نرفته یواشکی جهت اطلاع آقا پسرهایی که قصد خیر دارند یه مطلب عرض کنم، فکر کنم به زودی مهریه خانم های محترم به جای سکه به سبد کالا خانواده تغییر کند، مثلاً به جای ۱۰۰۰ سکه مهریه، ۱۰۰۰ سبد کالای خانواده مهریه میذارند (با عرض پوزش از خانم های حساس و محترم).

متاسفانه این غول گرانی آنقدر بزرگ شده که حتی آدم هایی که خودشان از نظر مالی غول شده اند را نیز می بلعد، چه برسد به من نهیف. بگذریم، حقوقمان به ریال شده و خرجمان به دلار، نکته ی جالب موضوع این است که گرانی های اخیر و تورم بی سابقه ی موجود، توسط خود مسئولین



نیز بیان شده و به آن معترف بوده اند. حتی شخص احمدی نژاد نیز بر آن صحه گذاشته است. انتقاد اخیر معاون اول رئیس جمهور در خصوص گرانی بی دلیل برخی!! از کالاهای اساسی نیز بر تعجبم افزود و اینکه در اسفند ۹۰ اعلام کرد "تا چند روز دیگر گشایش بزرگ ارزی حاصل می‌شود که هم شما تعجب می‌کنید! و هم دیگران!" من که کماکان منتظر شنیدن صدای این بمب ناباوری هستم، تا الان که نزدیک به ۲ ماه از آن خبر گذشته صدایی نشنیدم، شاید هم صدا مافوق صوت بوده و از توان شنیدن گوش من خارج و یا شاید هم منظور دوستان همین گرانی سال جدید بوده و ما با سوءتفاهم متوجه منظور عزیزان شده ایم.

به هرحال قیمت ها نسبت به سال گذشته ... برابر و نسبت به دو سال گذشته بازم ...... برابر شده، نرخ ترم هم که بالاخره معلوم نیست چقدره، هر کس یه نرخی می دهد، البته دیگه داد همه درآمده، تلویزیون هم این روزها انتقاد و اعتراض اکثر مراجع عظام تقلید نسبت به دولتمردان درخصوص گرانی موجود را گزارش می دهد. اخیرا نیز حضرت آیت الله نوری همدانی از این وضعیت گلایه کرده و یادآور شده که توجه به معیشت مردم امری مهم، لازم و حیاتی است و مسئولان باید توجه ویژه به این نکته داشته باشند تا مردم بیش از این دچار مشکل نشوند. به سهم خود از این بزرگواران تشکر می کنم و همچنین به عنوان یک شهروند ایرانی از متولیان امر درخواست عاجزانه دارم که جلوی این آفت گرانی که جزء آفات زندگی اجتماعی است و در پی آن فقر می باشد گرفته شود چرا که با وجود انبوه نعمت های خدادادی، همه انسانها می بایست به طور طبیعی توان برآوردن حداقل نیازهای ابتدایی خود را داشته باشند.

خداوند درسوره فجر(آیه ۱۶) یکی از پیامدهای فقر و تهیدستی را تغییر در فضای فکری انسانها از مسیر درست معرفی می کند؛ زیرا فقر موجب بدگمانی به خداوند و نعوذبالله لب گشودن به اعتراض و گلایه نسبت به اوست.

از از این رو درهر جامعه ای اگر فقر وارد شود از همان راه کفر نیز داخل شده و ایمان را فراری می دهد؛ در چنین جامعه ای آدم فقیر قادر به برآورده نمودن ابتدایی ترین نیازهای خویش نمی باشد. بر این اساس گفته شده است: کاد الفقر ان یکون کفرا؛ نزدیک است که فقر به کفر منجر شود. در پایان امیدوارم با شعار زیبای مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۱ «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» بتوانیم ایرانی آباد و پیشرفته با مجاهدت اقتصادی و حضور جهاد گونه دولت در کنار ملت در تمامی عرصه‌ها داشته باشیم. والسلام

/http://abedinabedizadeh.blogfa.com

روندها و رویکردهای آینده علم

اهمیت اساسی تخیل

نویسنده: دینا اسکولنیک ویزبرگ
ترجمه دکتر رضا آذین – عضو هیئت علمی دانشگاه خلیج فارس بوشهر



یک واقعیت خارق العاده در خصوص توانایی‌های شناختی ما این است که ما به جهان واقعیت متصل نیستیم. ما می‌توانیم (از طریق حافظه خود یا از گذر تاریخ جهان) به عقب در گذشته، به جلو در آینده و به بیرون در حوزه تخیل سیر کنیم و احتمالاتی را تصور کنیم که می‌دانیم واقعیت ندارند و شاید هیچگاه به واقعیت تبدیل نشوند. حتی کودکان خیلی کوچک هم می‌توانند این پرش فراتر از واقعیت به سوی تخیل را انجام دهند. ابتدایی ترین مثال‌ها از این قابلیت، بازی‌های "بیا وانمود کنیم" آنها است. یک بچه می‌تواند میهمانی چای تدارک ببیند که چای در آن وجود ندارد، یا مدادی را روی نیمکت بکشد و صدای ماشین بدهد، در حالی که کاملا می‌داند مداد، ماشین نیست. در حقیقت، پژوهشگران دریافته‌اند که کودکان دوساله، وانمودگران تازه کاری هستند که می‌دانند ریختن خیالی آب روی خرس پارچه ای، آن را خیس می‌کند، حتی اگر آبی در کار نباشد و خرس هم خیس نشده باشد.

به تدریج که بچه‌ها بزرگتر می‌شوند، درک عمیق تری از تفاوت‌های بین واقعیت و خیال پیدا می‌کنند و به صورت بالیده ای شروع به برقراری ارتباط با بازی‌های تخیلی و داستانهایی می‌کنند که آفریده ذهن خودشان نیست. بچه‌ها حداقل در سن چهارسالگی و معمولا زودتر به فهم مناسبی از تفاوت‌های میان دنیای واقعی و تخیل رسیده‌اند. آنها می‌دانند که موجوداتی مثل سحر و جادو وجود خارجی ندارد و می‌دانند که تصویر آشپزی خرس در آشپزخانه، تجسم یک رویداد واقعی نیست. همچنین، آنها ماهیت تفاوت میان واقعیت و تخیل را درک می‌کنند و می‌دانند که یک شیرینی واقعی را می‌شود خورد، ولی یک شیرینی خیالی قابل خوردن نیست.

بچه‌ها اگر فقط دو دسته اشیاء را بشناسند، کماکان قادر به درک همه آن چیزها خواهند بود: چیزهایی که واقعی‌اند و چیزهایی که ساختگی‌اند. اگر چنین باشد، به درستی درک می‌کنند که همه اشیا و مردم واقعی به دنیای واقعی تعلق دارند، اما همچنین باور دارند که همه اشیا و مردم ساختگی به دنیای ساختگی یکسان تعلق دارند.

این چیزی نیست که بزرگترها باور دارند. بزرگترها برای داستانهای مختلف، دنیاهای خیالی مجزایی خلق می‌کنند و معمولا انتظار تعامل میان شخصیت‌های داستان‌های مختلف ندارند. داستانهای متقاطع مثل ماجراهای شِرک یا ماجراهای جدید بتمن– سوپرمن دقیقا به دلیل غیر قابل پیش بینی بودن برای ما جالب و قابل درک است. این داستانها به طور ضمنی ناقض جدایی داستانهای مختلف از یکدیگر می‌باشند. در شرایط عادی، شخصیت داستانها در دنیای خیالی خود می‌مانند.

من مجموعه ای از پژوهشها را طراحی کردم تا دریابم آیا کودکان مانند بزرگترها تقسیم بندی میان این دنیاهای مجازی را درک می‌کنند یا فقط میان واقعیت و تخیل تمایز قائلند. من راجع به شخصیت‌های کارتونی آشنا برای بچه‌ها مثل بتمن و اسپونج بوب با شلوار مربعی، سه گونه پرسش از بچه‌ها پرسیدم. ابتدا از آنها پرسیدم آیا می‌دانند که این شخصیت‌ها واقعا خیالی اند؟ ("درباره بتمن چه فکر می کنی؟ آیا واقعی است یا ساختگی؟"). دوم، از آنها پرسیدم آیا می‌دانند که شخصیت‌های خیالی یک داستان، نسبت به هم واقعی اند؟ ("بتمن راجع به روبین چه فکر می‌کند؟ آیا بتمن فکر می‌کند که روبین، واقعیت دارد یا یک شخصیت ساختگی به حساب می‌آید؟") در پایان، برای بررسی این که بچه‌ها داستانها را در دنیاهای مجزا سازماندهی می‌کنند یا خیر، از آنها پرسیدم آیا شخصیت‌های داستانهای مختلف با یکدیگر تماس دارند؟ ("بتمن در باره اسپونج بوب چگونه می‌اندیشد؟ آیا بتمن فکر می‌کند اسپونج بوب حقیقت دارد یا ساختگی است؟")

پاسخ بچه‌ها به هر سه مجموعه سوال، تفاوتی با پاسخ افراد بزرگسال به این پرسشها نداشت. بچه‌ها مثل افراد بزرگتر باور داشتند که بتمن، شخصیتی خیالی است، بتمن و روبین نسبت به هم واقعی‌اند، و بتمن و اسپونج بوب نسبت به هم خیالی‌اند. نکته قابل توجه در خصوص پاسخ‌ها این بود که بچه‌ها (و همچنین بزرگترها) احتمالا هیچگاه به طور صریح درباره روابط میان شخصیت‌های مختلف فکر نمی‌کنند، ولی وقتی ازبچه‌ها خواستم که این روابط را دسته بندی کنند، آنها مشکلی در انجام این کار نداشتند. بچه‌ها و بزرگترها بر داستانهایی که می شناسند، ساختار سازمانی یکسانی اعمال می‌کنند.

این نتیجه مرا شگفت زده کرد که آیا بچه‌ها دنیای بازی‌های خیالی خود را به طور مشابهی جدا می‌سازند. بازی‌های خیالی و داستانها در این نکته مشابهت دارند که هر دو خارج از فضای واقعیت انجام می‌گیرند و هر دو دارای شخصیت‌ها و مجموعه ای از اعمال متوالی می‌باشند. اما از این جهت که بچه‌ها تجربه و کنترل بیشتری بر بازی‌های خیالی دارند، این بازی‌ها با داستانها تفاوت دارند. از بین شباهت‌ها و تفاوت‌ها، کدام یک تعیین کننده جدایی دنیای بازی‌های خیالی بچه‌ها است؟

من و یک دستیار پژوهشی دو بازی برای پاسخ به این پرسش طراحی کردیم که شرایطی مشابه با دو داستانی فراهم می‌کرد که در پژوهش قبل از بچه‌ها پرسیده بودم. ما یکسری آجرهای رنگی به عنوان اشیای خیالی در بازی‌ها به کار بردیم. به عنوان مثال، اولین بازی درباره یک خرس عروسکی بود که نیاز به حمام داشت. بچه باید وانمود می‌کرد که خرس را با یک آجر در نقش قالب صابون شستشو می‌دهد. دومین بازی درباره عروسکی بود که نیاز به خواب داشت و بچه باید آجر دیگری را به عنوان بالش زیر سر عروسک قرار دهد.

پرسش اساسی این بود که آیا بچه‌ها به بازی‌های ساختگی خود مثل داستان‌ها در دنیاهای جدا از هم می‌اندیشند یا بازی‌ها را متقاطع می‌بینند. در این مورد، من خواستم تمایل بچه‌ها به برداشتن یک شیء از یک بازی و بردن آن به بازی دیگر را محک بزنم. بنابراین، وانمود کردم که خرس به حمام رفته و اکنون می‌خواهد بخوابد. من گفتم که خرس به یک بالش نیاز دارد که بخوابد و از کودک خواستم که بالشی به خرس بدهد. کودک در پاسخ به این پرسش می‌توانست دو گونه پاسخ بدهد: بالش را از بازی عروسک بگیرد یا آجر دیگری به عنوان بالش خرس بردارد. گزینه اول بدین معنی بود که جدایی میان دو بازی ساختگی وجود ندارد و شیء می‌تواند بدون مشکل از یک بازی به بازی دیگر جا به جا شود. گزینه دوم، بی میلی کودک را به جا به جا کردن یک شیء خاص از یک بازی به بازی دیگر نشان می‌دهد و به معنای جدایی دو بازی است. بیشتر بچه‌ها در این مطالعه ترجیح دادند که به جای انتقال اشیا بین دو بازی، آجر جدیدی بردارند و به این طریق نشان دادند که دو بازی را می‌توان به ترتیب یا به موازات هم انجام داد.

بنابراین به نظر می‌رسد که کودکان، بازی‌های ساختگی را به شیوه‌ای انجام می‌دهند که داستانها را می‌شنوند. این دو سناریوی ساختگی، ساختار سازمانی یکسانی را به اشتراک می‌گذارند. وجود یک ساختار مشترک بدین معنی است که اندیشیدن درباره داستانها و بازی‌های ساختگی بر پایه یک مکانیسم شناختی یکسان استوار است که من، آن را مکانیسم "چه می‌شود اگر" (WIM) What-If Mechanism-WIM) می‌نامم.

دینا اسکولنیک ویزبرگ (Deena Skolnick Weisberg) دانشجوی دکتری بخش روان شناسی دانشگاه ییل است و در پایان نامه خود، روی موضوع روان شناسی رشد کار می‌کند. او مدرک کارشناسی خود را در علوم شناختی از دانشگاه استنفورد در سال ۲۰۰۳ و مدرک کارشناسی ارشد را از دانشگاه ییل دریافت نمود. پژوهش اسکولینگ اصولا بر مهارت‌های شناختی متمرکز است که زیربنای خلق و بازنمایی متون غیر واقعی به ویژه داستان‌ها، بازی‌های تخیلی و موقعیت‌های غیر واقعی و نحوه بالندگی این مهارت‌ها در زمان رشد کودک می‌باشد. همچنین، او پژوهشی روی نحوه یادگیری صفات توسط کودکان و راههای تعبیر سوء یافته‌های علمی توسط بزرگسالان، به ویژه راههای مربوط به علوم اعصاب انجام داده است. کارهای وی در تعدادی از مجلات پژوهشی از جمله شناخت Cognition ، مجله علوم اعصاب شناختی The Journal of Cognitive Neuroscience و علوم Science به چاپ رسیده است.

این مکانیسم همانطور که از اسم آن پیداست، یک ابزار شناختی است که با اجازه طرح پرسش "چه می‌شود اگر...؟" به ما کمک می‌کند تا به کشف احتمالاتی بپردازیم که فعلا وجود خارجی ندارد. ما این کار را با تعریف سناریوها و اجرای کامل آنها در تخیلاتمان، و همچنین به کمک نویسندگان و فیلمسازان و دنبال کردن اکتشافات و احتمالات مطرح شده توسط آنها انجام



می‌دهیم. چه می‌شود اگر من نامرئی شوم؟ چه می‌شود اگر حلقه ای از قدرت وجود داشته باشد و چه می‌شود اگر آن حلقه در دستان یک شخصیت کوتوله هابیت)نام یک شخصیت خیالی کوتوله است که توسط رمان نویس معروف به نام تولکین خلق شده است(قرار گیرد؟ چه می‌شود اگر یک خانم جوان مغرور به نام اسکارلت اوهارا زمان جنگ شهری در جنوب امریکا زندگی می‌کرد؟ در این موارد و در بسیاری از موارد دیگر، همه آنچه ما باید برای انتقال خود به بیرون از واقعیت محسوس فعلی انجام دهیم این است که پرسش جالب مکانیسم WIM یعنی "چه می‌شود اگر...؟" را از خود بپرسیم.

من بر این باورم که تمام حملات مابه بیرون از دنیای واقعی با اتکا به این مکانیسم انجام می‌گیرد. وقتی که به داستانها گوش می‌دهیم و زمانی که بازی‌های ساختگی انجام می‌دهیم، در افکار و خیالات روزانه، در تصور آینده، یا زمانی که راجع به اتفاقاتی می اندیشیم که می‌توانست در گذشته اتفاق بیافتد، ما نیازمند خلق بازنمایی فضای بیرون از دنیای واقعیت هستیم. علاوه بر این، ما می‌دانیم که در این شرایط، بیرون از عالم واقعیت حرکت می‌کنیم و می‌توانیم گزارش دهیم که این تمثیل‌ها واقعیت ندارند. در واقعیت، یک مداد در دست کودک است، ولی این مداد در بازی ساختگی نقش ماشین عمل می‌کند. در واقعیت، فردی به نام بروس وین وجود ندارد، اما بروس وین در داستان وجود دارد و در زندگی مخفی خود، در نقش یک ابر قهرمان مبارزه گر با جنایت عمل می‌کند. وقتی درباره یک گذشته محتمل متفاوت (استدلال خلاف واقع) می اندیشیم یا وقتی آینده را طراحی می‌کنیم (استدلال فرضی)، دقیقا درگیر همین نوع استدلال هستیم. رویدادها در واقعیت به یک شیوه آشکار می‌شوند، ولی من در تخیل خودم به این می اندیشم که چه می‌شد اگر رویدادها به شکل دیگری رخ می‌داد. من در واقعیت می‌توانم فقط زمان حال را ببینم، ولی در تخیل می‌توانم سناریوهای ممکن از آینده را ترسیم کنم تا به من کمک کند اتفاقات آینده را پیش بینی کنم و بهترین عملکرد را انتخاب نمایم. من همه این بازنمایی‌ها را دنیای ساختگی می‌نامم تا دو ویژگی معین آنها را آشکار سازم: آنها واقعیت ندارند و ما می‌دانیم که آنها واقعی نیستند.

هدف اصلی پژوهش من، کشف ماهیت "چه می‌شود اگر...؟" و شیوه خلق و درک جهان‌های ساختگی به کمک این مکانیسم است. در دو مطالعه ای که من انجام دادم، دست کم یکی از آثار این مکانیسم روشن شد: جهان‌های ساختگی چندگانه، جدا از هم نگهداری می‌شوند. آن مطالعات توانست این ساختار چند جهانی را هم برای داستانها و هم برای بازی‌های ساختگی تشخیص داد و من امیدوارم که مطالعات آتی من بتواند این ساختار را برای سناریوهای خلاف واقع و فرضی هم تشخیص بدهد.

وظیفه دیگر مکانیسم WIM در کنار جداسازی جهان‌های خیالی از یکدیگر، پیمودن مرز میان واقعیت و تخیل است. این مرز در پاره ای از موارد، صلب و ثابت است. شخصیت‌هایی مثل بتمن، شخصیت‌های خیالی‌اند و نباید به واقعیت مهاجرت نمایند. آجری که یک نفر وانمود می‌کند کیک است، نباید با کیک واقعی اشتباه گرفته شود. اما این مرز در موارد دیگر روان‌تر است. یکی این که ما زمان ورود به جهان خیالی، جنبه‌های زیادی از دنیای واقعیت را با خود می‌بریم. بتمن می‌توانست در نقش یک مبارزه ابرقهرمان مبارزه‌گر با جرم عمل نماید یا سفر در زمان امکان پذیر می نمود، اما دو به علاوه دو همچنان برابر با چهار است. آب هنوز موقع منجمد شدن به یخ تبدیل می‌شود و هنوز هم غیر ممکن است که یک شیء همزمان به رنگ آبی باشد و به رنگ آبی نباشد. قوانین ریاضیات، علوم و منطق، حتی در دنیای تخیل که به ظاهر اساسا متفاوت نیز کماکان برقرار است. از این رو، مکانیسم WIM باید قادر به طرح یک مجموعه مناسب از واقعیات و قواعد دنیای حقیقی به درون جهان تخیلی باشد.

علاوه بر این، وقتی ما از دنیای تخیل بیرون می آییم و به دنیای واقعی باز می گردیم، جنبه‌های زیادی از جهان تخیل را به همراه خود داریم. این ادعا می‌تواند تا حدودی عجیب به نظر برسد، اما در نظر داشته باشید که ما با خواندن کتاب‌ها و مشاهده برنامه‌های تلویزیونی، چیزهای خیلی زیادی از واقعیت می‌آموزیم که مهم ترین آنها، چیزهایی هستند که ما هرگز به شیوه دیگر نمی‌آموختیم. وقتی اتللو را می‌خوانیم یا می‌بینیم، تاثیر مخرب مخرب حسادت را می‌آموزیم. وقتی یک قسمت از سریال بازرسی صحنه جرم (CSI)را می‌بینیم، درمی‌یابیم که جمع آوری و تجزیه و تحلیل شواهد DNA چیست، حتی اگر هرگز این تکنیک‌ها را در دنیای واقعی ندیده یا به کار نبرده باشیم. و اگر کسی به شما گفت که می‌خواهد با خواندن یک رمان تولستوی، شکل زندگی روسیه قرن نوزدهم را بشناسد، مژگان خود را از تعجب باز و بسته نمی‌کنید. آموختن واقعیت از روی تخیل همیشه اتفاق می‌افتد، چه وقتی که می‌خواهیم حقایق احساسی را درک کنیم یا احساسی از یک کشور یا یک منطقه پیدا کنیم یا مقداری اطلاعات کاربردی به دست آوریم.

این دقیقا خاصیت شناخت جهان ساختگی است که آن را برای ما مفید می‌سازد و به ویژه برای کودکان در حال رشد مفید است. واقعیت‌های بسیار زیادی هست که نمی‌توانیم آنها را به طور مستقیم آزمایش کنیم، مخصوصا اگر کودک باشیم. اما به کمک قوه تخیل قادر به آموختن چیزهایی هستیم که واقعا تجربه نکرده‌ایم. در حقیقت، برخی پژوهشگران فکر می‌کنند همه تخیل در این است که به کودکان فرصت بازی کردن سایر نقش‌های اجتماعی یا کشف وجوه دیگر شخصیتی خود را در یک فضای امن و مجزا بدهیم. شاید کودکان از یک بازی ساختگی نتوانند به خوبی زمان خواندن یک داستان به یادگیری واقعیت‌های عملی بپردازند، اما احتمالا واقعیت‌های اجتماعی و احساسی مثل نحوه تعامل در سناریوهای خاص یا نحوه احساس درباره انجام کارهای خاص بدون تجربه آن سناریو در واقعیت را می آموزند.

ما همه روزه با مسایلی مواجه می‌شویم که باید آنها را حل کنیم و از مکانیسم WIM برای کمک به خودمان استفاده کنیم. شاید ماشین روشن نمی‌شود و ما نیاز داریم به علت یابی بپردازیم. ما می‌توانیم سناریوهای ساختگی را اجرا کنیم: چه می‌شود اگر باتری از کار افتاده باشد؟ چه می‌شود اگر انتقال نیروی موتور به چرخ‌ها قطع شده باشد؟ ما با طرح هر احتمال، از مکانیسم WIM برای ساختن یک سناریو کمک بگیریم تا ببینیم در صورت درستی آن احتمال، چه کار باید کرد. آنگاه می‌توانیم به دنیای واقعیت برگردیم و آن احتمالات را به کمک اطلاعات به دست آمده از سناریوهای تخیلی خود مورد آزمون قرار دهیم. اگر باتری از کار افتاده باشد، من می‌توانم ماشین را با حرکت دادن و پرش در دنده یک روشن کنم، اما اگر انتقال نیروی موتور به چرخ‌ها قطع شده باشد، این کار جواب نمی‌دهد. حتی این محاسبات ساده نیازمند تخیل‌اند و مستلزم به کار گیری مکانیسم WIM و رفتن به فضای بیرون از واقعیت است. دنیای واقعیت کمک نمی‌کند. همه اطلاعاتی که من دارم این است که ماشین روشن نمی‌شود. من با انجام گستره ای از اقدامات عملی همراه با جزییات در دنیای واقعیت می‌توانم برای روشن کردن ماشین تلاش کنم، اما این راه عملی برای جمع آوری اطلاعات نیست: من با دور شدن موقتی از واقعیت و خلق یک سناریوی تخیلی از مشکل موجود، فرصت استفاده بهینه از زمان و منابع خود برای حل مساله پیش رو خواهم داشت.

این کارکرد مکانیسم WIM برای کودکان ضرورت بیشتری دارد، زیرا آنها با معماهای بسیار بیشتری در جهان واقعیت مواجه‌اند. برای آنها امکان پذیر نیست که هر اقدام ممکن را در هر مکان انجام دهند. آنها مثل بزرگترها باید از دنیای واقعیت خارج شوند و فکر کنند اگر یک کار خاص را انجام دهند چه اتفاقی می‌توانست بیافتد. اگر نتیجه مطلوب باشد، آنها پیش رفته و آن اقدام را امتحان می‌کنند. در غیر اینصورت، می‌توانند به اقدام دیگر فکر کنند و دقت خود را روی چیزی که جواب نمی‌دهد تلف نکنند.

به طور اساسی، مکانیسم WIM موتوری برای یادگیری است. کارکرد نخستین آن، بردن ما به فضای بیرون از واقعیت است، لیکن این ماجراجویی‌های تخیلی پنجره جدیدی رو به واقعیت برای ما فراهم می‌کند. شاید انجام یک بازی ساختگی یا گوش دادن به یک داستان، سرگرم کننده باشد، اما مکانیسم WIM در پس زمینه این اعمال به کار خود روی جمع آوری اطلاعات مفید از این جهان‌های ساختگی برای دنیای واقعیت ادامه می‌دهد و دانش عملی، احساسی و اجتماعی ما را گسترش می‌دهد. رمز کار در این است که مطمئن شویم مکانیسم WIM اطلاعات صحیح را از تخیل استخراج می‌کند. این یک پرسش اصلی برای پژوهش من در آینده است: چگونه می‌دانیم چه چیز برای برداشتن از تخیل و بردن به واقعیت مناسب است؟ آیا این چیزی است که ما به طور خودکار می‌دانیم و به طور خودکار راهی برای نحوه ساخت دنیاهای ساختگی می شناسیم؟ یا چیزی است که نیاز به تجربه و آموختن دارد؟

به گمان من، چیزی بینابین این حالت‌ها است. کودکان احتمالا به طور ضمنی می‌دانند که از سناریوهای ساختگی می‌توان اطلاعات مفیدی برای جهان واقعی به دست آورد. این، چیزی است که به آنها کمک می‌کند تا بر اساس قابلیت‌های خود، اقدامات مولدی برای طراحی آینده در جهان انجام دهند و آنها از این راه به مسایل دنیای واقعی خود در بازی‌های ساختگی می‌پردازند. اما میان آنچه کودکان و افراد بزرگتر از دنیای ساختگی می‌گیرند، تفاوت‌های اندکی وجود دارد. هری پاتر واقعی نیست و ما نباید آن شخصیت را از افسانه به دنیای واقعی بیاوریم. حتی کودکان این موضوع را به خوبی می‌دانند. اما خانه او در انگلستان به نشانی شماره ۴ خیابان پریوت درایو چطور؟ آیا این خیابان می‌توانست در واقعیت وجود داشته باشد؟ استاد او پروفسور دامبلدور چطور؟ او در واقعیت وجود ندارد، اما آیا ممکن است کسی شبیه به او وجود خارجی داشته باشد؟ شاید، اما چه شباهت‌هایی به او دارد؟ یک شخص واقعی قدرت‌های جادویی دامبلدور را نخواهد داشت، اما کدام یک از ویژگی‌های فیزیکی یا روانی وی می‌تواند واقعی باشد؟

افراد بزرگسال از بینش زیرکانه‌ای برای پاسخ به این پرسشها برخوردارند که احتمالا کودکان فاقد آن هستند. احتمالا بصیرت کودکان در انتقال از دنیای تخیل به واقعیت، افراطی تر از افراد بزرگتر است، به این معنی که بخش‌های بسیار زیادتر یا بسیار کمتری از تخیل را به دنیای واقعی می‌برند. بچه‌ها در مقایسه با بزرگترها ممکن است مرز بین تخیل و واقعیت را سیال‌تر ببینند. آنها ممکن است تقریبا هر چیزی را از دنیای تخیلی به دنیای واقعی بکشانند و از این رو، وجود موجودات عجیب را باور دارند یا اعمال قاعده‌های عجیب را باور دارند که در دنیای واقعی وجود ندارند یا اعمال نمی‌شوند. به طور وارون، آنها نسبت به بزرگترها تخیل را از واقعیت جدا می بینند و نمی‌دانند که آنچه راجع به تعاملات میان انسانها یا پدیده‌های فیزیکی حتی در داستانها شرح داده می‌شود، می‌تواند خیلی آسان رنگ واقعیت به خود بگیرد.

من امیدوارم که توانسته باشم نوری به این موضوعات بتابانم. اما آنچه تا کنون شفاف است این که اهمیت مکانیسم WIM برای بچه‌ها چقدر زیاد است. این مهارت تخیلی ابتدایی که ما را موقتی به خارج از واقعیت پرتاب می‌کند تا روی احتمالات مختلف کار کنیم، یکی از ابزارهای اساسی است که به کمک آن، کودکان جهان را حس می‌کنند.

یک شیوه پنج مرحله ای برای کنترل عصبانیت

محمود حیدریه
ترجمه اختصاصی نسیم جنوب



اگر مسئله ای پیش آید که باعث عصبانیت شما شود این شیوه می تواند به شما کمک کند تا عکس العمل خود را کنترل کنید .

به این شیوه مسئله درمانی می گویند چون شما برای حل این مشکل با خود مسئله ای که باعث عصبانیت شما شده است، آغاز کنید. سپس با ارزیابی گزینه هایتان وتصمیم گیری نهایی ارائه می دهید .

در هر مرحله نیاز است که چند سوال از خود بپرسید، سپس بر اساس شرایط خاص خود به سوالات پاسخ دهید .

به این مثال توجه کنید : قرار است به یک مهمانی بروید ولی مادرتان به شما می گوید باید اتاق تان را تمیز کنید یا در منزل بمانید، عصبانیت آتشین شما شکل می گیرد .

در این قسمت آن کارهایی را که باید انجام دهید آورده شده است:

۱-اصل مشکل و مسئله را بیابید (خود آگاهی) اینکه چه چیزی باعث عصبانیت شما شده و چرا ؟ را بیابید. آنچه را که شما باعث ناراحتیتان می شود بیان کنید، در نتیجه شما می توانید به جای عکس العمل این مسئله، کار مناسبی را انجام دهید.

ازخود بپرسید: چه چیزی شما را عصبانی کرده است؟ چه احساسی در من به وجود آمده است و چرا؟ می توانید این کار را در ذهن خود انجام دهید یا بلند بگویید اما باید روشن و شفاف بگویید. به عنوان مثال: من واقعا از مادرم عصبانی هستم چون تا زمانی که من اتاق را تمیز نکنم به من اجازه نمی دهد به مهمانی بروم و این منصفانه نیست.

احساس شما عصبانیت است و شما چون به مهمانی نمی روید عصبانی هستید.

دقت داشته باشید که این جمله با جمله زیر فرق دارد: "مادرم نسبت به من منصف نیست"، این جمله مشکل و مسئله ی اصلی را مشخص نمی کند، مسئله ای که باعث عصبانیت شما شده است اینست که تا زمانی که اتاق را تمیز نکنید نمی توانید مهمانی بروید .

۲- درباره ی راه حل های احساسی قبل از پاسخ دادن فکر کنید (خود کنترلی).

در این مرحله شما به خود یک دقیقه فرصت می دهید تا عصبانیتتان را کنترل کنید، همچنین در این مرحله به عکس العمل خود نیز فکر می کنید، اما عکس العملی انجام نمی دهید.

از خود بپرسید چه کار می توانم کنم؟ حداقل درباره ی راه حل ها فکر کنید به عنوان مثال در این حالت ممکن است این رفتارها از شما سر بزند.

الف) شاید بر سر مادر خود داد بزنم و مشت بر هوا پرتاب کنم.

ب) شاید اتاقم را تمیز کنم سپس اجازه مهمانی رفتن را بخواهم .

ج) شاید به هر حال مخفیانه و دزدکی به مهمانی بروم.

مرحله ۳ – درباره نتایج هر کدام از این راه حل ها فکر کنید (مرحله اندیشیدن).

در این مرحله به شما درباره ی آنچه که احتمالا نتیجه هرکدام از این عکس العمل های مختلف است فکر کنید. از خود بپرسید هرکدام از این گزینه ها چه نتیجه ای در بر دارد؟

به عنوان مثال : داد زدن بر سر مادر ممکن است شما را در مشکل بزرگ تری قرار دهد یا حتی بدتر شود.

تمیز کردن اتاق زمان می برد و ممکن است دیر به مهمانی برسد که باعث می شود سر زبانها بیفتد. با این حال شما به مهمانی می روید و اتاق نیز تمیز است، پس برای مدت کوتاهی نیاز نیست نگران مسئله باشید.

گزینه سوم دزدکی و بدون اجازه به مهمانی رفتن، شاید یک گزینه واقعی باشد که در حین عصبانیت تصمیم می گیرید . اما وقتی درباره ی عواقب آن می اندیشید احتمال وقوع آن خیلی ضعیف است که چند ساعت بدون اینکه کسی متوجه شود، بیرون بروید. وقتی شما را بیابند خود به ماجرا دقت کنید .

۴- تصمیم گیری کنید (یکی از گزینه ها را انتخاب کنید).

در این مرحله شما با انتخاب یکی از گزینه هایی که امکان انجام بهتر آن هست ارائه می دهید . به فهرست نگاه کنید و آن گزینه را که موثرترین است انتخاب کنید.

ازخود بپرسید : بهترین گزینه چیست؟ تا این مرحله که فکر کرده اید احتمالا از داد زدن بر سر مادر منصرف شده اید (که پاسخ نامناسبی است) احتمالا فکر کرده اید که مخفیانه مهمانی رفتن هم ریسک خیلی بالایی است .

هیچ کدام از این دو گزینه شما را به مهمانی نمی رساند.

پس گزینه اول بهترین گزینه به نظر می رسد. وقتی شما راه حل خود را انتخاب می کنید نوبت به عمل کردن است .

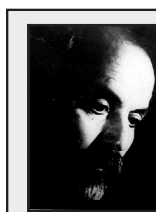
مرحله۵ : پیشرفت خود را بررسی کنید پس از اینکه وقت عمل کردن رسید، شما نیز عمل کردید به موفقیت خواهید رسید. درباره ی اینکه چگونه این مراحل را طی کردید بررسی کنید، از خود بپرسید: چطور اینکار را انجام دادم؟ آیا همان طور که انتظار داشتم کارهایش پیش رفت ؟ اگر خیر چرا؟

آیا از این انتخاب راضی هستم؟ انعکاس انجام با موفقیت کارها پس از اتمام آن گام خیلی مهمی است. این کارها به شما کمک می کند که درباره خودتان چیزهایی یاد بگیرید و به شما این امکان را می دهد که بدانید کدام شیوه مسئله درمانی در شرایط متفاوت بهتر عمل می کند.

اگر راه حل هایی که یافته اید خوب جواب دهد، مورد تحسین است اگر این طور نشود این ۵ مرحله را دوباره انجام دهید و ببینید که می توانید بفهمید که چرا اینگونه نشد؟

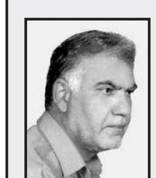
وقتی شما آرام و خونسرد هستید این ۵ مرحله خیلی ساده به نظر می رسند، اما وقتی عصبانی هستید هنگام عمل به این مراحل بسیار سخت ترمی نماید. مثل تمرین بسکتبال که گل زدن خیلی آسانتر از گل زدن در بازی واقعی است چون استرس با آن است، پس تمرین مکرر موثر خواهد بود.

محسن
دلواری زاده



از فرط خستگی سر به شانه دیوار نهاده ام
از تاب لا بدی سایه ام به زیر آوار نهاده ام
دوستان پریشان من اگر که بیکار مانده اند
عمریست که هم خود و هم دیگران سر کار نهاده ام
من جور غریبی احساس بی خودی می کنم
با آرزویم بارها وعده دیدار نهاده ام
حالا شک می کنم به لحظه های شادی زندگی
بارها سر به سر تیزی خار نهاده ام
دنبال تشنگی بارها به زیارت سراب رفته ام
در برابر چشم عطش تصویر آبشار نهاده ام
سر بلند می کنم از شانه دیوار و لب باز می کنم
آیا این منم که دل در گرو فصل بهار نهاده ام

شهــــر



سید محمد
هاشمی زاده

من و این کوچه های تـــار در شهر
سکوت و وحشت بسیــــار در شهر
به جز چشم من و چشمــان مهتاب
نمانده دیده ی بـــیدار در شهر
پرستوهای پاک روســـــتایی
نمانده فرصت دیــدار در شهر
تو عصیان پـــــر از امواج دریا
و من در وسعــتی آوار در شـــــهر
تو آن گیسو پــریشانی که از ایل
کشاندی فتــنه ی تا تار در شهر
برای بـــال پــــرواز من و تو
شکفته جــنگلی از دار در شهر
دعا کن تا کــه بعد از این نـــروید
به حسرت این همه دیــوار در شهر

به خاطر تو

محمد محمد زاده - جم

گفتم که به خاطر تو
از شیب این جاده
و از شاخه این باد عبور خواهم کرد
عبور خواهم کرد
از صدای خشک این تفنگ
و بارانی
که رخصت ایستادن
به او نمی دهند
از صدا
از حنجره نیز عبور می کنم
مثل همه آن روزها
که دیدی
عبور کردم
و در میان رقص باران
و دیوانگی
این ابر و باد پنهان شدم.

صبح دیدار

سید داود مقدسی

صبح دیدار همه فهمیدند
که نفس از نفسم
در پی دیدن تو باز افتاد
وای بر من که باز
پرده از خانه ی رازم افتاد

مصاحبه با اسماء رستمی شاعر جوان دوشنبه های ادبی نسیم جنوب:

سرپوش نگذاریم بر ندای انسان درونی امان

به مناسبت انتشار مجموعه شعر «جنون لطیف»

- لطفا خودتان را معرفی کنید؟
- اسما رستمی هستم در تابستان ۱۳۶۵ در بوشهر متولد شدم تحصیلات خود را تا پایان دوره متوسطه در بوشهر گذراندم و در سال ۸۴ وارد دانشگاه شدم و در مقطع کارشناسی حقوق تحصیلات خود را به پایان رساندم.
- از چند سالگی به شعر علاقمند شدید و چه شد که به سوی شاعری کشیده شدید؟
- حقیقتش اینست که برای پاسخ به این سوال نمی توانم سن وسال مشخصی را پیدا کنم چرا که من در خانواده ای متولد شدم که شعر جزئی جدا ناپذیر از زندگی روزمره اش بوده است. من با شعر بزرگ شدم و به هر نقطه ای از گذشته و حال که نگاه می کنم زندگی ام خالی از شعر نبوده است.
- در شعر خود به دنبال چه هستید؟
- من در شعر خود چیزی را جستجو نمی کنم، شعر حقیقتی زلال است که در من جریان دارد و من در آن تصویر لرزان خود را می بینم. شعر شبیه یک معجزه است.
- به نظر شما برای آنکه بتوان شاعر خوبی بود باید چگونه بود؟
- من خود هرگز نگاه تک بعدی به مسائل پیرامونم ندارم، به نظر من انسان با تمام ساختار و ویژگی های جسمی و روحی اش در اولویت قرار دارد و برای آنکه بتوان شاعر خوبی بود در ابتدا باید انسان شناس خوبی بود و برای این امر در ابتدا باید به شناخت و درک صحیحی از خودمان برسیم. باید خود را خوب بشناسیم و به ندای انسان درونی امان گوش کنیم و هرگز بر آن سر پوش نگذاریم، بلکه باید خلق کنیم، فلسفه هنر اینست. هنرمند باید الگو باشد.
- به تازگی کتاب «جنون لطیف» از شما به چاپ رسیده است. لطفا درباره این کتاب توضیح بدهید؟
- کتاب جنون لطیف مشمول سی شعر است که دربرگیرنده سروده های من بین سالهای ۸۴ تا ۸۷ میباشد و به ترتیب تاریخ سرایش به چاپ رسیده است و سبک ادبی آن شعر سپید است.



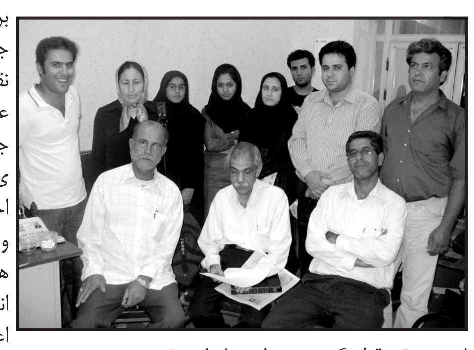
- چند سال است که در نشست های ادبی نسیم جنوب شرکت می کنید؟ و آیا این جلسات تاثیری هم در شعر شما داشته است؟
- من از ۱۳ سالگی در نشست ادبی دوشنبه های نسیم جنوب شرکت میکردم و طی این سالها استاد بزرگوارم آقای آرش نیا همیشه در کنار من بودند و با صبر و بردباری، بهترین راهنما و مشوق من در این زمینه بودند.
- ایا در دیگر زمینه های فرهنگی نیز فعالیت دارید؟
- بله من تا حدودی با زبان فرانسه آشنا هستم و ترجمه هایی از شعر شاعران معاصر فرانسه به فارسی انجام داده ام که به زودی برای چاپ در اختیار هفته نامه نسیم جنوب قرار می دهم. همچنین چند داستان کودک نیز در حال ترجمه دارم که طی چند مجموعه ارائه خواهم کرد.
- به نظر شما دغدغه ی این روزهای شاعران جوان چیست؟
- پرداختن به مسائل اجتماعی که خود یکی از گونه های ادبیات است و امروزه مخاطب فراوانی بین نسل جوان پیدا کرده است. شاعران جوان سعی می کنند بیشتر به مسائل اجتماعی پرداخته و از دریچه شعر موضوعات را بازگو کنند.
- فضای شعر و ادب استان را در زمینه پرورش جوانان در سالهای گذشته چگونه دیده اید؟
- متاسفانه بسیار ضعیف است ، خیلی حیف است. نسل جوان بسیار فعال و سرشار از ذوق و خلاقیت هستند ولی آنگونه که استحقاقش را دارند در نظر گرفته نمی شوند .
- و کلام اخر؟
- از خانواده ام که همیشه در کنام بودند و من را مورد حمایت خود قرار دادند و همینطور استاد بزرگوارم آقای آرش نیا کمال تشکر و سپاس را دارم.



گزارش سال نود و برنامه های سال نود و یک دوشنبه های ادبی نسیم جنوب

دوشنبه های ادبی نسیم جنوب در سالی که گذشت

در سالی که گذشت به صورت مستمر و هر هفته در روزهای دوشنبه جلسات ادبی نسیم جنوب برگزار شد .
با توجه به دیدگاه متولیان این جلسات و پیشکسوتان از جمله آقای آرش نیا برنامه ریزی سال نود با رویکرد بررسی تاریخ شعر معاصر و شناخت شاعران معاصر دوره ی تحلیلی این موضوع به مدت شش ماه از «نیما» تا «علی باباچاهی» مورد بررسی و تبادل نظر و دیدگاه حاضران در جلسه قرار گرفت .
نقد و بررسی شعر شاعران هم استانی نیز یکی دیگر از برنامه های سال نود بود که با موفقیت هر چه تمام تر با شعرهای بیابانی ، آتشی ، باباچاهی و سایر شاعران انجام شد .
دنبال کردن تئوری های روز در زمینه ی شعر نیز یکی از موضوع های دنبال شده در این جلسات بود که با ارائه ی مقالات متعدد از جانب شاعران حاضر در جلسه دنبال شد.
شعر خوانی شاعران نیز در طول سال نود به عنوان یک بخش تفکیک نشده از جلسات با شور و هیجان خاص ، مورد استقبال حاضران در جلسه قرار میگرفت که در ابتدا یا انتهای هر جلسه انجام می شد .
همچنین در این جلسات سعی بر این بود که شاعران گمنام شناسایی و شعر آنها مورد برسی و نقد قرارگیرد تا روند رو به رشد این شاعران به حد اعلای خود برسد. از این رو کلیه ی اعضای این جلسات خود را موظف کرده و از شاعران نوپا و جوان دعوت حضور در جلسه را می کردند که این روند ، منجر به بررسی شعرهای بسیاری از شاعران گمنام جوان گردید.
علاوه بر این در حوزه ی نقد ، هر هفته شاعران متقاضی، پنج نمونه از شعرهای خود را کپی شده در اختیار سایر اعضا می گذاشتند تا مورد نقد قرار گیرد. در طی جلسات نقد بسیاری از کتاب های شاعران جوان نیز مورد نقد و ارائه ی گزارش کتبی در نشریه ی نسیم جنوب قرار گرفت .
در این جلسات علاوه بر این که صمیمیت و یکپارچگی حاکم بود، سعی شد که از استعدادهای نهفته و آشکار اعضا نیز استفاده گردد و به هر کدام از این اعضا مسئولیت هایی داده شود تا برنامه های بهتر با زیر ساخت های تخصصی تر در سال نود و یک اجرا شود .
از این رو یونس قیصی زاده به عنوان موسس جلسات همچنان زحمت میزبانی در دفتر نسیم جنوب را برای سال نود و یک را نیز عهده دار گردید، حسن آرش نیا مطابق سابق به عنوان رییس جلسه، مینا درعلی به عنوان دبیر ، زهرا رضایی طرحانی با سمت پیشکسوت و مسئول پژوهش، مهری کرمی برنامه ریز و مشاور رییس جلسه، سایه درختیان مسئول نقد و مهدی یوسفی به عنوان مسئول بخش تدارکات جلسات شعر (از جمله ، تهیه ی انواع سی دی های قابل اجرا در جلسه از شاعران مطرح و تهیه و توزیع انواع کتاب های شعرچاپ قدیم و جدید) انتخاب شدند.



اعضا طی جلسات مختلف و ضمن تبادل نظرهای متفاوت و متناوب برنامه ریزی های خاصی را برای سال نود و یک در نظر گرفتند.
از جمله برنامه های مهم میتوان به ادامه ی برنامه های از پیش اجرا شده ی جلسات در سال نود اشاره کرد، اعم از نقد شعر شاعران ، بررسی اشعار شعرای مطرح کشور و جهان ، چاپ آثار شاعران حاضر در جلسه ، پخش شعر شاعران مطرح با صدای خود شاعر و ارائه ی مقاله و پژوهش های شعری در جلسات و درپی آن چاپ در نشریه و شعر خوانی.
همچنین مقرر شده که در سال آتی برنامه های همنشینی با سایر جلسات شعری استان و سایر استان های همجوار ، شناسایی شاعر پرکار و شایسته ی سال و تجلیل از ایشان در مکان نسیم جنوب، انجام مصاحبه های متعدد با موضوع های روزبا اعضا و سایر شاعران مطرح کشور جهت چاپ در نشریه و اهدای هدایای درخور به شاعران جوان فعال، برگزاری دوره های سفری با رویکرد آشنایی با شعرهای منطقه ای و دعوت از پیشکسوتان و بزرگان شعر در جلسات ماهیانه نسیم جنوب می باشد که به همت دوستان و حمایت یونس قیصی زاده به امید حق، اجرا خواهد گردید .



جلسات ادبی نسیم جنوب :هر دوشنبه ساعت ۱۸:۳۰ لغایت۲۰:۳۰در دفتر نشریه ی نسیم جنوب برگزار می گردد.
کلیه ی شاعران عزیز که قادر به شرکت در جلسه نمیباشند امامایل به نقد آثار خود میباشند میتوانند آثار خود را به ایمیل دبیر دوشنبه های ادبی و یا دفتر نشریه نسیم جنوب بفرستند.
ایمیل دبیر جلسه :
doralimina@yahoo.com



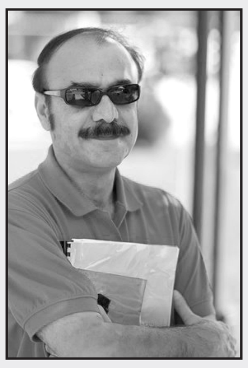
باهم: " آب را گل نکنیم" / "هوا بس ناجوانمردانه سرد است"؛ این دو جمله در ادبیات ایران از جایگاهی فراتر از حد معمول و متعارف برخوردارند.هر دو پاره هایی از اشعار دو شاعر سرشناس ایرانی می باشند؛ سهراب سپهری و مهدی اخوان ثالث.
در کنار یکدیگر قرار دادن این دو "جمله"، از این جهت است که نشان دهیم دو عبارت از دو شاعر کاملا متفاوت در ادبیات فارسی چگونه می تواند در اذهان عام و خاص ماندگار شود.
دنیای اندیشه و شعر سهراب سپهری با اخوان ثالث تفاوتهای بسیار داشت و به تعبیری هیچکدام دیگری را در عالم شعر به رسمیت نمی شناختند، آنگونه که دیگر شاعر نام آشنای ایرانی احمد شاملو می گفت «یا من و یا سهراب سپهری،یکی از مرحله پرتیم»!
در عالم هنر بسیاری از آثار با این اتهام مواجه و از میدان بدر می شوند که "حرف زمان و از جنس زمانه" نیستند. اشعار سهراب سپهری نیز سالها با چنین اتهامی از میدان بدر شد و نام شاعر نیز بر همین نهج.روشنفکران ایرانی از دهه ۳۰ تا ۶۰ سهراب و آثاراش در شمار نمی آوردند و او را وصله ی ناجور زمانه می دانستند. اما پس از سه الی چهار دهه سهراب سپهری به یکی از "مهمترین شاعران فارسی زبان" بدل شد! و جریان کپی برداری از سهراب آغاز بکار کرد. چراکه بسیاری، همچون سهراب شعر سرودن را امری بر مدار سهولت می پنداشتند.
اما ناکامی این جریان کپی برداری نشان داد که آثار سهراب همان حکایت سهل و ممتنع در هنر است.
سپهری در نیمه دوم دهه ۳۰ که شعر ایران بر قله های رفیع سیاست و ایدئولوژی نشسته بود، از بودا و اندیشه وحدت آسیا و روح لطیف گلها سخن می گفت. سالها بعد نیز زمانی که اندیشه شاعر از "آب را گل نکنیم" حکایت می کرد، حملات به او شدت گرفت که "در پای همین آب کسی را گردن می زنند"!
و سپهری شاعر زمان و هنرمند زمانه خویش نبود. اما آیا هنرمند زمانه خویش بودن از الزامات هنرمندی و از شروط نفس زدن در هوای اندیشه ورزی است؟و از آن مهم تر آیا محک "هنرمند زمانه خویش بودن" تنها مطرح شدن در زمان مشخصی است؟
در دهه ۳۰ و ۴۰ شعر ایران با شاعرانی مواجه بود که آثارشان سرشار از مفاهیم(!) مورد توجه در آن روزگار بود. از جمله "خون و خنجر و گلوله و آتش و ..."، اما با گذشت کمتر از یک دهه بسیاری از ایشان در فراموشی از حافظه ی ادبیات و روزگار از یکدیگر سبقت گرفتند و امروزه تنها نامی به اشاره از آنها در کتابهای "مرور تاریخ شعر ایران" جهت پر کردن لیست شاعران، بجا مانده است و بس.
سهراب سپهری در میان شاعران ایرانی دارای مشخصه ای است که پرداختن به آن به مثابه مقیاسی بارز از چگونگی مرزبندی شاعران "متعهد" و "غیرمتعهد" از اهمیت فراوانی برخوردار است.
همان سهراب که در بیش از ۳ دهه از فعالیت هنری خود، در دنیای شعر مورد بی مهری و بی توجهی بسیار قرار گرفته بود، به یکباره از چندان تقدس و اعتباری برخوردار شد که تصاویر و اشعار او بر دیوارهای محافل هنری بعنوان نمادی از اعتبار و افتخار جای گرفت.
اما همین تقدس افراطی نیز از جانب گروهی دیگر از جمله روشنفکران رادیکال ، تحت عنوان "نماد عوام زدگی" مورد طعن و طرد قرار گرفت.
سهراب سپهری در این میانه اما در حسرت "شناخته شدن و خوانده شدن " بود.
در ویژه نامه ای که چندین سال پیش از این، یکی از مجلات روشنفکری درباره سهراب سپهری منتشر کرد، یکی از نویسندگان (عباس میلانی) سهراب را رمانتیک ترین شاعر ایرانی نامیده بود در حالی که در چند صفحه بعد یکی از شاعران (شمس لنگرودی) او را غیررمانتک ترین شاعر!
این تحلیل ها و تاویل های متفاوت از سهراب سپهری بیش از آنکه با توجه و در ذیل خوانش و نگرش به آثار او صورت پذیرد،سخت تحت تاثیر فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیرامون او شکل گرفت.
رمانتیسیسم اشعار سپهری را آیا در میان سروده ها او می بایست جست و یا در مقایسه "ظاهر کلام او" با زبان شعری غالب شاعران هم روزگار او؟
سپهری زمانی که می سرود:
جای مردان سیاست بنشانید درخت
تا "هوا تازه" شود
مورد طعن شاعر "هوای تازه" و شاعر "هوا بس ناجوانمردانه سرد است" قرار داشت که نسبت به آنچه در جامعه می گذرد بی توجهی پیشه کرده است.
اما داستان این بود که تمامیت خواهی هنرمندان ایرانی که از قضا منادیان برقراری دموکراسی بودند، اجازه نمی داد که تکثر گرایی در حوزه اندیشه تا این حد به رسمیت شناخته شود که برای رسیدن به "هوای تازه" هرکس مسیری را انتخاب و تجربه و پیشنهاد نماید.
درد و دامنه این حکایت فراوان تر از این مقال و مجال است. اما کوتاه سخن در این رهگذر اینکه؛ سهراب سپهری در اشعار خویش روایتگر تجربیات درونی خویش بود. تجربیاتی که از فیلتر "شاعرانگی" او عبور کرده بود. روایت این تجربیات در قالب اثر هنری معنای روشنی از "هنرمندی" را روایت می کند و سپهری از این منظر هنرمندی تمام بود.
تارکوفسکی در جایی گفته بود «هنرمند به جای همه کسانی حرف می زند که خود قادر به سخن گفتن نیستند». بنابراین تعریف سپهری در اشعار خود از جانب همه "چیزهایی" سخن می گفت که خود قادر به سخن گفتن نبودند.سنگ و گل و رود و دشت و رنگ و آسمان و حیوان و علف و... در اشعار او به شیواترین بیان سخن می گویند.
و این کجا و حکایت شاعران "متعهد" کجا؟ که تنها و تنها "از جانب همه کسانی حرف می زنند که بواسطه در اختیار داشتن "تریبون سیاسی"، تنها توانایی سخن گفتن دارند و بس!
منبع: با هم آنلاین
www.bahamonline.ir

خرده روایت هایی از اعماق گور

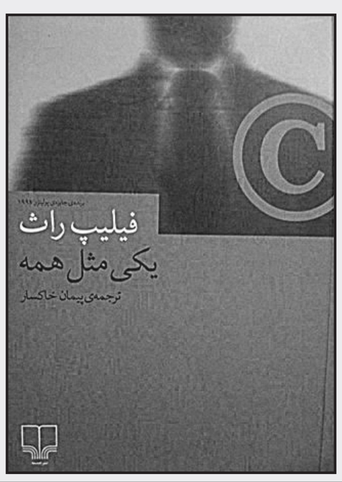
نگاهی به کتاب - یکی مثل همه - اثر : فیلیپ راث

احمد آرام

کتاب - یکی مثل همه - اثر : فیلیپ راث
ترجمه : پیمان خاکسار - نشر : چشمه - ۱۳۸۹



فیلیپ راث در رمان / یکی مثل همه / جهان متن را بارها دور می زند تا خرده روایتهایی را که در ساختار متن سهم عمده ای دارند به مخاطب نزدیک کند. به همین منظور در این اثر، حال و گذشته به یکسان قابل دیدن است. بلاغت راث ، در روایتی که اندک اندک آشکار می شود، این است که به اقتضای رخدادها ، مناسب حال مخاطب سخن می گوید . گاهی که جا به جایی در روایت صورت می گیرد اصلی ترین قسمت داستان، یعنی درونمایه آن ، بدون هیچ خللی سیر طبیعی خود را دنبال می کند و محفوظ می ماند . این شگرد داستان پردازی راث ، که قراردادهای روایت واقع گرایانه را به چالش می کشد ، با تأکید بر سرشت روان گسیخته شخصیت محوری رمان ، به فضای نیست انگارانه آن قوام می بخشد. در ابتدای رمان پدر خانواده به خاک سپرده می شود. با هرمشت خاکی که بر تابوت ریخته می شود جنبه هایی از زندگی ماجراجویانه متوفی بیشتر آشکار می گردد. رمان ، متشکل از افق های گوناگونی است که به درستی و در جاهای مشخص، کنار زده می شود تا صدای آدمهای تازه وارد شنیده شود. هر شخصیتی که قدم به عرصه ی رمان می گذارد اطلاعات واقتی از متوفی به دست می دهد که در کارکرد متن مؤثر واقع می شود. در واقع می توان گفت، این رمان شبیه گوی بلورین است که در سراشیبی گوری تنگ و تاریک می چرخد و از درون آن تصاویر لرزان به بیرون پرتاب می شود؛ تصاویری که ما را به جوهره رمان نزدیک می سازد .
در سری کتابهایی که نشر چشمه با عنوان - جهان نو - وارد بازار کتاب کرده ، رمان / یکی مثل همه / از جمله آثاری است که حتمن باید خوانده شود ؛ خصوصن به خاطر ترجمه خوب و دقیق آن . خواندن این کتاب را به شما توصیه می کنم .



هنرمند بوشهری در جشنواره عکس آلمان

زهرا حاجب از هنرمندان جوان و عضو موفق کارگاه عکس حوزه هنری استان بوشهر توانست با ۲ اثر به جشنواره کاپ بین المللی عکاسی آلمان راه پیدا کند. درجشنواره کاپ بین المللی عکاسی آلمان (دی وی اف) که در بخش های آزاد و طبیعت تحت نظر فدراسیونی بین المللی هنر عکاسی(فیاپ) ، انجمن عکاسی امریکا و انجمن عکاسی سلطنتی انگلستان برگزار شده است ۸۹۰۰ عکس از ۱۴۶۳ عکاس از ۵۶ کشور جهان شرکت نموده و پس از بررسی توسط هیئت داوران ، تعداد ۲ قطعه عکس از این هنرمند در بخش بزرگسالان انتخاب و به نمایشگاه این جشنواره راه یافته است.

عکاس بوشهری در جشنواره عکس روسیه

تعداد ۳ اثر از هنرمند عکاس حوزه هنری استان بوشهر و عضو کارگاه این حوزه به جشنواره برکا در کشور روسیه راه یافت . به گزارش روابط عمومی حوزه هنری بوشهر ، واحد عکس حوزه هنری استان بوشهر آثار زهرا حاجب از هنرمندان عکاس جوان و با آتیه استان به جشنواره برکا که در کشور روسیه و زیر نظر فدراسیون جهانی عکاسی دنیا FIAP و فدراسیون عکس آمریکا PSA ارسال نمود و با نظر و رای داوران این جشنواره ۳ قطعه عکس از این هنرمند به بخش نمایش عکس (نمایشگاه) راه یافته است.

صداها دوشنبه
با دوشنبه های
ادبی نسیم جنوب
بعدازظهر دوشنبه هر هفته
در دفتر نسیم جنوب

بی توجهی به هنرمندان عسلویه و هزینه های میلیونی جشن های پارس جنوبی

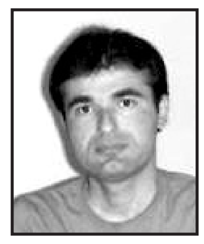


ایام نوروز هم گذشت ولی برای ما تلخ بود.
تلخی از آن رو که آنهمه تکاپو وتلاش برای اجرای برنامه های فرهنگی و هنری با بی توجهی مسئولان روبرو شد.
مسئولانی که از کمک یک میلیون تومانی برای نمایشگاههایی که با هزینه بیش از سه میلیونی تدارک شده بود ابا داشتند. ولی در ایام نوروز شاهد برگزاری جشن هایی با هزینه های بسیار گزاف بوده و هستیم.
از شرکت نفت و گاز که هزینه های میلیاردی آن نیاز به بازگفتن نیست. سال گذشته به ده روز میهمان شرکت نفت و گاز بودیم، دعوت از جانب ایشان در همایش توسعه پایدار صورت گرفت.
ما نیز بیش از یک میلیون تومان از هزینه های شخصی خود را با عشق به معرفی فرهنگ واقعی و راستین مردم بخش عسلویه را در نمایشگاهی گذاشتیم و تعطیلات خود را در این نمایشگاه از دست دادیم. بیش از ۱۰ نفر درگیر این نمایشگاه بودند، غذاهای محلی هر شب گرم تهیه می شد و به خورد میمهانان نفت و گاز می دادیم. به امید وعده مسئولان روابط عمومی و آقای سوری که چند بار از همان غذاهای گرم محلی چشیدند و آفرینها گفتند... که شاید کمک هزینه ای برای دوستان هنرمند منطقه مان باشد. که شاید کمک هزینه ای برای فعالیتهای آتی مان در طی سال باشد.
خداوند شاهد است که فعالیتهای «انجمن اندیشه ورزان برنا» در طی شش سال هیچ گاه برای منفعت شخصی نبوده ولی بازهم ما با همدیگر قرار گذاشته بودیم که اعضا برای فعالیت هزینه شخصی نکنند. اما آن سال هزینه شخصی کردیم. آنهم یک میلیون تومان برای جوانانی که منبع درآمدی نداشتند. دختران و زنانی که منتظر تشکر از بابت پخت غذای محلی و دیگر تدارکات بودند. اما ما دیگر دستمان خالی بود.
پس از پایان نمایشگاه دیگر کسی سراغ ما را نگرفت. نامه هایمان بی جواب ماند... و در آخر گفتند که ما بودجه ای برای کارهای فرهنگی نداریم. نفت و گاز تنها به تولید می پردازد و لاغیر!!!
اما امسال سه نفر از عشایر محترم را دعوت کردند به قول یکی از آنها بیش از دهها میلیون تومان هزینه برای چند شب! گروه های موسیقی از تهران دعوت کرده بودند با میلیون ها تومان برای دو یا سه شب! مجریان صداو سیما دعوت کرده بودند با هزینه های میلیونی برای دو یا چند شب! آمبولانس هایی که به همراه اتوبوس های میهمانان در بازدید از نایبند و گشت های دریایی بود و ابهت نفت و گاز را در میان مردمی که از نعمت درمانگاه ساده نیز محروم بودند به رخ می کشید.
دیگران نیز کم نگذاشتند ... پتروشیمی ها در رقابت بودند برای دعوت از چهره های صداوسیما و و هنرمندان بی هنر از مشهد و دیگر شهرستانها.
شهرداری عسلویه نیز کم نگذاشت.. مجریان صدا و سیما و گروه های موسیقی که کمتر از ده ها میلیون راضیشان نمی کند. شهرداری نخل تقی نیز امسال از قافله عقب نماند و مجریان ویژه آورده بود تا خودی نشان دهد و میلیونها تومان حق من حق ما شهروندان نخل تقی و شهروندان عسلویه را در شکم دیگران بگذارد.
آری .. امسال گروه الفردوس و جوانان هنرمندش دیده نشدند... نقاشان و هنرمندان تاتر منطقه ... آقای علی هلالی، آقای جنگجو، آقای کوهی نژاد مجبور به اعتراض و توقف فعالیت شدند.
خدا می داند امسال دلشکسته شدیم. خدا می داند دیگر کاسه صبرمان لبریز از این همه ظلم است.
خدا می داند ای شهرداران عسلویه و نخل تقی... ای مسئولان روابط عمومی منطقه ویژه و نفت و گاز ما همه واقعیت ها را می دانیم.
ما نادان و کم اطلاع نیستیم، ما همه ریز هزینه ها را می دانیم... ولی شکایتمان را به خدا می بریم.
آه مظلوم دامن گیرتان خواهد شد.

منبع: اندیشه ورزان برنا

آب جم و آب جهان

دکتر طالب موذنی



کاهش شدید بارندگی در این سال ها ضربه شدیدی به مناطق استان بوشهر به ویژه وضعیت کشاورزی استان زده است. بر اساس گزارش های هواشناسی، در سال آبی گذشته میزان بارندگی در استان ۵۶ درصد کمتر از سال قبل از آن بوده است. همچنین سال قبل هم نسبت به سال ماقبل بارش ۷۵ درصد کاهش داشته طوری که ذخیره آب های سطحی در آن سال ۸۰ درصد نسبت به زمان مشابه در سال ۸۹ کاهش یافته است. سوای بر کاهش نزولات جوی، افزایش مصرف آب و برداشت بیش از پیش از ذخایر زیرزمینی آب در مناطقی که بواسطه صنایع، آب زیادی صرف تأسیسات پالایشی می شود، کمبود آب را به مرحله بحرانی رسانده است. جم و ریز از مناطقی هستند که روزانه حدود ۱۰ هزار مترمکعب از سفره های آب آنها صرف مصارف صنعتی می شود. این امر به اضافه کاهش نزولات آسمانی منجر شده که سطح آب چاه های معمولی کنار رودخانه ها که کشاورزان برای آبیاری باغها و مزارع خود استفاده می کردند از ۳ متر در دهه گذشته به ۱۲ متر و گاهی ۱۵ متر افت کند. تا اینکه ابعاد این مشکل به جایی رسیده که تازگی وزارت نیرو رسماً شهرستان جم را به عنوان دشت ممنوعه معرفی کرد.
در این نوشتار به بررسی مشکل آب و راهکارهای مرتبط با آن در شهرستان جم پرداخته می شود، سپس ضمن اشاره به مشکل مشابهی در شهر لاس وگاس آمریکا به نحوه مواجهه مسئولان این شهر و راهکار مورد نظر آنان پرداخته می شود و نهایتاً پیشنهادی برای بهبود وضعیت آب شهرستان جم ارایه می شود.
برای مواجهه با مشکل کم آبی و خشکسالی در شهرستان جم تاکنون ۳ راهکار مورد توجه بوده است که ۲ تای آن در مراحل تصویب و اجرا و یکی در مرحله کارشناسی و مطالعه است.
اولین راهکار طرح آبخیزداری و احداث سد برای ذخیره کردن آب های باران و مهار کردن آب های روان در رودخانه ها است که با هدف تقویت سفره های زیرزمینی با حمایت شرکت های تابعه نفت در سال های گذشته مصوب شده است. این طرح در صورت تحقق در جای خود مؤثر است اما در زمان هایی که آسمان آبی است و یا ابرها باران ندارند طبیعتا، تأثیری ندارد.
راهکار دوم، پروژه کوثر است که از زمان احداث شهرک های مسکونی جدید برای کارکنان پارس جنوبی مستقر در این شهرستان یعنی حدود ۷ سال پیش مطرح شده است. در این پروژه از خط لوله اصلی کوثر که از کنار سواحل خلیج فارس به سمت استان هرمزگان می رود، انشعابی گرفته می شود و قرار است روزانه از طریق ۲ ایستگاه روزانه ۵ و ۱۰ هزار مترمکعب آب به شهرستان جم منتقل شود و ۱۲۰ هزار نفر را سیراب کند. گویا تا به امروز حدود ۵۰ درصد اجرا شده و قرار است در سال ۹۴ به بهره برداری برسد.
راهکار سوم که تا امروز در مرحله توافق و تفاهم بین مسئولان وزارت نفت بوده انتقال آب از خلیج فارس به شهرک های تابعه وزارت نفت در این شهرستان است که براساس برآوردهای آنها تخمین زده اند که روزانه ۳۰ هزار متر آب تصفیه شده از خلیج فارس به شهرک های مسکونی جم منتقل شود.
قبل از پرداختن به راهکار بعدی، بد نیست به نگرانی مشابهی در شهر دیگری از دنیا نگاه کنیم و نحوه برخورد مسئولان آنها همراه با راهکار آنها را ببینیم. شهر لاس وگاس آمریکا در ایالت نوادا چند سالی است که به علت افزایش نسبی جمعیت، ساخت و ساز و کار و کاسبی باورنق چند سالی است که کمبود آب برای مسئولان این شهر اسباب نگرانی شده است. لاس وگاس با اینکه شهر کشاورزی محوری نیست، ولی آدم های مسئولش تنها با نگاه به پایین آمدن سطح دریاچه مید که ۹۰ درصد آب آشامیدنی این شهر را تأمین می کند، به فکر لوله کشی از مناطق روستایی شمال شرقی ایالت نوادا به این شهر افتاده اند.
دریاچه مید واقع در ۴۸ کیلومتری جنوب شرقی لاس وگاس بزرگترین مخزن آبی پشت سد آمریکا است که از رودخانه کلرادو تغذیه می کند. سطح آب این دریاچه در دهه گذشته حدود ۱۰۰ فوت (۳۰ متر) افت کرده است. مقامات آب لاس وگاس می گویند اگر این افت ۲۰ درصد دیگر ادامه یابد گزینه ای جز تأمین آب از منابع دیگر باقی نمی ماند. از این رو طرحی را در تابستان ۳ سال پیش مطرح کردند که براساس آن با حفر چاه در برخی مناطق شمال شرقی این ایالت از طریق خط لوله، آب را از آن مناطق به جنوب نوادا بیاورند. مشخصات این پروژه به صورت زیر است:
– هزینه اجرا چند میلیارد دلار برآورد شده است.
– دارای ۱۴ سایت چاه تولید آب زیرزمینی به ظرفیت روزانه ۱۵۰ میلیون گالن (۵۶۸ هزار مترمکعب) می باشد.
– طول تقریبی خط لوله ۳۰۰ مایل (حدود ۴۸۲ کیلومتر) و با مقاطع ۷۸ و ۸۴ اینچ می باشد.
– یک مخزن زیر زمینی ذخیره آب با ظرفیت ۴۰ میلیون گالون (حدود ۱۵۱ هزار مترمکعب) دارد.
– ۶ محفظه ذخیره آب ۳ میلیون گالنی برای تنظیم جریان آب دارد.
– حجم سفره آب زیر زمینی در ۴ منطقه مجموعاً ۱۵۵ میلیون مترمکعب است.
این پروژه ابتدا در ادارات آب و شهرداری لاس وگاس مطرح شد و قرار شد که به گروه ها و سازمان های مخالف اجازه داده شود تا مخالفت خود را همراه با مستندات و مدارک ارایه کنند. یکی از گروه های آزاد و مخالف این طرح به نام PLAN طی یک ماه ۱۶ هزار امضا از مردم لاس وگاس و دیگر مناطق جنوب نوادا در مخالفت با این طرح جمع کرده است. وکلای مخالف این طرح اعلام کرده اند که این طرح منابع زیرزمینی مناطق را خالی کرده و تهدیدی برای توسعه اقتصادی در این مناطق است. همچنین قبایل محلی ساکن در مجارت چاه ها به شدت مخالفت کرده اند و آن را به زیان توسعه آن مناطق دانسته اند. آنها می گویند که سطح آب سفره های زمینی با اجرای این طرح طی ۷۵ سال ۱۵۰ فوت (۴۵ متر) افت می کند و تبدیل به ضایعه ای جبران ناپذیر می شود. مخالفان همچنین معتقدند که این طرح بین ۳,۵ تا ۱۵ میلیارد دلار خسارت زیست محیطی دارد. اما موافقان در دفاع از این طرح که دفاعیه آن را به دیوان عالی نوادا ارایه داده اند می گویند که در این مناطق تاکنون ۸۰ هزار جریب فوت (حدود ۷۵ درصد کل سفره زیر زمینی) اصلاً استفاده نشده و به لحاظ زیست محیطی این طرح مشکلی ندارد. هنوز مقامات فدرال آمریکا اجازه اجرای این طرح را نداده اند و مقامات ارشد ایالتی نظیر سناتورها، نماینده کنگره و فرماندار ایالت تاکنون در این زمینه ممتنع بوده اند.



حال با این توضیحات به مقایسه روند تصمیم گیری مسئولان لاس وگاس و نوادا با مسئولان شرکت ها و مقامات محلی در شهرستان جم و استان بوشهر جهت احداث چاه برای برداشت آب می پردازیم. اولین و مهمترین تفاوت در این است که در مناطق جم و ریز زمانی که می خواستند برای پالایشگاه چاه های عمیق آب حفر کنند از مردم اجازه نگرفتند. اساساً بسیاری از مردم حتی از این موضوع باخبر نشدند تا زمانی که دیدند چاه هایشان افت کرده است. اصولاً خیلی ها فکر نمی کردند که پالایشگاه گاز نیاز به آب دارد. تصور می شد که پالایشگاه های گاز به چاه گاز احتیاج دارد و نه چاه آب. امروز پس از ۳۵ سال، به گفته ی مهندس شاپور رجایی مدیر عامل شرکت آب منطقه‌ای استان بوشهر، "از سال ۵۴ تا ۸۹ حدود ۲۰۰ میلیون مترمکعب آب از طرف صنعت نفت از سفره‌های زیرزمینی دشت جم برداشت شده و با اینکه آنها متعهد بودند که آب برداشتی را جایگزین کنند اما حتی یک متر آب هم جایگزین نکردند و اقدامی نیز برای تأمین آب به صورت بلند مدت نداشتند". ایشان حتی خبر از احتمال نشست زمین در این منطقه می دهد. درد ماجرا آنجا است که فشار این ممنوعیت تنها متوجه اقشار عادی مردم که روزانه کمتر از ۲۵ متر مکعب نیاز دارند شده است. این را اگر با طرح لوله نوادا (با مناقشاتی که در سطور بالا به آن اشاره شد) با سالانه بیش از ۲۰۰ میلیون مترمکعب از ۴ دشت، مقایسه کنیم و به ۳ دشت جم، ریز و بوشکان با برداشت سالانه ۶۴,۵ میلیون مترمکعب نگاه کنیم، آنگاه ممنوع شدن برداشت آب از این ۳ دشت قابل درک می شود.
چاره دیگر جبران آب برداشتی از سفره های زیر زمینی در شهرستان جم همانطور که اشاره شد برداشتن از دیگر منابع آبی و انتقال آن به این شهرستان است. اضافه شدن این مقدار آب (چه از طریق طرح کوثر و چه طرح گاز) مشکل کم آبی شهرستان جم را حداقل به سطح دیگر شهرستان های کم بارش استان خواهد رساند که تا همینجا هم می تواند التیامی برای درد خشکسالی در این شهرستان باشد. باز برای بهتر شدن این وضعیت می توان به طرح دیگری برای شرکت های مستقر در این شهرستان اندیشید و آن انتقال آب خلیج فارس به پالایشگاه گاز فجر جم برای مصارف این پالایشگاه است و بستن چاه های عمیق این شرکت است.
پالایشگاه گاز فجر جم با حفر چندین چاه عمیق روزانه حدود ۱۰ هزار متر مکعب از سفره های زیر زمینی این شهرستان را برمی دارد. این مقدار آب شیرین رایگان می تواند در همان سفره های زیر زمینی برای مصارف طبیعی (شرب و کشاورزی) مردم منطقه بماند و شرکت متولی این پالایشگاه آب مورد نیاز خود را با صرف هزینه از خلیج فارس تأمین کند. همچنانکه پالایشگاه های پارس جنوبی مستقر در عسلویه همین کار را می کنند. وقتی آن پالایشگاه ها با صرف هزینه های لازم تأسیسات و تبدیلات مورد نیاز تهیه آب از دریا را احداث و فراهم می کنند، چرا پالایشگاه فجر جم چنین نکند؟ وقتی آنها حوضچه ی آبگیر پارس جنوبی با ظرفیت ۲۵ هزار متر مکعب بر ساعت در ساحل عسلویه برای تأمین آب ۱۰ فاز پالایشگاهی پارس جنوبی ساخته اند، چرا شرکت گاز فجر جم برای تأمین حتی ۱۰ هزار متر مکعب در روز تأسیسات مشابهی برای یک پالایشگاه نسازد؟ وقتی که چنین تأسیساتی برای چندین پالایشگاه که مولد حدود ۴۰ درصد گاز کشور هستند وجود دارد، چرا برای یک پالایشگاه که به تنهایی ۲۷ درصد گاز کشور را تأمین می کند وجود نداشته باشد؟ وقتی افتخار پالایشگاه گاز فجر این باشد که رکورد تولیدش را به ۱۳۰ تا ۱۳۵ میلیون مترمکعب در روز برساند چرا افتخارش این نباشد که بدون استفاده از آب شیرین منطقه بتواند به این رکوردها برسد و ۲۷ درصد گاز کل کشور را با آب جهان تولید کند و نه با آب جم؟ وقتی روزانه ۱۵ میلیون مترمکعب گاز ترش از عسلویه برای شیرین سازی به پالایشگاه جم انتقال می دهند چرا برای کمک به پالایش این گاز ۱۰ هزار مترمکعب آب شور از طاهری به این پالایشگاه منتقل نکنند؟ وقتی شرکت عملیات غیر صنعتی می خواهد روزانه ۳۰ هزار متر مکعب آب را از دریا به شهر جم به ارتفاع بیش از ۶۰۰ متر بالاتر از سطح دریا برساند، چرا شرکت گاز فجر جم نتواند یک سوم همین مقدار آب را به همان سطح برساند؟ اصلاً وقتی این شرکت می تواند آب را از عمق چند صد متری چندین چاه عمیق پمپاژ کند، چرا نتواند همان آب را از سطح دریا به همین ارتفاع برساند؟ نهایتاً اینکه وقتی به قول وزیر آقای احمدی نژاد در وزارت نیرو، طرح انتقال و تصفیه یک میلیون مترمکعب روزانه آب از خلیج فارس به استان های هرمزگان و کرمان تصویب می شود، خوب است مسئولان گاز وزارت نفت هم به فکر طرح مشابهی برای پالایشگاه خود در شهرستان جم باشند.
به هر حال این سال ها در منطقه ای که زمانی مردمش آن قدر آب چاه، آب جاری و آب باران داشتند که شالیکاری می کردند امروز در حسرت تهیه آب شرب هستند. شهرستان جم یکی از سرسبزترین شهرستان‌های استان بوشهر بود. به واسطه صنایع گاز آلودگی هوایش زیاد شد و آب زمینش کم. اگر بر آلودگی اش چشم ببندیم از آبش نمی توان، چون استعداد کشاورزی بالایی دارد. با تمام بحرانی که برای آبش پیش آمده اما خاکش کشش کشت انواع مرکبات با عملکرد تولید ۱۱۰۰ کیلوگرم در هکتار را دارد طوریکه عمده مرکبات استان بوشهر در این شهرستان تولید می شود. جای تأسف است که ابعاد این معضل، این دشت حاصلخیز را در معرض نابودی قرار داده است. امید که با چاره اندیشی نه تنها مردم این شهرستان بلکه مردم استان بیش از پیش از قابلیت های طبیعی این شهرستان بهره مند شوند. جا دارد شرکت هایی که با مصرف آب این منطقه تولیدی جهانی دارند این مایه حیاتی را از منبعی جهانی بگیرند و این مایه را برای مردم جم نگه دارند.

مراجع:
وب سایت های چگاسه، خلیج فارس و شرکت پالایش گاز فجر جم
http://www.irna.ir/NewsShow.
۳۰۵۳۹۲۵۹=aspx?NID
fa.html-۳۵۷۳/http://pseez.ir
http://www.nvco.org
http://en.wikipedia.org/wiki/Lake_Mead
http://www.wwdmag.com/hdr-selected-
southern-nevada-pipeline-project
html.۵۲۶۳۶۳۲۲/http://www.lvrj.com/news
/۱۹/nov/۲۰۱۱/http://www.lasvegassun.com/news
water-pipeline-project-hearing-wraps
/۱۴/oct/۲۰۱۱/http://www.lasvegassun.com/news
nevada-leaders-largely-silent-pipeline-
/controversy

نگاه منتقد

بازسازی یا ظاهر سازی بافت قدیم بوشهر

عبدالرسول شادمان

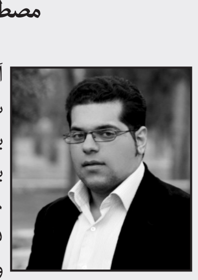
تردیدی نیست که بافت معماری موجود در میدان محله ی کوتی بوشهر یکی از بی نظیرترین بافت ها بوشهر است که متاسفانه اگر حرص بساز و بفروشی و بی توجهی مسئولینی که گاهی وقت ها از در دروازه رد نمی شوند و گاهی هم به راحتی از سوراخ سوزن عبورمی کنند، اجازه می داد و ساختمان عکاس خانه ی فیروزی و دبستان معینی و خانه ی اخوت و ... نابود نمی شدند، ارزش فعلی اش صد چندان بیشتر بود.
نخستین بار که نام این پروژه را شنیدم تصور کردم که با اتمام این طرح یکی از زیباترین و نادرترین لوکیشن ها را بازسازی می کنند. بر این باور بودم که مسئولین امر تمامی نمادها و سخت افزار های امروزی را از این میدان بر می دارند و زمین و فضا را به گونه ای طراحی می کنند که هر کس پای در این میدان بگذارد زمان را گم کرده و خود را در فضای صد سال پیش ببیند.



فکر می کردم از این به بعد این میدان نماد بافت کهن بوشهر، یکی از مراکز اصلی گردشگران و لوکیشن بی رقیب تمامی فیلم ها و سریال هایی می شود که وقایعش در سال های دور اتفاق افتاده است.
این فکر و خیال ها حاصل توقعات شهروندی معمولی مثل من، از اهالی فن و دست اندرکاران سامان دهی میدان بود. اما وقتی حاصل کار را دیدم، این توقعات تبدیل به توهمات شد. میدان را شقه شقه کردند دورش را فنس کشیدند و میدان فوتبال احیا کردند. مثل پارک محلات معابر تنگ و باریکی را از میان باغچه ها عبور دادند و وسایل تفریحی و بدن سازی و ورزشی نصب کردند. دار و درخت کاشتند تا بزرگ شوند و جلوی تمامی آن خانه های زیبا قد علم کنند و همه ی ساختمان ها را در انبوهی خود محو نابود کنند.
بازسازی این میدان باید به گونه ای انجام می گرفت که هیچ نمادی از مظاهر پیشرفت های امروز در آن دیده نمی شد. دقت در نوع مرمت دیوارها و در و پنجره ها و حتی چراغ های روشنایی معابر و زمین میدان و خلاصه تمامی دکوراسیون موجود باید دقیقا مطابق شکل اولیه و قدیمی میدان اجرا می شد تا آن جا که اگر چشم کسی را می بستند و به این میدان آورده و چشمانش را باز می کردند. خود را در فضای صد سال پیش حس می کرد. یا به فرض محال اگر فردی از آن دوران زنده می شد و در این فضا چشم به جهان می گشود، گذشت زمان را حس نمی کرد و تصورش این می شد که تنها برای یک لحظه خوابیده و از خواب برخاسته است. این کاری سخت و دشوار نبود کافی است کمی اندیشه و ابتکار به خرج می دادند. هزینه اش هم خیلی کم تر از احداث زمین چمن مصنوعی و درخت کاری و نصب وسایل ورزشی و ... می شد. اما نتیجه و بازتاب فرهنگی و حتی روحی و روانی آن به مراتب افزون تر از طرح من درآوردی کنونی می شد. این طرح بسیار کم هزینه اما پر ارزش می توانست نماد واقعی معماری کهن بوشهر و لوکیشن زیبای فرهنگی و گردشگری و در نوع خود الگوی مرمت و بازسازی آثار با ارزش فرهنگی این شهر باشد اما متاسفانه ظاهر بینی ها و کج سلیقگی ها و البته عدم اشراف به مهم ترین اصل بازسازی آثار معماری موجب شد تا این همه خرج و هزینه نتیجه ای منفی در پی داشته باشد.
اگر فرصت داشتید سری به میدان بزنید. تا حاصل سامان دهی را ببینید.

بازگشت آهوها به جزیره خارگ

مصطفی دهقان



آهوان خارگ که طبق سرشماری سال ۱۳۸۱ تعدادشان ۱۰۰۵ راس بوده، در آبان ماه ۱۳۸۷ بر اثر بیماری پوستی جرب تعدادشان به ۲۹ راس کاهش یافت (نزدیک به ۷۵ درصد کاهش جمعیت).
و این چند راس باقیمانده نیز به شدت در خطر نابودی بودند. تا اینکه مسئولین سازمان حفاظت از محیط زیست با پیگیری نویسندگان و مطبوعات مختلف، دست به کار شده و با اعزام گروه های دامپزشک به جزیره، موفق شدند، گرچه دیر، اما این بیماری را متوقف کنند.
و امروز آهوان جزیره به تدریج به روزگار خوش و خرم حضورشان در خارگ نزدیک شده اند. طبق گزارشهای منتشر

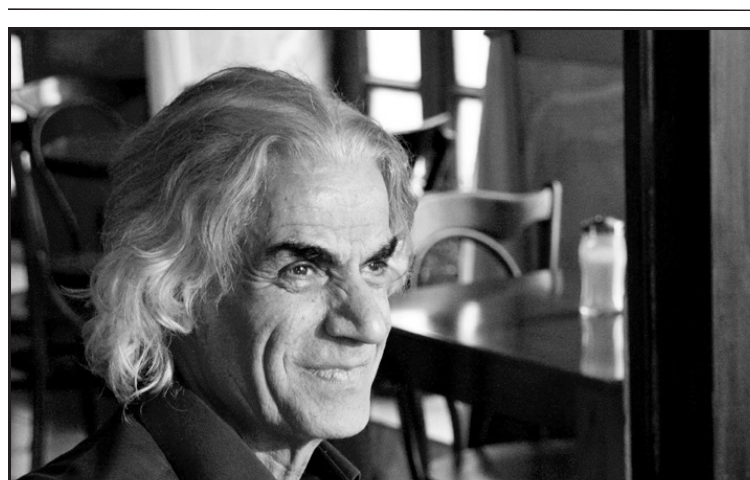


شده از سوی این سازمان، در سرشماری تابستان ۱۳۹۰ تعداد این آهوان در مجموع ۲۹۷ راس اعلام شده، و نشان دهنده ی تلاشهایی است که این مسئولین بر خود هموار نموده اند.

با عنوان «این قیافه‌ی مشکوک»،

نکوداشت «علی باباچاهی» شاعر بوشهری در پایتخت

در آخرین روزهای سال گذشته، مراسم نکوداشت «علی باباچاهی» شاعر بوشهری، با عنوان «این قیافه‌ی مشکوک» برگزار شد. در مراسم نکوداشت «علی باباچاهی» که ۲۴ اسفند در فرهنگسرای مشق و به همت گروه ادبی مایا برگزار شد، «سیمین بهبهانی» از علی باباچاهی به عنوان آغازگر شعر پست‌مدرن در ایران یاد کرد و گفت: شعرهای باباچاهی سال‌هاست که در دل مردم جا باز کرده‌اند و او با اشعارش دل مردم را برده است. باباچاهی شعرهای زیبایی دارد و ما در عالم شعر نو به این شاعر مباهات می‌کنیم.
بهبهانی اظهار کرد: به عنوان کسی که در قالب غزل شعر می‌گوید، گواهی می‌دهم که باباچاهی یکی از بزرگترین کسانی است که شیوه‌ی پست‌مدرنیزم را به ایران تقدیم کرد. شعر باباچاهی قابل تامل است. کلمات شعر او با اینکه ساده و دست‌آموز هستند، اما درعین حال معانی دیگری نیز در پشت آنها نهفته است که مخاطب را به تفکر و تعمق در آنها وامی‌دارد که این موضوع در ادبیات ما نادر است. این خصوصیت در شعر حافظ خیلی خوب وجود دارد و در شعر باباچاهی نیز دیده می‌شود.
در ادامه‌ی مراسم، «هوشنگ چالنگی» درباره‌ی برخی از خصوصیات شعر باباچاهی سخنرانی کرد و گفت: کسانی که هم‌سن من هستند و از گذشته با مطبوعات سر و کار داشته‌اند، می‌دانند که از دهه‌ی ۴۰ به بعد، افرادی در شعر گفتن با دیگران متفاوت بوده‌اند که از جمله‌ی این افراد علی باباچاهی و محمدعلی سپانلو بودند.
وی گفت: کارهای آنها در مطبوعات کارهای متشخصی بود. البته بسیاری از دیگر شاعران نیز در برهه‌های مختلف زمانی شعرهای خوبی می‌سرودند، اما ماندنی نبودند و کارشان گذرا بود. اما این دو شاعر آثار ماندگاری خلق کردند، به طوریکه می‌توان گفت باباچاهی و سپانلو در طول سال‌ها آثار حسرت‌برانگیزی ارائه کردند که علاوه‌بر هم‌نسل‌های ما، جوانان امروز هم به آنان علاقه دارند.
«علی موسوی گرمارودی» نیز در بخش دیگری از مراسم گفت: از سال ۱۳۴۸ با باباچاهی دوست هستم و طی این سال‌ها در برخی از نشریات با او کار کردم و همواره به شعر او ادای دین کرده‌ام. وقتی که رییس انجمن شاعران پارسی‌گوی جهان بودم، باباچاهی را به آنجا دعوت کردم.
گرمارودی افزود: باباچاهی نه تنها شاعر خوبی است، بلکه در کردار، صفات و اخلاق نیک هم شاعر است و این مساله بسیار مهمی است. فروغ فرخزاد می‌گفت «بعضی‌ها فقط روی کاغذ شاعر هستند؛ ولی بعد از آن به یک فرد معمولی تبدیل می‌شوند»، و باباچاهی کسی است که همیشه شاعر بوده است.
وی سپس با اشاره به سخنان سیمین بهبهانی در آغاز مراسم گفت: بهبهانی را همان‌قدر شاعر امروز می‌دانم که شاملو، یدالله رویایی، سپانلو و باباچاهی را. چراکه نوع نگرش و نگاه باید امروزی باشد که سیمین بهبهانی از این نگاه برخوردار است و معتقدم در قالب غزل هم می‌توان شاعری امروزی بود.
همچنین «فرخنده حاجی‌زاده» در سخنانی با اشاره به اینکه جای بسیاری از هم‌نسل‌های باباچاهی، به‌ویژه رضا براهنی در این مراسم خالی است، گفت: شعر باباچاهی طلب می‌کند که در رابطه با آن جدی صحبت کرد. چون اشعار او جدی است، به این معنا نیست که او بنیان‌گذار پست‌مدرنیزم است. بلکه به این خاطر است که او شاعر است، ادبیات کلاسیک را خوب می‌شناسد و از آن عبور کرده است.
وی گفت: شعر باباچاهی این اجازه را به ما می‌دهد که آن را تعبیر و تفسیر کنیم و در ضمن به هیچ قطعیتی در آن نمی‌رسیم و این یکی از خصوصیات شعر باباچاهی است.
در ادامه، «محمدعلی سپانلو» با خواندن شعر «ایوب» از باباچاهی، آن را یک نیمه شاهکار عنوان کرد و گفت: تا به حال نفهمیده‌ام پست مدرن یعنی چه. اما شعر خوب را می‌فهمم و باباچاهی خوب شعر می‌گوید. باباچاهی کسی است که هر روز، دیروز خود را ویران می‌کند و در این خصوصیت کسی را مانند او نمی‌شناسم.
سپانلو با اشاره به برخی از عنوان‌های شعرهای باباچاهی از جمله «عقل عذابم می‌دهد» و همچنین عنوان نکوداشت «این قیافه‌ی مشکوک» گفت: متفاوت بودن به خودی خود ارزش نیست. بلکه تنها بارز بودن و ارزشمند بودن است که کسی را متفاوت می‌کند و باباچاهی این خصوصیت را دارد.
در ادامه‌ی این مراسم نکوداشت، فیلم مستند درباره‌ی زندگی و شعر باباچاهی با عنوان «این قیافه‌ی مشکوک» به کارگردانی وحید علیزاده



رزازی پخش شد. پس از آن محمدعلی سپانلو از طرف گروه ادبی مایا لوح تقدیری به باباچاهی اعطا کرد.
باباچاهی نیز در پایان مراسم برای لحظاتی به روی سن آمد و از تمام کسانی که در این فیلم مستند در رابطه با شعر او صحبت کردند و کسانی که در مراسم نکوداشت او در این مراسم بدون آمادگی قبلی سخنانی را بیان کردند تشکر کرد و گفت: این مراسم با تلاش پیگیر و همت چشمگیر گروه ادبی مایا برگزار شد و از آنها که توانستند اهالی کلمه و قلم را دور هم جمع کنند سپاسگزار هستم.
وی همچنین از وحید علیزاده رزازی، کارگردان فیلم مستند «این قیافه‌ی مشکوک»، تشکر کرد و از سیمین بهبهانی و محمدعلی سپانلو به‌طور ویژه سپاسگزاری کرد.
باباچاهی در پایان صحبت‌هایش که بیشتر تشکر از کسانی بود که در مجلس نکوداشت‌اش حضور داشتند و سخنانی درباره‌ی شعر او گفتند، یکی از شعرهایی را که در سال ۹۰ سروده بود، خواند و به یاد سیمین دانشور جملاتی شعرگونه بیان کرد.
سیمین بهبهانی، هوشنگ چالنگی، محمدعلی سپانلو، محمدعلی بهمنی، موسوی گرمارودی ،سهیل محمودی، ساعد باقری و اسدالله امرایی از جمله شاعران و نویسندگانی بودند که در این مراسم حضور داشتند./ ایسنا

پارس چنوبی و آلودگی محیط زیست

در آستانه هفته زمین پاک، حرمت زمین شکسته شد. شاید در این هفته، فرصت مناسبی باشد که مدیران ارشد صنایع پارس جنوبی، بازنگری جدی در تعهدات خود به طبیعت داشته و با خود بیندیشند که در سایه خلأ قانونی موجود در منطقه به چه میزان به خود، کارکنان، مردم و طبیعت متعهد بوده‌اند.

در روزهای اخیر، بسیاری از کسانی که از اتوبان عسلویه عبور کرده اند در نزدیکی انبارهای روباز گوگرد، شاهد تخلیه مواد صنعتی روی زمین بوده اند.تفاوت این نوع آلودگی با دیگر موارد مشابه، این است که این بار آلودگی از روی عمد و در انظار عمومی و در نزدیکی خط لوله انتقال آب طرح محرم اتفاق افتاده و دیگر آلودگی‌ها مربوط به پالایشگاه چهارم پارس جنوبی است.

بر همگان روشن است که فعالیت‌های صنعتی عسلویه ملاحظات زیست محیطی را در مقوله آلودگی هوا، دریا و خاک چندان مورد توجه قرار نداده و همه می‌دانیم که شرکت‌های مختلف از فازهای پالایشگاهی تا پتروشیمی‌ها برای رهایی از دست برخی مواد، آنها را مخفیانه به آب ریخته و یا در حین شب، برخی مواد سوزاندنی و سمی خود را می‌سوزانند، ولی همه این موارد پنهانی بوده و چندان به چشم نمی‌آید.

اما اینکه مواد سمی آن هم از روی عمد و در ملأ عام در نزدیکی اتوبان را ـ که محل گذر همگان است ـ تخلیه و رها شود، می‌توان نوعی دهن کجی به مردم و نشان از عدم تعهد، مسئولیت پذیری مدیران ارشد این صنایع در مقابل مردم و طبیعت برشمرد.



پالایشگاه چهارم (فازهای ۶و۷و۸) مواد صنعتی و به جای مانده از فعالیت فرایندی خود را که به حوضچه سوزان منتقل نموده بود، در اقدامی نابخردانه با یک دستگاه پمپ در اراضی اطراف اتوبان عسلویه تخلیه که باعث آلودگی زمین‌های اطراف به طول تقریبی ۴۰۰-۳۰۰ متر و به عرض ۲-۲۵ متر گردیده است. جالب اینکه پس از گذشت چندین روز، هیچ کاری در پاکسازی محیط انجام نشده و این تأکیدی دوباره بر عمدی و آگاهانه انجام شدن این عمل است. اگرچه پوشش گیاهی منطقه آلوده شده از نوع درختچه ای و پراکنده است، بخشی از طبیعت منطقه جنوب بوده و دارای اهمیت زیست محیطی می‌باشد، به طوری که این زمین‌ها در حال احیا شدن به وسیله گیاه گز است.

سوزاندن مواد به جای مانده در چاله احتراق در شب ـ که عملی غیر اصولی است ـ کم بود که تخلیه به محیط نیز به آن افزوده شد. بروز چنین وقایعی که نظیر آن در منطقه عسلویه کم نیست، نشان‌دهنده نبود نظارت مناسب روی عملکرد این صنایع و نیز نبود اهرم‌های الزام آور در منطقه بوده و شایسته است علاوه بر معرفی مدیران خاطی به عموم مردم، تدابیری جدی در جهت نظارت مستمر و بدون چشم پوشی در راستای سلامت محیط که لازمه سلامت انسان و جامعه است، اندیشیده شود زیرا تجربه نشان داده، امکان بازسازی و پاکسازی محیط پس از آلودگی، بسیار کم و دارای هزینه بسیار زیادی است.

پیشنهاد دکتر اسدپور استاد دانشگاه خلیج فارس بوشهر:

استان «خلیج فارس» به مرکزیت «ابوموسی»

یک استاد تاریخ خواستار پیگیری مجدانه دولت مبنی بر ایجاد استان «خلیج فارس» به مرکزیت «جزیره ابوموسی» شد.

«حمید اسدپور» در گفت وگو با ایرنا تاکید کرد: ایجاد استان خلیج فارس که همه جزایر واقع در آب های جنوبی کشور را از جمله کیش، قشم، ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ دربرگیرد تاکید دوباره ای بر حقانیت ایران در مالکیت این جزایر خواهد بود.

وی تصریح کرد: همانگونه که امکانات مناسبی طی سال های اخیر در جزایر کیش و قشم ایجاد شده است باید امکانات واقعی و درخوری برای دیگر جزایر جنوبی کشور در قالب استان خلیج فارس در نظر گرفته شود تا ضمن ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی، افراد دیگر مناطق کشور نیز برای حضور و فعالیت در این مناطق تشویق شوند.

اسدپور سفر اخیر رئیس جمهوری به جزیره ابوموسی را اقدامی قابل ستایش توصیف کرد و گفت: این دیدار باید زودتر از این نیز انجام می شد و سفر مقامات ملی به جزایر جنوبی کشور، این مناطق استراتژیک را در کانون توجهات قرار خواهد داد.

وی به تلاش های ناکام امارات متحده عربی در سال های اخیر برای تغییر بافت جمعیتی جزایر جنوبی ایران از جمله ابوموسی اشاره کرد و گفت: برخی کشورهای عربی تصور می کردند می توانند برنامه ای که برای تغییر بافت جمعیتی بحرین اجرا کرده اند برای جزایر جنوبی ایران نیز به اجرا درآورند اما خوشبختانه مقامات ایرانی در دهه های اخیر با هوشیاری مانع تحقق این کار شده اند.

رئیس کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه خلیج فارس یادآور شد: از آنجا که هرگونه ادعای تاریخی، زمینه ساز تهاجم جغرافیایی است و زمینه دست اندازی به خاک کشور را فراهم می کند ادعاهای تاریخی کشورهای همسایه جنوبی ایران ممکن است با این هدف مطرح شود، بنابراین باید با درایت و ارائه اسناد مستدل در محافل بین المللی به مقابله با گسترش طرح این ادعاها برخاست. به گفته وی اسناد تاریخی بسیاری نشان می دهد که جزیره ابوموسی همواره جزو سرزمین ایران بوده و همچنان در حاکمیت این کشور باقی خواهد ماند.

به بهانه دیدار احمدی نژاد از جزیره ابوموسی

جزایر سه گانه همیشه ایرانی

زرتشت دوانی



در چند روزه اخیر خبر سفر محمود احمدی نژاد به جزیره ابوموسی، عکس العمل هایی را از سوی شیخ نشین های سواحل جنوبی خلیج فارس به دنبال داشت. گویی که آنها به خیال انکه ایران این شیر نیروند آرمیده دربوم آسیا، خفته است و هوشیار نیست، قصد بازی با دم شیر را می خواهد تجربه کند و به ادا و اتفار و گزافه گویی چموش بازی میپردازند و خلاصه گویا فضا را خالی دیده و جولان می دهند!

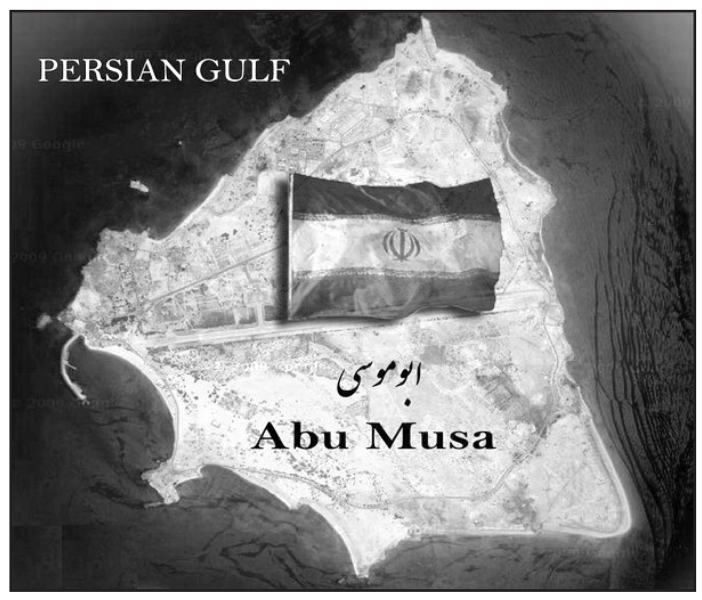
متاسفانه برخی مسئولین در ایران به وظایف ملی و حساس خود بی تفاوت هستند و افرادی نیز بخاطر چندر غاز منافع اقتصادی در دبی، که مثال چراغی در باد میباشد، منفعت شخصی را به مصالح ملی ترجیح می دهند و همین امر باعث شده که این شیوخ تازه تمدن رسیده، به واسطه درآمدهای نفتی دوران نوکیسه ای خود را به سر می برند به گمان خفته و بی توان بودن این شیر، خیالها در سر بپرورانند.

اما اینها باید بدانند روزی که شمشیر ایرانی به خشم از نیام بیرون آید، اشعه خیره کننده آن از تابش خورشید عالم گیر، همه شیوخ وبروج وآلونکهایشان را وادار می کند تا در غروب سوخته ای میان سواحل شنی خلیج فارس، فرو روند.

خوانندگان عزیز باید متوجه باشد که با احترام به هرگونه اعتقاد و اندیشه منفی و مثبت در مورد عملکردهای احمدی نژاد، وقتی پای صحبت از تمامیت ارضی ایران پیش می آید، اختلاف خانگی معنی دارند و وظیفه هر فرد وطن پرست میباشد که به دفاع از منافع ملی که همان حیثیت جمعی ملت ایران است، بپردازد.

و بر خلاف کسانی که معتقدند نبایست دست به عملی زد که تنش میان ایران و همسایگان پیش آید، باید گفت سفر و بازدید مقامات دولتی از نقاط مرزی بخصوص حساس، از با اهمیت ترین کارهایی است که میبایست صورت بگیرد بخصوص آنکه روحیه وطن پرستی ساکنین این نقاط، که بخاطر دور افتادگی از مرکز به نوعی بی کسی و تنهایی را ممکن است احساس کنند، دوچندان می نماید و در همین رابطه باید به احمدی نژاد نمره بالاتراز بیست را داد چرا که حداقل در طول تاریخ چند ده ساله اخیر ایران، اولین مقام بلند پایه ایرانی است که به این اقدام تاریخی دست زده است.

وقتی که به مطالعه تاریخ معاصر جنوب ایران می پردازیم بارهای بار افسوس آن را می خوریم که ایرانیان بیشماری در بحرین این فرزند جدا شده از ایران، می بودند که سر سختانه و بدون ذره ای توقع از حکومت مرکزی و بدون حمایت مالی و نظامی، با دستهایی خالی در برابر انگلیسی ها و قبیله های عرب تحت نفوذ شیوخ عربستان، به مقابله می پرداختند و حتی با فرستادن نامه ها و گزارش های محرمانه و سر باز، به روزنامه ها و ادارات دولتی ایران، از ظلم و جور این بیگانگان، استمداد کمک و حمایت می خواستند ولی افسوس که نفوذ قدرتمندانه انگلستان در ایران، مجال برخواستن دادرسی برای عدالت خواهی و گرفتن حق و حقوق این آزادی خوهان را نمی داد و متاسفانه امروز از دلاور گمنامی بنام شیخ حسین خان که در قلعه نادری واقع در جزیره خسب(؟)



پرچم ایران را افراشته بود و تا آخرین قطره خون و فشنگ در برابر انگلیسی های متجاوزگر برای سربلندی ایران به مقابله پرداخت، چیزی نمی دانیم.

همین بی تفاوتی هاو ناملایمات و دسیسه های بیگانگان و منفعت های شخصی بود که محمد رضاه شاه پهلوی در یک عمل زشت و ننگین در تاریخ معاصر ایران، بدون هیچ گونه مقاومت سیاسی و مناقشه نظامی در کنفرانس مطبوعاتی در سفر خود به هندوستان گفت: "اگر مردم بحرین خواهان پیوستن به کشورم [ایران] نباشند، ایران از ادعاهای سرزمینی اش نسبت به این جزیره خلیج فارس دست خواهد کشید". وی گفت: "چنانچه سیاست بین المللی خواهان آن باشد، ایران نیز خواست مردم بحرین را می‌پذیرد." شاه تأکید کرد "که ایران مخالف استفاده از زور برای حل مسأله ارضی بحرین است."

این اقدام نابخردانه شاه اولین قدم را بر استقلال بحرین و جدا شدن مادام عمر از ایران را به همراه آورد غافل از اینکه نه یک نفر و نه یک گروه و یا بهتر بگویم یک نسل نمی تواند در امر تغییر تمامیت ارضی یک کشور تصمیم گیرنده باشند، چرا که همانگونه که گذشتگان سرزمینی را برای ما به جای گذشتند و مانیز تعهد داریم با کوشش و اندیشه نیک، برای آیندگان امانتداری درستکار باشیم و گرنه در محکمه بی پایان تاریخ در جایگاه متهم، شرمنده و سرافکنده هستیم و نام خوبی از خود به یادگار نمی گذاریم.

قابل ذکر است که نگهدار یک سرزمین، سایر مردم آن سرزمین هستند که در تمام قرون تاریخ تلاش و جدیت از خود نشان دادند و به آبادی و نگهبانی سرزمین خود، خونها و جانها نثار نمودند. امروز اگر به نقشه ایران نظری بیفکنیم و به خطوط مرزی کج و راست سرزمینمان بنگریم، بی شک پی خواهیم برد که برای حفظ ذره ذره آن چه خونها از گذشته باستانی تا به امروز ریخته شده است. هرگاه که بخشی از وطن مورد تجاوز بیگانه قرار می گرفته از سراسر وطن از هر نژاد، زبان، نقطه جغرافیایی، فرهنگ، قوم و مذهب منافع شخصی را بکنار می گذاشته و زره رزم و پیکار را در برابر بیگانگان تجاوزگر می پوشیده و تا پای جان و فدا نمودن آن لحظه ای تردید نداشته اند.

از اینرو چهارچوب سرزمین میراث ناگسستنی فرد فرد ملت است، که در آن آبرو، شخصیت، اصالت، گذشته، فرهنگ، هنر ،شناسه (هویت) و کلاَ ارزشهای انسانی آنها را حفظ می کند و به همین دلیل است که نمی توان کشوری را به مانند گوشت قربانی شده ، سهمیه بندی نمود. متاسفانه بی تفاوتی و کم اهمیتی به مسائل مملکت از سوی فرد فرد جامعه، مقدمه ای بر فراموشی وقایع دردناک تاریخی است و به خوبی میدانیم که وقتی وقایع ای دردناک را فراموش نماییم، با دست خود کلید شمار معکوس دوباره تکرار شدن آن را روشن می نماییم.

در همین مورد بحرین، نه به صورت کتبی بلکه به صورت شفاهی از فردی مطلع که در جریان وقایع تاریخی آن روزگار بود شنیدم در هنگامه جدا شدن رسمی بحرین از ایران، گروهی آزادیخواه و وطن پرست بحرینی پرچم ایران را به نشانه پیوستن به دامان مادر خود یعنی ایران بلند نمودند، ولی متاسفانه در نهایت یتیمی و حمایت نشدن از طرف دولت مرکزی و یا حزب ملی در ایران، به چوبه دار و تیرباران شیوخ مزدور شده عربستان و انگلستان سپرده شدند.

حال فرض بگیریم که این جدایی صورت نگرفته بود و ما در دیگر سوی خلیج فارس، حضور رسمی و مقتدرانه داشتیم. آیا کسی به خود جرات و یا زحمت می داد برای خلیج همیشه پارس، نام جعلی انتخاب کند و یا چشم طمع به جزایر همیشه ایرانی بیندازد؟!

جالب است که بدانید در گذشته نه چندان دور، بندر بوشهر و بحرین بخاطر مبادلات فراوان کالا و خدمات به دو خواهر تشبیه می شدند و حتی آخرین بویه راهنما که از کانال شمال غربی بویه بحرینی شهرت داشت و برخی از دریانوردان، آن را دروازه بحرین می خواند.

شاید بر تا کید بنده به مسئله بحرین برخی خرده بگیرند و دلایلی نیز ذکر کنند ولی در جواب آنها به این گفته خردمندانه بسنده می کنم که «هرچند که به زور کالایی را از شما بگیرند و به کس دیگر دهند و شما هیچ گونه دسترسی و حق مالکیت آن را دیگر نداشته باشی ولی همیشه بخاطر خواهی داشت که آن کالا مال تو بوده وبه زور از توگرفته اند و... ».

بررسی برخی از اختلالات روانشناسی

رها هوشیار - کارشناسی ارشد روانشناسی

روانشناسی از نظام های علمی موجود است که قدمتی به درازای سایر علوم متأخر دارد و ریشه های آن را می توان درنوشته های فیلسوفانی چون افلاطون و ارسطو (سده های چهارم و پنجم) جستجو کرد ، اما به قول ابینگهوس ، قرن ۱۹ ، «روانشناسی پیشینه ای در گذشته ی دور با تاریخچه ای کوتاه دارد» .

در یک تعریف ساختارشکن از روانشناسی ، " روانشناسی عبارت از کشف دروغ هایی است که به خود می گوییم و تعیین حد و مرز راست هاست" . در این تعریف ، انسان موجودی است که نخست باید خود را فتح کند . در نتیجه صداقت تمام عیار با خود ، پایه ی روانشناسی است .این تعریف ، روانشناسی را با خود شناسی پیوند می زند .(محمدپور ، ۱۳۸۸)

روانشناسی امروز به حدود ۵۴ رشته و شاخه ی متفاوت از قبیل روانشناسی بالینی ، روانشناسی کودکان و کودکان استثنایی ، روانشناسی روانکاوی ، روانشناسی سلامت و .... تقسیم شده است . روانشناسی به مطالعه ی مفاهیمی چون هوش ، رفتار ، هیجان (احساسات) ، روابط درونی ، روابط اجتماعی و شخصیتی فرد می پردازد .

عوامل متعددی بر این نکته دلالت دارند که امروزه فشار زندگی بیش از گذشته است و همین موجب بروز ناهنجاری های مختلف همچون مصرف زیاد دارو های آرام بخش ، قرص های خواب آور ، سوء مصرف مواد مخدر و جنایات خشونت بار در جوامع می شود ، اما اکثر مردم به اختلالات روانی و ناهنجاری های اجتماعی دچار نمی شوند ، آنها به نحوی با مشکلات خود کنار می آیند و جایگزینی مناسب پیدا کرده و به فعالیت های روزمره خود ادامه می دهند.

در عین حال افرادی وجود دارند که در برابر مشکلات تسلیم شده و نمی توانند از عهده کار های خود برآیند و نیز افرادی هستند که سبک زندگی آنها بر مدار خود ویرانگری (Self-Destruction) می چرخد. این افراد و رفتارشان به عنوان ناهنجار (Abnormal) نامگذاری شده و از افراد و رفتار هنجار جدا شده اند . اما تعیین مرز مشخص بین هنجار و ناهنجار با وجود ملاک های متعددی که وجود دارد ، کار آسانی نیست .

یکی از کاربردی ترین گرایش های روانشناسی، روانشناسی مرضی است که با توصیف ، تشریح و طبقه بندی انواع اختلالات روانی در تشخیص و درمان این اختلالات به روان پزشکان و روان شناسان بالینی و مشاوران کمک زیادی می کند .



در این بخش برای افزایش آگاهی عموم ، به بررسی اجمالی و علمی یکسری اختلالات رایج جامعه می پردازیم. بررسی های مقوله های روانشناسی که مرتبط با روح روان انسان است با توجه به پیچیده گی های آن نیاز به تعمق و تأمل زیاد دارد. نگارنده قصد دارد ابتدا بطور ساده ، برخی موضوعات مرتبط با درون انسان و رابطه انسان با پیرامونش را به تحریر درآورد و به تدریج به موضوعات خاص تر که در جوامع مختلف وجود دارد بپردازد، امیدوارم توفیقی حاصل شده و در این کار هرچند کوچک ، خوانندگان هفته نامه را با این مطالب مربوطه آشنا نمایم.

یکی از اختلالاتی که امروزه در جامعه بشری شیوع روز افزونی پیدا کرده ، اختلالات خوردن است . طبق DSM-IV (راهنمای تشخیصی و آماری اختلال های روانی انجمن روان پزشکی آمریکا) اختلالات خوردن با اختلال شدید در رفتار خوردن مشخص می شوند. دو نوع متفاوت اختلالات خوردن در بزرگ سالان دیده شده است : ۱) بی اشتهایی روانی (anorexia nervosa) ، ۲) پرخوری عصبی (bulimia nervosa)

در پس هر دو اختلال ، ترس شدید از چاق شدن و کوشش زیاد در لاغر شدن دارد که بی رحم و گاهی کشنده است.

۱. بی اشتهایی روانی

بی اشتهایی روانی در چندین دهه ی گذشته بیشتر از دوره های قبلی و در دختران بیشتر از پسرها گزارش شده است. سن معمول شروع بین ۱۴ تا ۱۸ سالگی می باشد و شیوع آن معمولا بین ۱۰ تا ۳۰ سالگی است. همچنین در ممالک پیشرفته شایع تر است .

بی اشتهایی روانی از واژه ی یونانی بی اشتهایی و یک واژه لاتین که مطرح کننده ی ریشه ی عصبی است ، تشکیل یافته است . البته این تعریف بی مسمایی است، زیرا مشکل واقعی ، بی اشتهایی نیست و بی اشتهایی تا مراحل آخر بیماری بسیار نادر است. در پس بی اشتهای روانی ، ترس شدید از افزایش وزن یا چاق شدن ، همراه با امتناع از حفظ کردن وزن حتی به میزان کم ، قرار دارد .

بیماران مبتلا به این اختلال، رفتارهای غریبی در ارتباط با غذا نشان می دهند. در تمام قسمت های خانه غذاها را پنهان کرده و همیشه در جیب و کیف خود شکلات و شیرینی دارند . هنگام غذا خوردن خوراکی را روی دستمال سفره ی خود ریخته یا در جیب خود پنهان می کنند . غذاها را در بشقاب به قطعات ریز تقسیم کرده و رفتارهای غریب دیگری نیز در این رابطه از خود نشان می دهند . اگر در مورد رفتار غیر عادی آنها در ارتباط با غذا اشاره شود ، منکر غیر عادی بودن آن شده و سعی می کنند از بحث در مورد آن طفره روند . بی اشتهایی روانی غالباً با آشفتگی های تصویر تن ، تصور اینکه شخص علیرغم لاغری آشکارا اندامی حجیم دارد همراه است . سه ملاک اساسی برای این اختلال شامل ۱) گرسنگی کشیدن عمومی به حد قابل ملاحظه ۲) انگیزه ی پایان ناپذیر برای لاغری یا ترس بیمار گونه از چاقی ۳) علائم و نشانه های طبی ناشی از گرسنگی کشیدن (مثل قطع قاعدگی در سه دوره) .

دو نوع بی اشتهایی روانی مشخص شده است: ۱) نوع محدود کننده ۲) پرخوری / پاک سازی.

بیماران مبتلا به نوع محدود کننده ، انتخاب غذا را محدود می سازند، حتی المقدور کالری کمتری دریافت می کنند و غالبا ً در ارتباط با غذا و سایر موضوعات ، صفات وسواسی دارند .

در نوع پرخوری/ پاکسازی، بسیاری از این افراد با خوردن بدون کنترل مقادیری از غذا که خیلی بیشتر از غذائی است که اغلب افراد در زمان یکسان و تحت شرایط یکسان می خورند ، خورده و این پرخوری ها اقداماتی را برای تخلیه کردن یا بیرون ریختن غذاهایی که خورده اند از بدنشان ، به دنبال دارد. روش تخلیه کردن معمولا ً استفراغ عمدی یا سؤ استفاده از ملین ها ، مدّرات ، تنقیه ها را شامل می شود .

ظاهرا ً ترکیبی از عوامل اجتماعی فرهنگی و زیست شناختی، همراه با شخصیت آسیب پذیر و سایر فرآیندهای روانشناختی در مبتلا شدن به این بیماری سهیم می باشند.

بی اشتهایی عصبی یکی از مهلک ترین اختلال های روانی است . در این بیماران موی سر نازک و شکننده می شود ، ناخن ها نیز همین طور. پوست خیلی خشک شده و موهای کرک مانند روی صورت ، گردن ، بازوها ، پشت و پاها شروع به رشد کردن می کنند . پوست خیلی از بیماران مخصوصا ً کف دست آنها ، به زردی متمایل می شود. چون افراد مبتلا به این اختلال دچار سؤ تغذیه هستند ، در رابطه با سرما مشکل دارند . دست ها و پاهای آنها اغلب سرد و کبود می باشد. این بیماران در نتیجه ی فشار خون پایین ، اغلب احساس خستگی ، ضعف و سرگیجه می کنند .

آنچه لازم است خوانندگان عزیز توجه ی خاص به آن داشته باشند عدم تعمیم موارد مذکور به خود و دیگران با دیدن یکی از این علائم است . پیچیدگی و ویژه گی خاص این علائم در توان تشخیص متخصص و مشاور بوده و به سادگی قابل انطباق با کسی نیست و ارائه مطالب فوق الذکر صرفا ً جهت کسب اطلاعات عمومی است .

نگاهی کوتاه به جزیره ایرانی بوموسی یا بوموسا

عبدالحمید قیصری



موقعیت و اهمیت جزایر سه گانه را به هیچ وجه نمی‌توان از موقعیت و اهمیت خلیج فارس جدا در نظر گرفت. جایگاه و موقعیت این جزایر در قالب و محیط کلی خلیج فارس است که معنا می‌یابد اهمت تنگه هرمز بر کسی پوشیده نیست، تقریبا یک سوم نفت خام جهان از طریق همین تنگه به کشورهای مختلف صادر می‌گردد.

کنترل و حفاظت از تنگه هرمز نه تنها به نفع ایران بلکه به نفع تمام کشورهای منطقه خواهد بود. ایران ناگزیر است جهت اعمال دقیق حاکمیت و کنترل خود بر تنگه فوق‌العاده استراتژیک هرمز جزایر اطراف آن از جمله جزایر سه گانه را تحت کنترل و حمایت خود داشته باشد. جزایر سه گانه را می‌توان به عنوان تکیه‌گاههای دفاعی سواحل و بنادر جنوبی ایران و نقاط کنترل و نظارتی بر آبراههای ایران قلمداد کرد. البوکرک دریادار و کاشف بزرگ و معروف پرتقالی معتقد بود که حکومتی که سه تنگه باب المندب، تنگه هرمز و تنگه مالاگا را در اختیار داشته باشد در حقیقت بر جهان مسلط خواهد بود. جزیره ابوموسی تقریبا در میان آبهای خلیج همیشه فارس بین بندر لنگه و شارجه قرار دارد. فاصله این جزیره تا لنگه ۶۷ کیلومتر و از کرانه شارجه ۶۴ کیلومتر است. ما اگر بخواهیم فاصله آن را نسبت به سایر جزایر ایرانی واقع در خلیج فارس که همان امتداد سر زمین ایران است در نظر بگیریم، فاصله ابوموسی از ایران بسیار کمتر از فاصله آن تا شارجه می‌باشد.

چنانچه فاصله ابوموسی تا جزیره سری یا (سیری) ۴۵ کیلومتر و فاصله آن تا تنب بزرگ ۴۶ و تا تنب کوچک ۴۴ کیلومتر و بسیار مشخص واضح است که فاصله جزیره ابوموسی تا ایران به مراتب کمتر از فاصله آن تا امارات است.

این جزیره پستی و بلندی چندانی ندارد، اما هر چه به سمت شمال جزیره برویم ناهمواریهای آن بیشتر می‌شود تا اینکه در بخش شمالی آن به بلندترین نقطه جزیره یعنی کوه حلوا می‌رسیم. این کوه مخر وطی شکل و تیره رنگ است و یکصد ده متر ارتفاع دارد.

آب آشامیدنی ابوموسی از چاههای حفر شده در همین جزیره بدست می‌آید، به همین دلیل پوشش گیاهی در خور توجهی به ویژه به شکل نخلستان در بخشهایی از ابوموسی مشاهده می‌گردد.

معروفترین چیزی که ابوموسی را به آن می‌شناسند اکسید آهن است. مرکز آمار ایران وسعت جزیره ابوموسی را ۶۶ کیلومتر مربع برآورد کرده است. در نیمه جنوبی جزیره که تقریبا مسطح و پوشیده از خاک و شن، دو لنگرگاه وجود دارد. قایق‌های ماهیگیری و کشتی‌های بازرگانی می‌توانند در کنار آنها پهلوگیری نمایند. جزیره ابوموسی در طول تاریخ به نامهای بوموسی، بوموسا، بوموف، ابوموسی و گپ سوز نامیده شده است.

اما آنچه که از منابع بر می‌آید نام اصلی و تاریخی این جزیره بوموسی یا بوموسا بوده است.

عده‌ای بر این باورند که نام این جزیره بوموسی یا بوموسا می‌باشد که انگلیسها به عمد آن را در جهت مقاصد خاصی به ابوموسی تغییر داده‌اند؟

بوموسی نام یکی از یاران و سرداران لشکر میرمهنا بندر ریگی بوده است.

«میرمهنا بندر ریگی از محدود مبارزین ضد استعمار بود که با ۱۵ سال مبارزه و نبرد بی‌امان علم مبارزه برداشت و با یاران اندک و مسلح به علم و ایمان و دانائی با سلاحهای ابتدائی در مصاف با کشورهای استعمارگر هلند و انگلیس که با جنگ و دندان مسلح بودند به مبارزه برخواست و با بر افراشتن پرچم سیاه بر روی کشتیهای خود که جمله مقدس و مبار ک و دشمن شکن لا اله الا ... نقش بسته بود با قدرت معنوی که در خود سراغ داشت، به دشمنان که سر زمین او خلیج فارس از جمله خارگ را مورد تعرض و تعرف قر ار داده بودند، یورش برده و موفق شد به حضور مستمر بیش از یکصد چهل ساله استعمارگری هلندیها در خلیج فارس خاتمه دهد»

بوموسی با تنی چند از سربازان خود این جزیره را تصرف کرده و نام خود ر ا بر جزیره گذاشت و از این رو جزیره بنام جزیره بوموسی یا بوموسا نامگذار شد و بسیاری از سالمندان بنادر جنوب هنوز هم از جزیره بوموسا نام می‌بر ند.

انگلیسها پس از آنکه بر خلیج فارس تسلط پیدا کردند در جهت انداختن اختلاف نسبت به حذف و طرد نام و نشان عناصر ایران و ایر انی در سر اسر خلیج فارس، اقدام نمودند و عنوان ابوموسی را که ظاهر عربی داشت به طور رسمی جهت نامیدن این جزیره بکار بردند.

در سه قرن پیش جزیره ابوموسی به دلیل داشتن خاک سرخ، مورد توجه انگلیسی‌ها و هلندیها قرار داشت.

ابتدا هلندیها و سپس انگلیسی‌ها امتیازاتی در این خصوص گرفتند و از آن خارج شدند.

منابع
۱ـ زمانه ماهنامه اندیشه و تاریخ سپاس ایران معاصر سال سوم شماره ۲۸
۲ـ هفته نامه نسیم شماره‌های ۴۵۹ ـ۵۳۱ـ۵۳۷ـ۵۳۶
۳ـ سلطه‌جویان و استعمارگران در خلیج فارس ـ اسکندر دلدم
۴ـ هلندیها در خلیج فارس ـ ویلم فلور
۵ـ دریانوردی ایر انیان ـ اسماعیل رائین
۶ـ نام اصلی ابوموسی کیهان ۱۳۵۰/۹/۱۲

واکنش اعضای شورای شهر بوشهر به انتقاد جهانبخش

درخواست عذرخواهی و مناظره با استاندار

انتقادات استاندار از شهرداری و شورای شهر بوشهر با واکنش اعضاء آن مواجه شد. برخی اعضای شورای شهر بوشهر در واکنش به انتقادات استاندار معتقدند این واکنش تند جهان بخش پس از آن روی داده که آنها در جلسه علنی یکشنبه شب گذشته از مصوبه هیات دولت در هرمزگان انتقاد کرد و بجای استاندار، خواستار مداخله نماینده ولی فقیه در این خصوص شده اند. اشاره این اعضاء به مصوبه هیات دولت در سفر به هرمزگان و تصویب بومی عسلویه قلمداد کردن متقاضیان اشتغال این استان تا شعاع ۱۰۰ کیلومتری شهر عسلویه بود، اتفاقی که انتقاداتی را در رسانه های استان مبنی بر کاهش شانس پذیرش جوانان بوشهری در صنایع نفت و گاز و عدم اجرای مصوبه ۵۰ درصدی اشتغال در پی داشت . اعضای شورا نیز در واکنش به این اتفاق خواستار مداخله نماینده ولی فقیه شدند، چرا که به گفته شجاعی عضو این شورا امیدی به پیگیری استاندار نیست. گزارش «خلیج فارس» از اظهارات اعضای شورای شهر بوشهر در واکنش به انتقاد استاندار را در ادامه بخوانید:

مسعود شکوهی: آماده مناظره با استاندار درباره تاثیرگذاری عملکرد فرهنگی استانداری و موسسه فرهنگی ورزشی شهرداری هستم

رییس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر بوشهر با بیان اینکه اظهارنظر استاندار حاصل اطلاعات نادرستی بوده، افزود: اگرچه شان شورا را اجل از آن می دانم که وارد این بحث ها شود، اما چون این اظهارات رسانه ای شده و افکار عمومی را به چالش کشیده، لازم است نکاتی ذکر شود. مسعود شکوهی با بیان اینکه درخواست افکار عمومی و اعضای شورا از استاندار این است که به عنوان میهمان حرمت سفره ای را که بر آن قرار دارد نگاه داشته و به جای پرداختن به حواشی ، به وظایف قانونی استانداری بپردازد، افزود: جای تعجب است که چه اتفاقی روی داد که استاندار ۲ ماه پس از حضور در مراسم تجلیل از چهره های ماندگار بوشهر ناگهان به این نتیجه رسیده که شورا و شهرداری از مهره های سوخته سیاسی و فرهنگی تجلیل کرده است؟ آیا پخش کلیپ هایی در خصوص آیت الله بلادی و آل عصفور در آن مراسم آئین یا تقدیر از نویسنده ای که در دولت آقای احمدی نژاد کتاب هایش مجوز چاپ گرفته، مصداق چهره های سوخته می باشد؟ وی با بیان اینکه حوزه فرهنگ رفتارهای سلیقه ای و یک بام و دو هوا را نمی پسندد، افزود: در حالی استاندار مدعی است شهرداری و شورای شهر هیچ مشارکتی در مناسبت های مذهبی شهر ندارند اما واقعیت ها غیر از آن را نشان می دهد؛ چرا که این شورا به همراه موسسه فرهنگی ورزشی شهرداری افتخار برگزاری همایش بزرگ قرآنی با حضور آقای شاکر نژاد قاری برجسته کشوری، تجلیل از آقای هاشمی نفر اول مسابقات بین المللی قرائت قرآن، چاپ کتاب سرداران دفاع مقدس استان، همکاری با آن دسته از هیات های مذهبی که به موسسه فرهنگی ورزشی مراجعه کرده اند، نصب ۲۸ هزار متر مربع پارچه و بنر در خصوص مناسبت های مذهبی در شهر و اقدامات دیگری داشته که مستنداتش موجود است.

وی سپس به برخی دیگر از فعالیتهای موسسه فرهنگی هنری شهرداری بوشهر در زمینه مذهبی اشاره نمود.

آمادگی مناظره با استاندار

شکوهی با اشاره به درخواست استاندار مبنی بر همت عمومی برای عدم انتخاب اعضای کنونی شورای شهر بوشهر در دوره آینده افزود: اکنون که ایشان چنین درخواستی را مطرح نموده اند، بنده در صورت مجوز اعضای شورا این آمادگی را دارم که در خصوص عملکرد فرهنگی استانداری و شهرداری با مدیریت موسسه فرهنگی ورزشی با استاندار مناظره کنم تا مردم قضاوت کنند کدام نهاد در ان خصوص تاثیرگذارتر عمل کرده و کدام بخش تنها به حواشی و عملکرد کم اثر پرداخته است. اگرچه احساس می کنم آثار و برکات احیای قانون شوراها در دولت آقای خاتمی پس از ۱۲ سال برای افکار عمومی ملموس شده و تفاوت مدیریت در این دو بخش آشکار شده، چه اینکه بنده در حوزه دولتی و هم نهاد شورایی مسئولیت داشته ام و تفاوت عملکردها برایم کاملا عیان است. وی با بیان اینکه شورای شهر بوشهر خود را عاری از اشکال نمی داند، افزود: شهرداری برخلاف اظهارنظر استاندار معاونت فرهنگی ندارد و این موضوع نشان می دهد نیاز است استاندار اطلاعات خود را از مجاری رسمی و قانونی دریافت کند و ما نیز برای ارائه اطلاعات و مستندات آمادگی داریم تا ایشان از به کار بردن قید "هیچ حمایت مذهبی از سوی معاونت فرهنگی شهرداری در شهر نشده" را اصلاح کند.

شکوهی افزود: ابنکه اعضای شورا خواستار دیدار با آیت الله صفایی نماینده ولی فقیه در استان به منظور بیان دغدغه هایشان در خصوص مصوبه دولت در هرمزگان شدند، به این خاطر است که عملکرد و دغدغه های استاندار را دیده اند و تشخیص شان آن بوده که پیگیری موضوع از مسیر دیگری غیر از ایشان اثربخش تر است.

امان الله شجاعی: استاندار تهدید کرده کسی به من نزدیک نشود

منتخب اول بوشهر در شورای سوم شهر نیز در سخنانش از اظهارنظر استاندار مبنی بر احتمال قطع اعتبارات شهرداری انتقاد کرد و گفت: کشور قانون بودجه نویسی دارد و استاندار هم قدرت مطلق نیست که بتواند دست به این کار بزند، اما اگر با همکاری برخی کلید این کار را زد، عملا مردم مرکز استان را تهد ید کرده وبه چالش کشیده است.

امان الله شجاعی افزود: بیکاری منشاء بسیاری از آسیب های اجتماعی است و اعضای شورا نیز براین اساس مصوبه جدید هیات دولت در هرمزگان که تا شعاع ۱۰۰ کیلومتری این استان را بومی عسلویه اعلام کرده و در چالش با مصوبه قبلی دولت در بوشهر مبنی بر سهم حداقل ۵۰ درصدی برای آنها در استخدام صنایع نفت و گاز بوده، مورد انتقاد قرار داده و خواستار پیگیری موضوع از طریق نشست با آیت الله صفایی بوشهری شده؛ چرا که عملکرد و دغدغه استاندار در مدت حضورش در بوشهر را دیده و به چنین نتیجه ای رسیده اند.

شجاعی افزود: آیا پاسخ این انتقاد باید تهدید به قطع اعتبارات



شهرداری باشد؟ در حالی که بودجه نویسی مملکت فقط سیاه نویسی نیست و شما هم قدرت مطلق را ندارید که دست به قطع اعتبارات شهرداری بزنید؛ حتی اگر با همکاری برخی توانستید این کار را انجام دهید، عملا کوچه ها آسفالت نشده و خرابی ها اصلاح نمی شود و در گام دوم با این حرکت سخنگویان مردم را در استان تهدید کرده اید که به حریم شما نزدیک نشده و انتقادی علیه استاندار مطرح نکنند. رییس مرکز پژوهش های شورای شهر بوشهر ادامه داد: در همین شرایط نیز در اعتبارات استانی حقوق مرکز استان به درستی داده نمی شود و ۲ میلیارد تومان کمتر از سال قبل از برای شهرداری شد. وی افزود: شهرداری بندر بوشهر اکنون نزدیک به ۵۰ میلیارد تومان از دستگاههای دولتی طلب دارد که برای پرداخت آن، شهردار پیگیری هایی با شما انجام داد که اگر این مهم را در دستور کار قرار می دادید اکنون هزینه ۱۴ میلیارد تومانی آسفالت تمام کوچه های خاکی مرکز استان بدون کسب هزینه مشارکت از شهروندان به دست آمده بود.

استاندار از دادن لقب مهره های سوخته به چهره های ماندگار عذرخواهی کند

امان الله شجاعی با بیان اینکه استاندار باید بابت دادن لقب چهره های سوخته به آنهایی که در روز بوشهر مورد تجلیل قرار گرفتند عذرخواهی کند، افزود: دریابندری نویسنده ای است که آثارش مجوز انتشار دارد، دالکی زاده نیز اقداماتش در خصوص علوم نجوم که وظیفه ذاتی اش نبوده مورد تجلیل قرار گرفته و حتی استاندار از پیشنهاد وی برای احداث آسمان نمای بوشهر استقبال کرد و وعده حمایت داد، دکتر ملک زاده نیز چهره ای است که بسیاری از ساکنان قدیم بوشهر پس از حکم خدا دستان وی را در بهبود خود موثر می دانستند؛ آیا می توان به این چهره ها لقب مهره سوخته داد؟ وی در پایان افزود: نگران اظهارنظر و انتقاد شما از شورای شهر نیستم چرا که خود را از اشکال مبرا نمی دانیم، اما اینکه در مواجهه با انتقاد اعضای این شورا درباره مصوبه دولت اینگونه تهدید به قطع اعتبارات شهرداری کرده و به چهره هایی که در حضور خودتان تجلیل شده و سوابق شان روشن است لقب مهره سوخته دهید، در شان مردم بوشهر به عنوان مرزداران خلل ناپذیر جنوب کشور نیست و انتظار است استاندار ضمن عذرخواهی ای این اقدام، اظهاراتش را اصلاح کند.

غلامرضا قادریان: نماینده دولت در استان نباید باعث دو دستگی شود

عضو دیگر شورای شهر بوشهر نیز در اظهارنظری گفت: همه مدیران و مسئولان با وجود فعالیت برای بهبود حوزه تحت مدیریت شان یقیننا اشکالاتی دارند، اما اینکه در نشستی عمومی به صورت مبهم این موارد از سوی استاندار عنوان شود، فکر نمی کنم نتیجه موثری داشته باشد و تنها منجر به دو دستگی می شود. غلامرضا قادریان افزود: اگر با روندی که استاندار مدنظر دارد قرار است مشکلات و ایرادات دستگاهی نظیر شورا و شهرداری رفع شود، پس آن را برای بقیه نهادها دنبال کند، اما بنده معتقدم این رویکرد تنها منجر به دو دستگی می شود.

قادریان ادامه داد: چندین بار شورا درخواست ملاقات با استاندار را داشته که اگر به این درخواست ها پاسخ مثبت داده می شد، طرح ایرادات در نشست های دو طرفه تاثیرات بهتری در پی می داشت.

حمیده ماحوزی: واکنش استاندار پاسخ خوبی به انتقاد شورا نبود

نایب رییس شورای شهر بوشهر نیز گفت: اظهارات شکوهی به عنوان سخنگوی شورا در پاسخ به انتقاد استاندار مورد پذیرش بنده می باشد.

حمیده ماحوزی گفت: اینکه اعضای شورا از وضعیت اجرای مصوبه اشتغال جوانان گلایه کرده و خواستار پیگیری آیت الله صفایی باشند، نباید با این واکنش استاندار و تهدید شهروندان مرکز استان به قطع بودجه شان منجر شود، از این رو انتظار می رود استاندار در خصوص این موضوع توضیح دهد و سخنانش را

داریوش پوربهی: همین حالا استانداری سهم مرکز استان را کامل نمی دهد

رییس کمیسیون عمران شورای شهر بوشهر با بیان اینکه انتقاد از مصوبه دولت در هرمزگان به دلیل دغدغه اعضای شورابود گفت: اگر نمایندگان مردم از آنچه نگرانی ایجاد می شود چیزی نگویند، عهدی که با موکلان شان بسته اند باطل می شود.

داریوش پوربهی گفت: تهدید استاندار به قطع بودجه شهرداری در شرایطی می باشد که هم اکنون نیز این رفتار آغاز شده و بودجه مرکز استان از سوی استانداری کامل محقق نمی شود. طوری که سال ۹۰ با وجود افزایش هزینه ها، ۲ میلیارد از اعتبارات استانی شهرداری کسر و آن را به ۷ میلیارد تومان رساندند.

پوربهی ادامه داد: با این حال شهرداری به همراه پرسنل خود توانست بخش عمده ای از پروژه ها را به سرانجام رسانده و آبرومند سال را تمام کنیم. وی گفت: اعتبارات شهرداری قبل از تهدید اخیر استاندار نیز متوقف بود، همچنان که بیش از ۲ میلیارد تومان اعتبار مدیریت پسماند شهر بوشهر که از سوی شهرداری پیگیری شده بود به نقاط دیگری در استان رفت و استاندار در خصوص وضعیت جاده تنگک، خروجی دوم شهر بوشهر یا آسفالت کوچه ها به کمک ما نیامده است.

رییس کمیسیون عمران شورای شهر ادامه داد: پیش از این درخواست اعضای شورا برای دیدار با استانداران در زمان تبادار، افزاشته و حتی شفقت با پاسخ مثبت آنها مواجه می شد، ولی مدتهاست درخواست این شورا برای دیدار با جهان بخش و طرح مشکل به منظور همکاری استانداری نتیجه ای نداشته است.

نصرالله اسدی: درخواست برگزاری نشست نزدیکی قلوب شورا و استاندار

عضو سه دوره شورای شهر بوشهر نیز در سخنانی خطاب به استاندار بیان کرد: طرح نگرانی اعضای شورا از وضعیت مصوبه ۵۰ درصدی دولت برای اشتغال جوانان استان به دلیل تاثیرات بیکاری بر آسیب های اجتماعی و نرخ دو رقمی بیکاری استان می باشد، ضمن اینکه شما نماینده عالی دولت هستید و احتمال دارد برای پیگیری مصوبه جدید هیات وزیران دچار محذوریت هایی باشید که نماینده ولی فقیه آنها را ندارد؛ از این رو درخواست مداخله آیت الله صفایی بوشهری را درباره مصوبه جدید دولت در هرمزگان داشتیم.

محمدی: همچنان تعامل خود را با استانداری و فرمانداری ادامه می دهیم

رییس شورای شهر بوشهر نیز در سخنانی تاکید کرد: به نسبت به اقدامات عمرانی و خدماتی شهرداری بوشهر، اطلاع رسانی خوبی انجام نشده که انتظار است در آستانه روز شوراها این مهم پیگری شود تا منجر به ابهام برای مسئولان و شهروندان نشود. اردشیر محمدی باغملایی ادامه داد: هدف اعضای شورا از این اظهارات ایجاد چالش تازه ای نبود، بلکه در راستای دفاع از حقوق مردم و تنویر افکار عمومی مطرح شد.

محمدی باغملایی افزود: شورای شهر همچنان بر تعامل مثبت و سازنده با نماینده عالی دولت در استان و شهرستان پایبند بوده و بنای کار سیاسی ندارد، ضمن اینکه اگر انتقادی هم از یکدیگر داریم، در چارچوب قانون و آزادی فراهم شده در سایه جمهوری اسلامی آن را عنوان می کنیم.

جهان بخش: اعتبارات شهرداری بوشهر را متوقف می کنیم

شهرداری با استفاده از بیت‌المال برای نبش قبر مهره‌های سوخته فرهنگی و سیاسی هزینه می‌کند



جهان بخش در آئین بزرگداشت چهره های ماندگار بوشهر؛ مراسمی که به عقیده وی از مهره های سوخته تجلیل شد

استاندار بوشهر گفت: اگر شهرداری و شورای اسلامی شهر بوشهر همچنان به نبش قبر مهره‌های سوخته سیاسی و فرهنگی بپردازند، اعتبارات شهرداری را متوقف می‌کنیم.

فارس گزارش داد: محمدحسین جهانبخش در نشست شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر اظهار داشت: شهرداری با استفاده از بیت‌المال برای نبش قبر مهره‌های سوخته فرهنگی و سیاسی هزینه می‌کند و این برای همه ما هشدار است.

وی افزود: این امر به زخمی بر بدنه انقلاب تبدیل شده در حالی که ما ساکت نشسته‌ایم و نظاره می‌کنیم.

جهانبخش ادامه داد: با همت همه در انتخابات سال آینده (شوراهای شهر) باید پرونده چهره‌های سوخته فرهنگی و سیاسی برای همیشه جمع شود.

استاندار بوشهر یادآور شد: اگر شورای اسلامی شهر بوشهر رویکرد سیاسی دارد نباید از بیت‌المال هزینه کند.

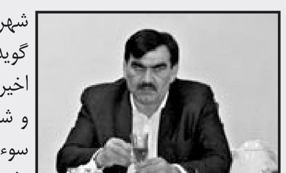
وی با تاکید بر جلوگیری از انجام چنین حرکت‌هایی در شهر و استان بوشهر تصریح کرد: حیف است در استان ولایتمدار بوشهر با مردمی متدین، مذهبی و نجیب این حرکت‌ها انجام شود.

جهانبخش بیان کرد: نبش قبر مهره‌های سوخته سیاسی و فرهنگی در هیچ جای کشور دیده نمی‌شود و همه این چهره‌ها را از یاد برده‌اند.

استاندار بوشهر با گلایه از عدم مشارکت شهرداری در مناسبت‌های مذهبی گفت: معاونت فرهنگی شهرداری در هیچ کدام از مناسبت‌های مذهبی در شهر مشارکت ندارد.

توسلی شهردار بوشهر:

اظهارات استاندار درباره شورا و شهرداری بوشهر ناشی از یک سوء تفاهم بود



شهردار بندر بوشهر می گوید: معتقدم اظهارنظر اخیر استاندار درباره شورا و شهرداری ناشی از یک سوء تفاهم بوده و قابل رفع است.

فضل الله توسلی در گفتگو با «خلیج فارس» در خصوص اینکه موضع شهردار درباره اظهارنظر اخیر استاندار در شورای فرهنگ عمومی درباره اینکه در شورا و شهرداری از مهره های سوخته سیاسی و فرهنگی تجلیل می شود و تهدید وی به قطع اعتبارات شهرداری بوشهر چیست؟ گفت: آئین بزرگداشت روز بوشهر و تجلیل از چهره های ماندگار و شهروند افتخاری با حضور استاندار برگزار شد و سوابق این چهره ها نیز مشخص و روشن است، ضمن اینکه ایشان ساعتی پیش از جلسه شورای فرهنگ عمومی و انتقاداتی که رسانه ای گردید، در نشست هماهنگی بزرگداشت روز ملی خلیج فارس در دفتر شان با شرکت شماری از مدیران استان و فرماندهان نظامی که بنده نیز حضور داشتم، از عملکرد شهرداری برای پاکیزگی شهر در نوروز تقدیر کرده و عملا نگاه و پالس مثبتی را به خدمتگزاران شهری ارسال کردند.

توسلی با تاکید بر اینکه معتقدم انتقاد اخیر استاندار ناشی از سوء تفاهم بوده که قابل رفع است، ادامه داد: در آستانه بزرگداشت روز خلیج فارس که امسال با حضور عالی ترین مقام اجرایی کشور در بوشهر برگزار می شود، از آنجا که بوشهر بیشترین نقش را در اقتصاد کشور دارد، باید به پاس قدردانی از مرزداران غیور بوشهری، تلاش شود اعتبارات مازاد دیگری در حوزه اشتغال، فعالیت های اجتماعی و ورزشی و زیرساخت های درمانی برای استان کسب شود.

پرونده ارتقاء روستای بهارستان به شهر به وزارت کشور ارسال شده است

فرماندار جم گفت: پرونده مربوط به ارتقاء روستای بهارستان به شهر، با انجام روال اداری مربوط به شهرستان و استان به وزارت کشور ارسال شده و به جد پیگیر این موضوع هستیم.

به گزارش خبرنگار «چگاسه»: خلیل عبدالهی که در جمع مردم بهارستان جم سخن می‌گفت با بیان این مطلب ادامه داد: در اواخر سال ۹۰ مبلغ ۱,۴ میلیارد ریال برای ادامه کار دیوار حفاظتی بهارستان مصوب کرده‌ایم که تخصیص این اعتبار نقش مهمی در تحقق خواسته‌ی مردم دارد.

عبداللهی تصریح کرد: سعی می‌کنیم اعتبار شایسته‌ای در سال جدید برای بهارستان در نظر بگیریم؛ همچنین در ارتباط با ایجاد پارک مجهز و استاندارد از رئیس بنیاد مسکن شهرستان می‌خواهم که بررسی انجام داده و گزارش آن را ارائه دهد.

فرماندار جم گفت: مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان نیز اعتبار برای راه ورودی بهارستان از سمت محله چاه‌گچی پیش‌بینی کرده‌ایم که به زودی محقق می‌شود.

واکنش استاندار به انتقادات شورای شهر بوشهر:

عملکرد شورای شهر و شهرداری بوشهر مورد بازرسی قرار گیرد



استاندار بوشهر گفت: از مسئولان دیوان محاسبات و سازمان بازرسی می‌خواهیم عملکرد شورای شهر و شهرداری بوشهر را بررسی و بازرسی کنند.

به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر محمدحسین جهانبخش در نشست با شورای اسلامی استان بوشهر اظهار داشت: شورای شهر و شهرداری بوشهر به کانون رویکردهای سیاسی شکست‌خورده تبدیل شده و هزینه‌های زیادی از بیت‌المال صرف اجرای برنامه‌های خلاف عرف می‌کنند.

وی افزود: استان ولایتمدار بوشهر ریشه در تاریخ ایران دارد و امروز عده‌ای بی‌مسئولیت دارند جایگاه این استان را خراب می‌کنند اما مردم این حرکت‌های خلاف عرف را نمی‌پذیرند.

جهانبخش اضافه کرد: شورای اسلامی و شهرداری موظف است خدماتی را که شایسته این مردم است به آنان ارائه کنند و انصاف نیست در انجام وظایف خود اینگونه عمل کنند.

وی ادامه داد: بوشهر نیازمند زیباسازی، اجرای پروژه‌های عمرانی شهری و تغییر مبلمان شهری است و شهرداری به جای هزینه‌های آنچنانی و بیهوده و فشاری که بدنه شهرداری تحمیل کرده به شهر برسد.

استاندار بوشهر یادآور شد: دو سوم درآمد شهرداری‌ها صرف پرداخت حقوق کارکنان می‌شود این امر باعث شده نتوانند به وظایف ذاتی خود که عمران و زیباسازی است عمل کنند.

جهانبخش با بیان اینکه شوراها باید منشأ خدمات به مردم باشند تصریح کرد: درست است که سیاست ما عین دیانت ماست اما سیاسی شدن شوراها یک آفت بزرگ است و هر جا شوراها سیاسی شده‌اند نتوانسته‌اند به وظایف قانونی خود عمل کنند.

جهانبخش افزود: در مورد عملکرد شهرداری و شورای اسلامی شهر بوشهر واقعیت‌هایی عنوان کردیم که آنان در سایت‌های مختلف مطالبی نادرست نوشتند، بنای پاسخگویی به آنان را نداریم بلکه تکلیف خود می‌دانیم که مسائل و واقعیت‌ها را بیان کنیم.

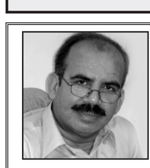
وی بیان کرد: هنوز روی دیوارهای شهر شعارهای مرگ بر شاه و مرگ بر صدام که متعلق به دوران انقلاب و هشت سال دفاع مقدس است دیده می‌شود و برای پاکسازی آنها اقدامی نشده است.

استاندار بوشهر گفت: آستانه تحمل ما بالا است اما حق مردم بوشهر این نیست و مردم شورای شهر را برای آنچه امروز انجام می‌دهند انتخاب نکرده‌اند.

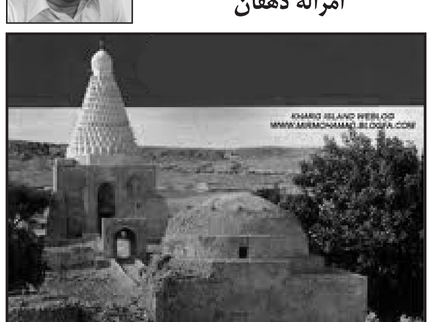
جهانبخش اظهار داشت: شهر بوشهر پیشانی استان است و با توجه به ظرفیت‌های استان همه باید برای زیباسازی شهر کمک کنند و مردم شایسته خدمات بزرگ هستند و امیدواریم بتوانیم وظایف خود را به نحو مطلوبی انجام دهیم.

وی یادآور شد: با توجه به تعامل خوبی که بین شورای اسلامی استان و دستگاه‌های اجرایی وجود دارد، از این فرصت فراهم شده در راستای توسعه استان بهترین بهره را ببریم.

یا میر محمد...



امراله دهقان



کار بر روی دریا، بدون نغمه ها ، یا به زبان محلی «نی مه» تحرک و جنبش لازم را نداشته و یا اصولا امکان پذیر نبود. این نغمات نه تنها در هنگام کار در دریا ، بلکه بعضی مواقع نیز برای جابجا کردن اشیا سنگین در خشکی یا برای هماهنگ شدن نیروی کارگران استفاده می شد. در بعضی مواقع نیز در یزله ها از این اشعار و نغمات استفاده می شود. این نوع موسیقی تاثیر زیادی در تهییج احساسات و تقویت نیروی جسمانی دارد.

نحوه ی اجرای نی مه به این صورت است که یک نفر به عنوان «سَردمدار» که او را به عنوان سرهنگ یا ناخدا می شناسند، وظیفه تکخوانی را به عهده دارد و بقیه افراد که شامل ملوانان و جاشوها می شوند قطعات و جواب های مخصوص هر نی مه را به سرهنگ می دهند...

نی مه «یا میر محمد»

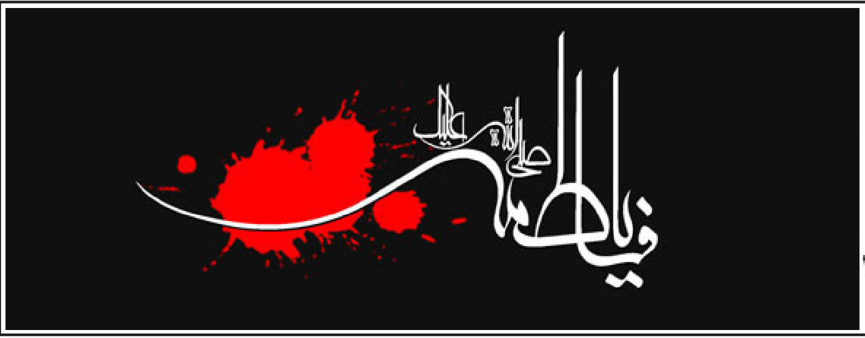
یا میر محمد ساکن الخارگی
دریا نشینی ساکن الخارگی
شمشیر به دستی ساکن الخارگی
تا بد نبینی ساکن الخارگی
یاالامحمد ساکن الخارگی
باشی انشاالله ساکن الخارگی
رحمان رحیمن ساکن الخارگی
یاالله کریمن ساکن الخارگی
کریم دایم ساکن الخارگی
دایم به الله ساکن الخارگی
الله بزرگی ساکن الخارگی
بزرگواری ساکن الخارگی
سی ما عیالی ساکن الخارگی
رزوی برسون ساکن الخارگی

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

• صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
• مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
• مدیر گرافیک : میثم قیصی زاده
• نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
• دفتر هفته نامه نسیم جنوب
• تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
• ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
• لیتو گرافی وچاپ : کارگر



ایرانجوان، جشن صعود به لیگ برتر را در لرستان می گیرد

سرمربی ایران‌جوان : دوست داشتم در بازی دوم پلی‌آف میهمان باشیم



قرعه‌کشی میزبان دیدار رفت و برگشت پلی‌آف لیگ دسته اول در محل فدراسیون فوتبال بین تیم‌های ایران‌جوان بوشهر و گهر زاگرس برگزار شد و بر همین اساس ایران‌جوان در بازی رفت در بوشهر میزبان این دیدار شد و گهر نیز بازی برگشت را در لرستان میزبانی خواهد کرد. همچنین تاریخ این دیدار نیز دستخوش تغییر شد و در حالی که قرار بود این دیدارها در تاریخ‌های ۸ و ۱۴ اردیبهشت برگزار شود به روزهای ۱۲ و ۱۹ اردیبهشت سال جاری موکول شد.

پیش از این پیکان و آلومینیوم از ۲ گروه لیگ دسته اول به رقابت‌های لیگ برتر فوتبال صعود کرده بودند و برنده دیدار ایرانجوان و گهر نیز به عنوان تیم سوم به لیگ برتر راه خواهد یافت.

عبدالرحیم خرمزی در خصوص قرعه‌کشی مرحله پلی‌آف لیگ دسته اول فوتبال عنوان کرد: برای من فرقی نمی‌کرد که بازی اول میزبان باشیم یا بازی دوم.

برخلاف آنچه همه تصور می‌کردند دوست داشتم بازی دوم را بیرون از بوشهر برگزار کنیم.

سرمربی ایران‌جوان ادامه داد: نسبت به بازیکنان خود شناخت دارم و می‌دانم که از لحاظ روحی و روانی شرایط مناسبت‌تری در بیرون از بوشهر دارند. به هر حال شانس هر دو تیم ۵۰ درصد است و هر تیمی که بهتر بازی کند می‌تواند راهی لیگ برتر شود. تیمی که ادعای لیگ برتری دارد نباید میزبان در بازی اول یا دوم فرق کند.

وی خاطرنشان کرد: من به مسئولان فدراسیون فوتبال اعتماد دارم. سال گذشته فجر سپاسی بازی دوم میهمان بود و دو سال پیش نیز صنعت نفت بازی دوم را خارج از خانه برگزار کرد. به هیچ عنوان چنین مسائلی ملاک صعود تیم به لیگ برتر نیست. هر تیمی بخواهد با راه‌های غیر فوتبالی به لیگ برتر برود مطمئن باشید دوام نخواهد آورد و به سرعت سقوط می‌کند.

مساوی شاهین در برابر تیم استقلال و ترکی



نیمه اول: هر دو تیم می دانستند چه می خواهند و توقع می رفت بر اساس این خواسته گام به میدان بگذارند اما روند بازی بگونه ای بود که این را نشان نمی داد. کسب سه امتیاز برای میزبان و میهمان از نان شب واجب تر بود ولی تراکم هافبک های دو تیم نشان از آن داشت که مربیان آنها به بستن کمربند میانی بیش از هرچیزی اهمیت داده اند.

مجتبی جباری طراح استقلالی ها بود و جی لوید ساموئل او را پوشش می داد تا با فراغ بال بیشتری بازی را اداره کند. در نقطه مقابل اما پترووویچ نتوانست نقش یک طراح و بازیساز را ایفا نماید و این کفه ترازو را به نفع استقلالی ها سنگین تر می کرد. شریفات روی بازی های بدون توپ یرکوویچ می توانست خود را در عمق دفاع حریف به بازیکن صاحب توپ استقلال نشان بدهد و همین امر او را صاحب دو موقعیت جدی کرد که هردو را از دست داد. بی تردید در این نیمه برتری نسبی به خصوص در مالکیت توپ با آبی های میهمان بود هر چند در اواخر نیمه اول شاهینی ها با شوک دو فرصتی که شریفات از دست داد کمی به خود آمد و بازی را به نیمه استقلال کشاند و کم کم به دروازه استقلال نزدیک شد و به گل هم رسید.

نیمه دوم: شاهین که اواخر نیمه اول ریتم هماهنگی یافته بود به یکباره در آغاز نیمه دوم دست به تعویضی زد که با آنچه انتظار هواداران از تیم بوشهری انتظار داشتند مغایر بود. کشاندن نظرزاده به یک خط جلوتر در حالی می توانست مفید باشد که مدافع پشت سر وی فاصله استاندارد با او را رعایت کند اما شکوری زوج خوبی برای وی نبود. استقلال کناره هایش را تقویت کرد واز تراکم در میانه میدان کم نمود تا به آنچه می خواهد برسد. استقلال و شاهین در اواخر بازی با مشکلات بدنی مواجه بودند و همین سبب گردیده بود تا سرعت انتقال بازی از دفاع به حمله و بالعکس نزد دو تیم بسیار مشهود بود. در این مصاف هر دو تیم در دقایق آخر میل چندانی به بردن نداشتند. دیداری که آفساید نداشته باشد نشان می دهد که مدافعان تا چه اندازه نزدیک دو دروازه بودند و احتیاط چگونه بر اندیشه آنها پیله بسته بود.

شرح گل:(یک بر صفر–شاهین) روی یک ریباند توپ پشت محوطه جریمه به شکوه مقام رسید و او با شوتی که نواخت و با پای جباری تغییر مسیر یافت توپ به گوشه دروازه رفت.

(یک بر یک–استقلال) در حالی که روی طالب لو توسط بازیکن استقلال خطا صورت گرفت، محسن ترکی از گرفتن خطا به سوی شاهین خودداری نمود و رای به کرنر داد. ارسال یک کرنر با خروج اشتباه طالب لو همراه شد تا یرکوویچ با ضربه سر دروازه را باز کند.

اتفاق ویژه:استقلال بازهم مقابل شاهین نباخت و رکورد نباختن هایش را ادامه داد.

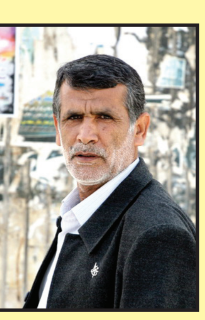
نامه دوانی به نماینده ولی فقیه درباره تغییر کاربری های ورزشی در بوشهر:

دست یاری به سوی جوانان این شهر بالا بزنید

رییس هیات فوتبال استان بوشهر در نامه ای به نماینده ولی فقیه در استان، از تغییر کاربری زمین های ورزشی من جمله زمین سپاهان ابراز نگرانی کرد. متن نامه محمد دوانی به این شرح است:

محضر مبارک نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه محترم بوشهر حضرت آیت الله صفائی بوشهری

با عرض سلام و احترام و آرزوی سلامتی برای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله امام خامنه ای مدظله العالی



لازم دیدم خاطر حضرتعالی را به نکته ای مهم که چند سالی است استان بوشهر را تحت تأثیر قرار داده و ضربات مهلکی بر پیکره ورزش و جوانان استان وارد نموده جلب نمایم. اگر حافظه یاری دهد زمین های اطراف میدان فعلی نیروی انتظامی مورد استفاده جوانان این شهر بود که توسط نیروی انتظامی خریداری و تبدیل به ساختمان ستاد شده است. در کوی شکری نیز یک قطعه زمین مناسبی بود که آن هم تبدیل به خانه و ساختمان شد. در صلح آباد، کوی مدرس و بیسیم قطعات زمینی وجود داشت که مورد استفاده جوانان علاقمند این شهر قرار می گرفت. حال از آن قطعات زمین فقط در جفره ماهینی، باغ زهرا و هلالی و سرتل قطعات زمینی وجود دارد که هیچکدام در تملک دستگاه ورزش و دولت نیستند و هر روز با مشکلات تملک مالکین یا عوامل دیگری مواجه هستند. یکی از معضلات اجتماعی که جوانان ما را تهدید می کند همین لغو کاربری زمین های با کاربری ورزشی به مسکونی است که نتیجه آن سردرگم شدن جوان ها خواهد بود. اخیراً زمین فوتبال واقع در محله هلالی که محل تجمع جوان ها و پرورش بازیکنان و بروز استعدادها می باشد و همه ساله مسابقات فراوانی در آن زمین برگزار می شود، توسط ستاد اجرائی فرمان حضرت امام (ره) به مزایده گذاشته شده و ظاهراً به فروش رسیده است.

سئوال اینجاست که آیا عزیزان متولی در ستاد اجرائی نمی دیدند و نمی دانستند که اینجائی را که دارند می فروشند چه استفاده ای می شود؟ به فکر تبعات آن نبوده اند؟ چه کسی پاسخگوی فسادهای بعد از تغییر کاربری این زمین فوتبال خواهد بود؟ متولیان دولت در استان، مسئولین فرهنگی ، اجتماعی، امنیتی و سیاسی چگونه از این امر مهم غافل شده اند؟ اگر مالک یا ستاد اجرائی قانوناً هم مالک این زمین شده باشند وظیفه دولت در این رابطه چیست؟ در این استان و این شهر چه اقداماتی جهت ایجاد زیرساخت ها و زمینه های فعالیت جوان هایمان ایجاد کرده ایم؟

اگر بررسی کنیم قطعاً سیر نزولی از ۳۰ سال پیش تاکنون در بعد ایجاد زیرساخت ها بویژه در محلات شهرهایمان داشته ایم. بررسی بفرمائید در تهران، شهرداری ده ها زمین چمن طبیعی و مصنوعی و سالن های ورزشی ایجاد کرده و به صورت مجانی در اختیار مردم بویژه جوانان قرار داده است ولی در بوشهر کدام محله را یا چند محله را آماده و یا صاحب یک مکان ورزشی نموده ایم؟

حال زمین ۶۰–۵۰ ساله هلالی در خطر جدی واگذاری و تغییر کاربری ورزشی است و احتمالاً در آینده نزدیک ساختمان های متعددی در آنجا ساخته خواهد شد که این جمله را در ذهن ها تداعی خواهد کرد که هرجا کاخی را دیدیم بر روی کوخی ساخته شده بود و آثار بی عدالتی در آنجا به چشم خواهد آمد و در نهایت افسوس و انحراف جوان ها و ساکنین این محله و محلات بعدی را در پی خواهد داشت. لذا عاجزانه از حضرتعالی درخواست داریم دست یاری به سوی جوانان این شهر بالا بزنید و یا این زمین توسط دولت خریداری و برای ورزش جوان ها اختصاص یابد یا اینکه از طریق دفتر مقام معظم رهبری و ستاداجرائی این زمین به مردم بوشهر هدیه گردد تا به ورزش جوان ها اختصاص یابد.

محمد دوانی رئیس هیأت فوتبال استان بوشهر

حسین ماهینی سرخابی می شود یا لژیونر؟!

PTFBU.IR:حسین ماهینی مدافع ملی پوش ذوب اهن اصفهان یکی از ستاره های پر مشتری فصل آتی لیگ برتر به شمار می رود . مدافع ۲۵ ساله تیم ملی ، این فصل قرارداد دو ساله اش با ذوب اهن در حالی به پایان می رسد که به جرات میتوان او را یکی از گرانترین مدافعان فصل آتی لیگ برتر نامید. پرسپولیس و استقلال دو خواهان پروپاقرص حسین هستند. دنیزلی علاقه خاصی به او دارد و حتی در جمعی خودمانی عنوان کرده کمتر مدافعی را دیده ام که مثل ماهینی قابلیت بازی در دو جناح را داشته باشد. سپاهان دیگر تیم اصفهانی هم به شدت در پی جذب مدافع راست ذوب اهن است. سپاهانی ها بعد از جدایی خسرو حیدری دل به دو مدافع بومی خود یعنی ابوالحسن جعفری و مهدی جعفرپور بسته بودند که هیچ کدام نتوانستند آنچنان که باید و شاید موفق باشند . ماهینی از حضور در اصفهان راضی است ، باید دید نصف جهانی ها می توانند او را راضی به ماندن کنند یا خیر ؟!



پیشنهاد اغوا کننده مس کرمان هم به تازگی برای حسین ارسال گردیده ، کرمانی ها که از معدود باشگاه های فوتبال ما هستند که هیچگاه پرونده مالی در کمیته انضباطی نداشته اند می خواهند شاه ماهی بوشهری را جذب کنند . بر همین اساس از طریق یکی از همبازیان حسین در تیم ملی پیشنهاد حضور در کویر را مطرح کرده اند اما به نظر می رسد اولویت حسین ماهینی برای فصل اتی حضور در جام باشگاه های آسیا است.

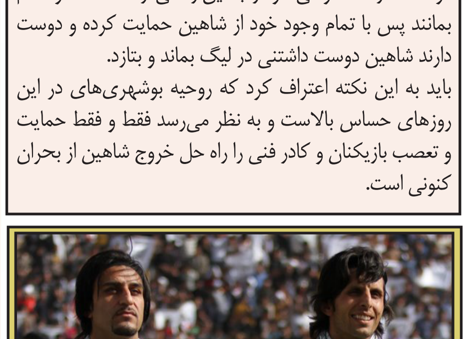
در کنار اینها پیشنهادات چشم گیری از قطر و امارات و حتی کره جنوبی را اضافه کنید . بخصوص قطری ها که مبلغ پیشنهادی انها بالغ بر یک میلیون دلار است.

باید دید پسر خوش استیل بوشهری که کی روش او را یکی از آینده های فوتبال ایران می داند فصل آینده را در چه تیمی سپری خواهد کرد.

ایستادگی و استقامت تا آخرین لحظه ، شعار هواداران شاهین

به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، شاهین بوشهر که در طول سه فصل حضورش در لیگ برتر همواره با فراز و فرودهای مواجه بوده در لیگ فعلی این احتمال می‌رفت تا وضعیت تیم بهتر شده و بازی‌های بهتری از شاهین به نمایش درآید، اما مشکلات مالی و مدیریتی در این باشگاه هیچ گاه اجازه نداد این تیم و هوادارانش با خیالی آسوده رقابت‌های لیگ برتر را تماشا کنند. با وجود تمام مشکلاتی که شاهین داشته و دارد اما این هواداران دو آتشه و خونگرم این تیم بودند که در سرما و گرما حامی شاهین بوده و همیشه از امید حرف می‌زدند، حتی این روزها که شاهین اوضاع خوبی ندارد نیز هواداران این تیم با رد و بدل کردن پیامک‌هایی از امید و موفقیت شاهین در چهار بازی آینده حرف می‌زنند. شاهینی‌ها در پیامک‌های خود آورده‌اند" خصوصیات بندر نشینی: سر سختی، سخت کوشی، امید: پس سرسخت ایستاده‌ایم، سخت می‌کوشیم و امیدواریم به غیرت مردانمان و تعصبت عباس، مسعود، امجد، محسن، لک و ایوان و غیرت هواداران". یا در پیامکی دیگر آمده است: " شاهین: ش: شهامت، الف: ایستادگی، ه: همت، ی" یکدلی و نون: نماد بزرگی. همه این‌ها و دیگر پیامک‌ها و شعارهای این روزها در بوشهر حاکی از این است که مردمان خونگرم و نجیب این دیار کهن ایران اسلامی به تیم محبوب خود عشق می‌ورزند و دوست ندارند دلخوشی خود را به این راحتی از دست داده و ناکام بمانند پس با تمام وجود خود از شاهین حمایت کرده و دوست دارند شاهین دوست داشتنی در لیگ بماند و بتازد.

باید به این نکته اعتراف کرد که روحیه بوشهری‌های در این روزهای حساس بالاست و به نظر می‌رسد فقط و فقط حمایت و تعصب بازیکنان و کادر فنی را راه حل خروج شاهین از بحران کنونی است.



زرنگ بازی رفقا!

فوتبال جنوب: روز دوشنبه یازدهم اردیبهشت قرار است نماینده باشگاه شاهین با حضور در فدراسیون در مقابل ادعای سه شاکی از حقوق باشگاه دفاع کند. در این روز به طور همزمان به شکایت محمود شافعی، هادی شکوری و وحید طالب لو مبنی بر مطالبه وجه قراردادشان رسیدگی خواهد شد. این که دو تن از بازیکنان در آستانه دوبازی تا پایان فصل توانسته اند وقت رسیدگی بگیرند هم ناشی از زرنگ بازی آنهاست. بی تردید نماینده باشگاه در آن جلسه نمی تواند ادعاهای آنها را رد کند یا حرف از قراردادهای بالاتر از سقف این دو نفر بزنند یا حتی مطابق عرف چنین جلساتی از تخفیف سخن بگوید. چه اگر اینچنین کند در بازی ۱۷اردیبهشت با سایپا و ۲۲اردیبهشت با راه آهن هر اتفاقی ممکن است رخ دهد. تنها می توان گفت که بله آنها طلبکارند و بر اساس این « بله» گفتن رای صادر می شود. رایی که حالا با توجه به قوانین جدید اگر لازم الاجرا شد و در پرداختش قصور ورزیدند مجوز حضور در بازی های فصل بعد خواه لیگ برتر یا دسته اول صادر نخواهد شد.

پشت دروازه فوتبال

گل کرنری، هدیه ترکی به استقلال

در حالیکه دقیقه ۶۰ بر روی طالب لو، خطا صورت گرفت، ترکی با نادیده گرفتن این خطا، رای به کرنر داد که همین کرنر به گل اول استقلال توسط یرکوویچ تبدیل شد. این گل را باید هدیه ترکی به استقلال دانست که مورد اعتراض شدید تماشاگران شاهین قرار گرفت. همین اشتباه محسن ترکی باعث شد تا سه امتیاز از شاهین بوشهر ببرد، سه امتیازی که از دست رفتن آن ممکن است باعث سقوط شاهین به لیگ دسته یک شود.

مجری بوشهری، گزارشگر استقلال

در حالیکه تماشاگران تلویزیون بوشهر انتظار داشتند تا شاهین بهرام نژاد مجری توانمند بوشهری، بازی شاهین و استقلال را گزارش دهد، مسئولان صدا و سیمای بوشهر ترجیح دادند تا از این مجری توانای بوشهری استفاده نکنند تا مجری جایگزین، در اکثر موارد بازی، به تعریف تیم استقلال پرداخته و بیشتر از شاهین درباره تیم میهمان، سخن سرایی کند. این در حالی است که مجریان شبکه های استانی در بازی های پخش مستقیم از شبکه سه، سعی به معرفی فوتبال و تیم استان خود به بینندگان ملی را دارند، اما مثل اینکه مجری بوشهری تحت تاثیر نام تیم پایتخت نشین قرار گرفته بود. این هم از شانس شاهینی ها!

یک دقیقه سکوت

پیش از آغاز دیدار تیم های شاهین و استقلال، یک دقیقه سکوت اعلام شد. این اقدام به سبب خدمات شادروان حسین غریبی پیشکسوت باشگاه قدیمی استقلال بوشهر انجام شد. شادروان غریبی هفته گذشته درگذشت.

حمایت لیدرهای پرسپولیس از شاهین

شاهین این فصل همه جور مسئول وارداتی و پروازی داشت اما در تازه ترین اقدام لیدر پروازی هم دارند! دو نفر از لیدرهای پرسپولیس در بازی شاهین مقابل استقلال، برای حمایت از تیم شاهین در ورزشگاه حضور یافتند. لیدرهای پرسپولیس با پرواز صبح وارد بوشهر شدند تا به کمک لیدرهای شاهین بوشهر بیایند. گفته می شود این دو لیدر در دیدار فینال جام حذفی نیز برای حمایت از شاهین به شیراز رفته بودند.

ادعای عجیب طالب‌لو:

با هماهنگی مسئولان شاهین شکایت کردم!

وحید طالب‌لو دروازه‌بان شاهین بوشهر حق و حقوقش را از این باشگاه نگرفته و گویا وعده‌های شاهینی‌ها عملی نشده است. همین موضوع باعث شد تا طالب‌لو که مدتی پیش از باشگاه استقلال شکایت کرده بود، از باشگاه شاهین هم شکایت کند. طالب‌لو در مورد این موضوع حرف‌هایش را اینگونه آغاز می‌کند: «من دوست ندارم از کلمه شکایت استفاده کنم در ضمن هیچ جنگ و دعوایی هم با مسوولان شاهین ندارم و طبق هماهنگی با خودشان از طریق قانونی اقدام کردم. آنها چند بار به من چک دادند که این چک‌ها پاس نشد و برگشت خورد، درست شبیه وضعیتی که در استقلال برایم پیش آمد و من هم تصمیم گرفتم از طریق قانونی اقدام کنم. حتی وعده‌های دیگری که آنها داده بودند عملی نشد و من از خیلی مسائل گذشتم.» از طالب‌لو در ادامه در خصوص سقوط شاهین سوال می‌کنیم که او اینگونه پاسخ می‌دهد: « من فکر می‌کنم که اگر یکسری از دعواهای بیرونی و حرف‌هایی که زده می‌شود تمام شود سقوط نخواهیم کرد و در لیگ برتر می‌مانیم. در حال حاضر تیم ما نیاز به آرامش دارد و اختلاف‌های بیرونی و جروبحث‌هایی که انجام می‌شود به سود شاهین نخواهد بود.»/ ورزش ۳

رفتار شگفت انگیز سرمربی ایرانجوان

گودرز(عبدالرحیم) خرمزی سرمربی ایرانجوان از تماشاگران بازی استقلال صنعتی اهواز و گهر درود بود. او به دوستانش گفته می دانم گهر حریف ما در پلی آف است و در حالی که می توانست با پرواز مستقیم به تهران برود تا بازی پاس را ببیند یا راهی یزد شود تا بازی ماشین سازی که روی کاغذ شانس بیشتری داشت را تماشا کند، اما در اقدامی عجیب با ماشین شخصی از بوشهر به اهواز رفت تا گهر زاگرس را از نزدیک ببیند. این پیش بینی عجیب او و رفتاری که داشت جالب توجه است. وی درپایان بازی به خبرنگار سایت گل گفت: برای ما فرقی نداشت که کدام تیم به پلی آف می رسد و حتی الان هم قرعه بازی و اینکه کدام تیم میزبان بازی رفت باشد نیز تاثیری در کار ما ندارد. ما برای رسیدن به لیگ برتر برنامه ریزی کرده ایم و نام حریف و نحوه میزبانی نمی تواند در اراده بازیکنانمان خللی ایجاد کند. جهنم ورزشگاه شهید بهشتی چه در بازی رفت و چه برگشت نفس هر حریفی را می گیرد.هواداران بوشهری تجربه پلی آف را دارند و شاهین هم از همین راه به لیگ برتر رسید. پس بی صبرانه منتظر بازی با گهر هستیم.

گزی: انشالله رایی در خور شان بی انضباطی کرار صادر شود

احمد گزی رییس هیئت موسس باشگاه شاهین در خصوص شکایت طالب لو و شکوری و اینکه تاکنون هیچ بازیکنی از باشگاهی که در آن مشغول بازی است شکایت نکرده اظهار داشت: این شکایت مربوط به گذشته است! نباید به آن دامن زد. به هرحال بازیکن هم حق و حقوقی دارد. شما مطمئن باشید طالب لو مقابل استقلال یکی از بهترین روزهایش را سپری می کند.

وی در پاسخ به این که آیا کرار هم ممکن است برگردد تا به تیم کمک کند گفت: نه؛ کرار آماده نیست و این مدت تمرین نداشته. او را به کمیته انضباطی فدراسیون معرفی کرده ایم و انشالله رایی در خور شان بی انضباطی هایش صادر خواهد شد./منبع:گل

پشت دروازه فوتبال

انصاریان بعد از برگشت سه باره به شاهین:

برای مسئولین شاهین تره هم خرد نمی کنم!



بازگشت سه باره علی انصاریان به شاهین در نوع خود جالب است. در حالی که گفته می شود او را به شاهین بازگردانده اند تا با نیمکت نشین کردن هادی شکوری پاسخ شکایت وی از شاهین به کمیته انضباطی را بدهند، اما اظهارات خود انصاریان به گونه ای است که دست کمی از شکایت شکوری ندارد.

او در پاسخ به این که آیا به خاطر تهدیدهای مدیران شاهین به تیم برگشته می گوید: «انگار مرا نمی شناسید. کسی جرات ندارد مرا تهدید کند. من به خاطر مردم برگشتم. مردمی که برایم سنگ تمام گذاشتند و تیم را به اندازه خانواده اشان دوست دارند.همان ها که درآمد زیادی ندارند اما سهم خرید بلیط بازی ها را از درآمدشان کنار می گذارند.من به خاطر اینها برگشتم نه تهدیدها. فقط کاش مسئولان بروند با خودشان خلوت کنند ببینند چه بر سر تیم آورده اند»

انصاریان موضع قبلی اش در مورد مدیران شاهین را پابرجا می داند: « هنوز هم می گویم برای مسئولان باشگاه تره هم خرد نمی کنم. برگشتم چون شاهین به یارانش نیاز دارد. یک تصمیم شخصی گرفتم و اینکه گفته می شود برای بازگشت به درخشان زنگ زدم هم دروغ است. سخت ترین بازی با سپاهان در اصفهان است اما خدا مردم بوشهر را دوست دارد و نمی گذارد تیمشان سقوط کند.»

آشتی کنان مدیران شاهین در رادیو!

درگیری های مدیریتی باشگاه با میانجی گری تهیه کننده و مجری برنامه پسین ورزش رادیو بوشهر به آتش بس انجامید. ابتدا گزی اعلام کرد: رییسی نژاد با ناراحتی و عصبانیت تصمیم گیری کرده اما ما آن حرفها را یک برداشت شخصی می دانیم و مدیران باشگاه همان قبلی ها هستند. ما یک بازی سرنوشت ساز با استقلال داریم و باید به آن فکر کنیم. این بار باید حق چند سال اخیرمان را از استقلال بگیریم و آنها همیشه با ترس مقابل ما بازی کرده اند. تیم ما با کامیاب روند رو به جلویی داشته. همیشه به مربیان بومی مثل او که لیسانس تربیت بدنی اش را سالها قبل گرفته ، کللی فر و رحیم خرمزی اعتقاد داشته ایم اما هواداران این باور را نداشتند که خوشبختانه حالا این باور ایجاد شده است.

پولادی جانشین مدیرعامل هم که در زمره آنهایی بود که توسط رییسی نژاد عزل شده (!) گفت: بعد از بازی با مس آقای رییسی نژاد تماس گرفت و جوری حرف زد که اگر تماس ادامه می یافت ممکن بود رفاقت مان زیر سئوال برود و من قطع کردم که بعد خبردادند او قفل های دفتر باشگاه را عوض کرده. آقای گزی هم تماس گرفتند و گفتند شما با قدرت کار کن و به این مسائل توجه نکنید.

گزی دوباره روی خط آمد و از پولادی خواست فقط به موفقیت تیم بیاندیشد و مردم را به حضور در ورزشگاه در بازی با استقلال دعوت کرد.او در مورد شکایت طالب لو و شکوری از شاهین هم گفت: به هرحال آنها هم حق و حقوقی دارند و نمی خواهیم به این مسائل بپردازیم.

رییس هیئت موسس از مذاکره مدیرعامل با انصاریان خبر داد و گفت: در تلاشیم او را برای ۴بازی آخر در کنار تیم داشته باشیم.

مهرزاد رییسی نژاد که برای آشتی کنان روی خط آورده شد گفت: من با کسی دشمنی ندارم اما با توجه به مسئولیت مان ناچاریم پاسخگوی مردم باشیم. در عین حال به احترام این برنامه و سه تن از دوستانم فعلا کوتاه آمده ام اما روی خواسته هایم مصر هستم. او و پولادی با این حرفها مشکلات را کنار گذاشتند تا منتظر بازی با استقلال باشند.

اظهار نظر کسی که شاهین را به روز سیاه نشاند:

درخشان: شاهین سقوط می کند!

حمید درخشان این فصل در دو مقطع هدایت شاهین بوشهر را بر عهده داشت و عاقبت در حالیکه صدمیلیون تومان را برداشت و تیم را از هم پاشید، با سرو صدای بسیار از این تیم جدا شد. او در مورد شرایط جدول لیگ برتر به «تماشاگر» می گوید: سپاهان قهرمان می شود. تیمی که عمادرضا و جمشیدیان را روی نیمکت دارد کم ستاره نیست. صبا هم به نظرم چهارم می شود و سهمیه می گیرد.

وی در مورد تیم های سقوط کننده هم چنین نظری دارد: سرچشمه که افتاد، شاهین هم بازی های سختی دارد و نمی توان با قاطعیت از بقای آن حرف زد. عدم مدیریت این تیم را به این روز انداخت. متاسفانه وقتی یک تیم نتیجه نمی گیرد همه روی مربی بازیکن و مربی زوم می کنند اما کسی سراغ مدیریت ضعیف نمی رود. شاهین ششم جدول بود و شانس سهمیه داشت پس این تیم نمی تواند مشکل فنی داشته باشد. به نظر من به غیر از مس سرچشمه و شاهین، یک تیم از بین شهرداری تبریز ومس کرمان هم سقوط می کند.

شاهین جریمه شد

کمیته انضباطی شاهین و چند باشگاه دیگر را به دلیل تخلفاتشان جریمه کرد. سایت فدراسیون فوتبال نوشت: طبق گزارشات داور و نماینده ناظر دیدار تیم های شاهین بوشهر و نفت تهران در تاریخ ۱۹ فروردین ۹۱ از هفته ۲۹ لیگ برتر، تماشاگران منتسب به شاهین بوشهر تخلفاتی را انجام دادند. به همین دلیل باشگاه شاهین بوشهر مبلغ ۵۰ میلیون ریال جریمه شد. شاهین بوشهر یک بر صفر برابر نفت تهران به برتری رسیده بود.